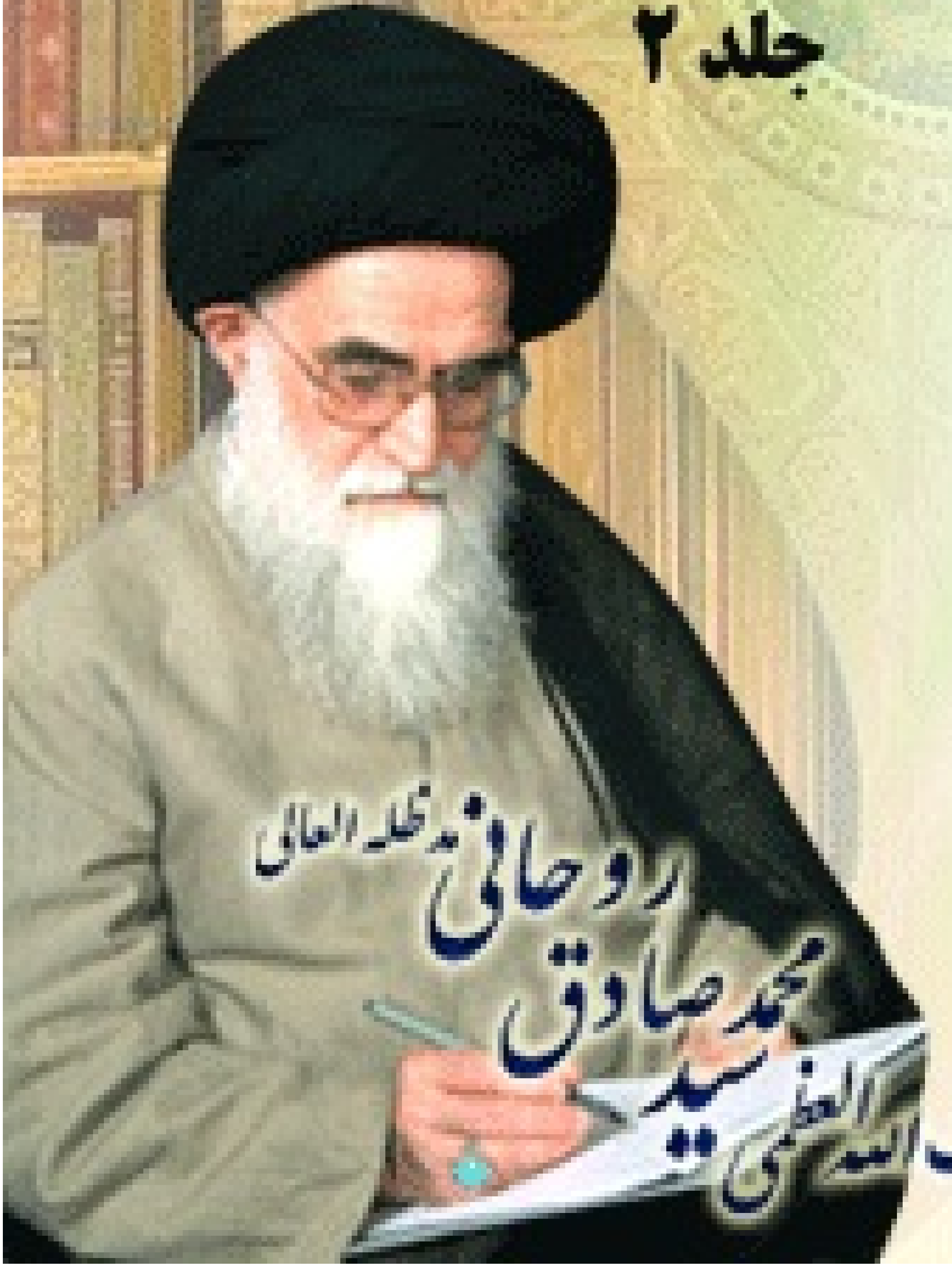
استفتائات

پرسش و پاسخ مسائل شرعی

جلد ۲



حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی جلد ۲ از:حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۲

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

«شرایط تقلید»

(ت) س ۱: آیا مجتهد جامع الشرایط لازم است برای تقلیدکتابت داشته باشدیانه؟

ج: هو العالم؛ لازم نیست. چنانچه اعلم عادل باشد، می شود از او تقلید نمود ولو نتواند بنویسد.

س ۲: آیا از مجتهد اعلمی که اصل انقلاب را قبول دارد ولی با مسؤولین اختلاف نظر دارد، می توان تقلید کرد؟ و آیا اصلاً موافق نظام بودن در مرجعیت شرط است؟

ج: هو العالم؛ مرجع تقلید باید اعلم و عادل باشد و بیش از این شرط ندارد. ولی نمی شود عالم عامل با اصل حکومت اسلامی مخالف باشد. بلی! ممکن است با مسؤولین از باب اینکه با قوانین اسلامی اداره نمی کنند و کارهای آنان بر خلاف دستورات شرع است اختلاف نظر داشته باشد.

س ۳: اگر کسی نیت تقلید از مجتهدی کند، آیا تقلید محقق می شود؟

ج: هو العالم؛ تقلید با نیت محقق نمی شود. بلکه تقلید، عمل کردن به دستور مجتهد است. به عبارت دیگر تقلید عملی است که مستند به رأی و فتوای مجتهد باشد.

«راههای شناخت مجتهد و اعلم»

س ۴: اینجانب مقلد یکی از مراجع می باشم و از آنجایی که حضرت عالی پدرم را می شناسید که یکی از مجتهدین است، از ایشان سؤال شد اعلم کیست که نظرشان چهار نفر می باشند و یکی از آن بزرگواران حضرت عالی می باشید و من شخصی را

مقلد می باشم که جزء این چهار نفر نمی باشد.

از آنجایی که این جانب تحقیق نموده و ارادت خاصی خدمت معظم له دارم، آیا می توانم از مقلدین حضرت عالی بشوم؟

ج: هو العالم; اعلمیت من تا برای شما ثابت نشود، نمی توانید رجوع کنید و فتاوای من که به صورت

جواب استفتاء به شما ارسال می شود برای شما حجیّت ندارد و نمی توانید به آنها عمل کنید.

س ۵: در زمانی که چندین مرجع برای تقلید وجود دارد و نظر اهل خبره بر اینکه کدام مرجع اعلم است مختلف می باشد؛ تکلیف شخصی که وظیفه اش تقلید ازاعلم است چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه اهل خبره عادل، متعدد باشند و هر کدام شخصی را غیر از آن که دیگران به اعلمیت او شهادت می دهند، معرفی و شهادت دهند، شخص مقلد در تقلید از هر کدام از کسانی که اعلمیت آنها محتمل است مخیر است و چنانچه شهود بر اعلمیت یکی از مجتهدین زیادتر باشد، احتیاطاً او را برای تقلید انتخاب نماید.

«بقاء بر تقلید میت»

س ۶: آیا در جائز بودن یا جائز نبودن بقاء بر تقلید میت لازم است به فتوای مجتهد اعلم زنده رجوع شود و بر طبق اجازه او عمل شود.

ج: هو العالم؛ چون مسأله جواز بر بقاء تقلید میت اختلافی است بنابراین بر مکلف لازم است در جواز بقاء یا عدم جواز آن رجوع به اعلم حیّ بنماید و به فتوای او عمل کند.

س ۷: آیا جائز است باقی ماندن بر تقلید حضرت آیت الله... در تمام مسائل یا در مسائلی که در زمان ایشان به آنها عمل شده است ؟

ج: هو العالم؛ بقاء بر تقلید میت را مطلقاً جایز نمی دانم ولو آن میت، اعلم از تمام فقهاء اسلام باشد.

«مسائل متفرقه تقلید»

س ۸: اگر مجتهد یا مقلد عمل به اصل نمودند و سپس کشف خلاف شد، آیا اعمالی که بر طبق اصل انجام شده، اعاده لازم دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ نماز با غیر نماز فرق دارد. در نماز در خصوص ارکان، اعاده لازم است و در غیر اینها لازم نیست.

س ۹: مراد از عبارت «جائز نیست» در مسائل ۹ و ۱۱۸ رساله عملیه شما کدامیک از موارد زیر است:

۱ حرام است ۲ باطل است ۳ هم حرام و هم باطل است.

ج: هو العالم؛ مراد باطل است. یعنی عدم جواز وضعی. ولی چون این عمل به حرمت متعاقب می شود قهراً هر دو مراد است.

س ۱۰: آیا بوسیدن دست غیر معصوم به عنوان تبرک جائز است؟

ج: هو العالم؛ بوسیدن دست غیر معصوم به خصوص پدر و مادر و علمای عاملین جائز است.

س ۱۱: فرق بین مرجع تقلید و ولایت فقیه در

چیست؟

ج: هو العالم; ولایت فقیه به معنای حکومت فقیه است. مرجع تقلیـد کسـی است که در فروع دین قول او حجت است، بنابراین فرق واضح است.

س ۱۲: آیا ولایت مراجع تقلید همان ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد؟

ج: هو العالم; خیر، ولایت امام معصوم (ع) خیلی اوسع از ولایت فقیه است.

س ۱۳: تـوهین نمـودن به مجتهـد جـامع الشـرائط یـا لعنت نمودن او از روی علم و عمـد، چه حکمی دارد؟ آیـا موجب کفر و خروج از دین اسلام می گردد؟ در صورتی که خود لعنت کننده قبول دارد او مجتهد جامع الشرائط است.

ج: هو العالم; امام زمان ارواحنا فداه فرموده است: الراد علیهم الراد علینا و الراد علینا کالراد علی الله و هو علی حدالشرک بالله.

س ۱۴: آیـا ناسـزا گفتن و فحش دادن به مرجع تقلیـد به این دلیـل که دربـاره انقلاب یا اشـخاص، حرف هایی زده است جایز است؟

ج: هـو العـالم; در صـورتی که اصـل حکـومت اسـلامی را اهـانت نکنـد، بلکه متعرض مسؤولین بشود به این جهت که بر طبق دستورات اسلامی عمل نمی کنند جائز نیست.

س ۱۵: اگر مرجع تقلیـدی بـدون ثابت شـدن حق یکی، علی الاعلان طرف مقابل را حمایت کنـد. دراین صورت آیا عدالتش باقی می ماند و تقلید از او جائز است یا خیر؟

ج: هو العـالم; چنـانچه احتمال بدهیـد که بر آن عالم ثابت شـده است که حق با او است، این عمل موجب سـلب عـدالت نمی شود و تقلید او جائز است.

«احکام نجاسات»

«کافر»

س ۱۶: چرا ما بهائیت را نجس می دانیم؟

ج : هو العالم; چون کافر غیر کتابی نجس است.

س ۱۷: اگر شخصی از ناصبین اهل بیت

(ع) مریض شود، مداوا نمودن او چگونه است؟ آیا حرام است؟

ج : هو العالم؛ ناصبی انجس من الکلب است، یقیناً حفظ او از تلف واجب نیست.

س ۱۸: آیا مال ناصبی را می توان گرفت و تصرف نمود؟

ج : هو العالم؛ مال مطلق ناصب را خیر. اما مال ناصب اهل البیت (ع) را، بلی! می توان گرفت و تصرف نمود.

«شراب»

س ۱۹: اگر مسکریت را از شراب بگیرند آیا حرمت خوردن آن باقی است؟ و آیا نیز نجاست آن باقی است؟

ج : هو العالم؛ نجاست باقی است طبعاً حرمت هم باقی است. زیرا شرب و خوردن چیز نجس حرام است ولو خمر نباشد.

«خون»

س ۲۰: مایعی را که در زبان فارسی به آن خون آبه می گویند چه حکمی دارد؟ آیا طاهر است؟

ج : هو العالم؛ خون آبه چون خون ضعیف است، نجس است. بلی! چنانچه به حدی ضعیف باشد که شک کنید خون است یا چرک، پاک است.

«احکام طهارت»

«حیض»

س ۲۱: اگر زنی یک روز حیض دید و عمل به احکام آن نمود روز بعد قرص مانع حیض خورد و حیض نیامد، آیا می تواند نماز و روزه خود را انجام دهد؟

ج : هو العالم؛ بلی، و باید نمازی که در روز اول نخوانده است، قضاء کند. چون حیض کمتر از سه روز نیست ولو سه روز نبودن با ایجاد مانع باشد.

«جنابت»

س ۲۲: اگر در حال خواب، آبی از انسان خارج شود، با توجه به اینکه بعد از بیدار شدن نمی تواند علائم سه گانه مربوط به احتلام را تشخیص دهد، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه علائم احتلام و منی بودن ظاهر باشد که باید به آن عمل شود، والا اگر واقعاً مشکوک باشد بناء بر عدم جنابت بگذارد و به وضوء اکتفاء کند.

س ۲۳: اگر انسان جنب غسل نمود ولی قبل از استبراء از بول یا بعد از آن رطوبتی دید و شک کرد آیا بول است یا منی؟ وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر شخصی با انزال منی جنب شود و بدون استبراء به بول غسل کند و رطوبتی مردد بین بول و منی ببیند، حکم می شود به اینکه آن منی است و باید غسل بکند. و وضوء لازم نیست و اگر بعد از استبراء به بول و قبل از استبراء از بول باشد حکم می شود به اینکه بول است و باید وضوء بگیرد و غسل لازم نیست، و اگر بعد از استبراء از بول باشد، چنانچه وضوء نگرفته است، فقط وضوء واجب است و اگر وضوء گرفته، باید جمع بین وضوء و غسل بنماید.

«وضوء»

«کیفیت وضوء گرفتن» س ۲۴: اگر محاسن صورت پرپشت و بلند باشد آیا رساندن آب به پوست صورت لازم است؟

ج : هو العالم؛ در وضوء آب رساندن به صورت لازم نیست مگر در موردی که ریش خیلی خفیف باشد که با یک مشت آب ریختن و دست کشیدن، آب به صورت برسد که در این صورت باید شسته شود، به هرحال اگر یک مشت

آب به صورت بریزد و یک دفعه دست بکشد کافی است.

س ۲۵: آیا در وضوء مقداری از عذار (قسمت بالای فک) و عارض (گونه) جزء صورت است و باید شسته شود؟

ج : هو العالم؛ آنچه دست باز از صورت می گیرد لازم است و زیادی از آن لازم نیست. به عبارت دیگر پهنای صورت، یعنی مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد، باید شسته شود.

س ۲۶: اگر در وضوء هنگام شستن صورت و دست ها اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۷: با توجه به مسأله ۲۵۷ رساله عملیه شما، آیا در وضوء می تواند صورت و دست ها را چند مرتبه آب بریزد و در آخرین مرتبه قصد شستن برای وضوء نماید؟ برفرض مثبت بودن جواب آیا بین شستن مرتبه اول و دوم فرقی هست یا خیر؟

ج : هو العالم؛ آب ریختن هر چند عدد باشد اشکال ندارد، ولی اگر تمام عضو شسته شد، مرتبه دوم مستحب است و مرتبه سوم جائز نیست.

س ۲۸: اگر کسی تا مچ در وضوء بشوید و بعد از مچ تا سرانگشتان آب بریزد و به نیت وضوء بشوید آیا وضوی او صحیح است؟

ج : هو العالم؛ بلی، صحیح است.

س ۲۹: اگر وضوء گیرنده در مسح پا، مانعی را بعد از مسح دید آیا می تواند مانع را برطرف کند و دوباره مسح کند؟

ج : هو العالم؛ بلی، مادامی که موالات از بین نرفته باشد.

س ۳۰: اگر در حال مسح سر، قسمتی از دست به آب صورت رسید، آیا می

تواند با بخش باقی دست که متصل به آب صورت نشده پاها را مسح کند؟

ج : هو العالم؛ بلی، می تواند مسح کند.

س ۳۱: اگر رطوبت کف دست برای مسح باقی نمانده باشد، آیا می تواند از سایر اعضای وضوء رطوبت بگیرد؟

ج : هو العالم؛ بلی، می تواند، ولی احوط استحباباً تقدیم ریش و ابرو بر سایر اعضاء وضوء است.

س ۳۲: حد مسح کشیدن پای مرد و زن چگونه است؟ فرق دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ به یک نحو است هیچ فرقی ندارد.

س ۳۳: آیا در وضوء برای مسح پاها جایز است یا دست راست پای چپش را مسح کند و برعکس؟

ج : هو العالم؛ بنابر اقوی باید مسح پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ باشد .

س ۳۴: آیا در وضوء مسح منکوس جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی جائز است.

س ۳۵: در حال اضطرار آیا مسح نمودن پاها اگر حایل نازک روی آنها باشد جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز است.

س ۳۶: آیا در وضوء مسح کردن بر روی حایل همانند مقنعه یا جوراب در حال ضرورت یا تقیه یا سرمای شدید یا ترس از حیوان درنده، و یا ترس از دشمن، جایز است؟

ج : هو العالم؛ بلی جائز است ولی در خصوص مسح سر در حال تقیه احوط تیمم بعد از وضوء است.

س ۳۷: در صورتی که وضوء گیرنده روی پاها را دو مرتبه مسح کند، آیا وضویش باطل است؟

ج : هو العالم؛ اگر مسح اول صحیح باشد وضوء باطل نمی شود و اگر مسح اول

صحیح نباشد، در مسح دوّم اگر پا را خشک کند، صحیح والا باطل است.

س ۳۸: آیا در وضوء تکرار عمدی یا سهوی مسح سر و پاها موجب بطلان وضوء می شود؟

ج: هوالعالم؛جواب این مسأله ازجواب مسأله قبل معلوم می شود.

«شرایط وضوء»

س ۳۹: در صورتی که دست نجس بود و آن را با آبی که کریّت آن مشکوک است شست و وضوء گرفت. آیا دست پاک شده و وضوء صحیح است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه دست را داخل آب نماید و آن آب سابقه کریّت دارد، پاک می شود و وضوء صحیح است،اگرسابقه کریّت ندارد. دست محکوم به نجاست است و وضوء هم باطل است.

س ۴۰: اگر دست نجس بود و انسان یادش رفت آن را بشوید و با آب قلیل وضوء گرفت ونماز خواند، آیا نماز صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ بنابر احتیاط باید نمازها را اعاده کند.

«احکام وضوء»

س ۴۱: آیا استحباب نفسی وضوء به نظر مبارک شما ثابت است؟ و مراد از استحباب نفسی آن چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ بلی ثابت است، مراد هم آن است که خود وضوء بدون قصد غایت مثل نماز یا غیر آن مطلوب است.

س ۴۲: اگر بخواهیم قبل از اذان برای نماز واجب وضوء بگیریم باید با چه نیتی باشد؟

ج : هو العالم؛ به قصد استحباب نفسی یا به قصد طاهر بودن یا برای یک نماز مستحبی یا قرائت قرآن.

س ۴۳: در صورتی که انسان می داند بعد ازداخل شدن وقت نماز، اگر وضوء را تأخیر بیندازد مضطر به مسح بر حایل می شود آیا تقدیم وضوء واجب است؟ در صورتی که تأخیر وضوء، منجر به وضوی ضرورت یا تقیه گردد، آیا باز همین حکم را دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی تقدیم وضوء واجب است ولکن اگر تأخیر خلاف تقیه باشد، جائز نیست.

س ۴۴: اگر کسی وضوء گرفت برای اینکه

قرآن بخواند آیا می تواند با همان وضوء نماز بخواند؟

ج : هو العالم; بلی می تواند.

س ۴۵: اگر کسی با اعتقاد به اینکه مورد تقیه یا ضرورت است وضوی تقیه ای یا ضرورتی گرفت سپس خلاف آن روشن شد، آیا چنین وضویی در وقت یا خارج وقت صحیح است؟

ج : هو العالم; صحیح نیست.

«مبطلات وضوء»

س ۴۶: آیا با توجه به احادیثی که در وسایل الشیعه کتاب صوم ایراد گردیده است موضوعاتی همانند دروغ بستن بر خداوند متعال یا معصومین (ع)، غیبت کردن، ظلم کردن، و تکرار نظر به نامحرم نمودن موجب نقض وضوء می شوند؟

ج : هو العالم; موجب نقض نمی شود، و جواب از استدلال به روایات در کتب علمی آمده است.

«مس اسامی محترم»

س ۴۷: مس نمودن القاب و کنیه های ائمه اطهار (ع) بدون وضوء چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در صورتی که به نحو هتك و اهانت نباشد، مانعی ندارد.

س ۴۸: کسی که بیماری سلس بول و غایط دارد اگر وضوء بگیرد آیا می تواند مس کتابت قرآن مجید بنماید؟

ج : هو العالم; بلی، جائز است و می تواند مس کند.

«غسل»

«احکام غسل»

س ۴۹: آیا با غسل های واجب و غسل های مستحب قطعی همانند غسل جمعه می توان بدون وضوء نماز خواند؟

ج : هو العالم; بلی می شود نماز خواند بلکه با غسلهایی که روایت ضعیفی دلالت بر استحباب آن بکند، می توان نماز خواند.

س ۵۰: اگر زن حامله از دنیا برود بچه را از شکم او بیرون آورند آیا لازم است بر طفل بعد از بلوغ غسل مس میت نماید؟

ج : هو العالم; چنانچه بچه از شکم مادر مرده بیرون آمده است بعد از بلوغ مقتضای احتیاط لزومی وجوب غسل مس میت است.

س ۵۱: اگر طفل نابالغ میت را مسح کرد، آیا بعد از بلوغ غسل مس میت بر او واجب است؟

ج : هو العالم؛ بلی! در صورتی که بچه نابالغ مس میت نماید غسل بعد از تکلیف بر او

واجب است.

س ۵۲: آیا قضای غسل جمعه چه در حال عذر نبودن آب یا با بودن آب کفایت از وضوء می کند؟

ج : هو العالم؛ در مورد امر به قضاء غسل جمعه کفایت ازوضوء می کند ولی اگر ثابت نباشد و رجاءاً قضاء کند کافی نیست.

«احکام تیمم»

س ۵۳: اگر کسی با نداشتن آب، تیمم بدل از غسل جنابت کرد و خوابید بعد از بیداری وظیفه اش برای نماز تیمم بدل از غسل است یا بدل از وضوء.

ج : هو العالم؛ وظیفه او تیمم بدل از وضوء است.

س ۵۴: اگر نماز گذار با وضوء نماز بخواند تدافع بول و غایط می شود و اگر وضویش را باطل کند دیگر آب نمی یابد، آیا می تواند وضوء را باطل کند و با تیمم نماز بخواند؟

ج : هو العالم؛ نمی تواند مگر آنکه باطل نکردن وضوء برای او ضرر داشته باشد.

«احکام میت»

س ۵۵: شخص محتضر که در عالم نزع است و با دستگاه برقی تنفس مصنوعی داده می شود و اگر آن دستگاه را خاموش کنند فوت می کند و آیا خاموش کرن این دستگاه جایز است یا نه؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

«غسل میت»

س ۵۶: مسلمانی که در بلاد کفر زندگی می کرده فوت نموده است، برای غسل و کفن و دفن او در آنجا مسلمان یافت نمی شود. چه باید بکند؟

ج : هو العالم؛ با وجود اهل کتاب، کافر مماثل اولاً غسل می کند و بعد او را غسل می دهد، و اگر اهل کتاب نباشد، غسل ساقط است. بقیه مراسم را انجام دهند.

(ت) س ۵۷: در حال ضرورت آیا کافر می تواند غسل و کفن و دفن میت مسلمان را انجام دهد؟

ج : هو العالم؛ حکم این مسأله از جواب مسأله قبل معلوم شد.

«کفن میت»

س ۵۸: هزینه گور و کفن زن به عهده کیست؟

ج : هو العالم؛ هزینه کفن به عهده شوهر او است.

س ۵۹: در شهادت نامه میت شهادت زن ها صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی، صحیح است.

«نماز میت» س ۶۰: شخصی در نماز میت بعد از تکبیر اولی تنها شهادت به توحید را می گوید و شهادت به رسالت را فراموش می کند و بعد از نماز یادش می آید. آیا آن نماز مجزی است؟

ج : هو العالم؛ مجزی نیست.

«دفن میت»

س ۶۱: در صورتی که میت را در جای غصبی دفن کرده اند، اگر او را به مکان دیگر ببرند هتک حرمت او می شود و از طرفی مالك زمین رضایت ندارد آیا اینجا باب تزاحم می شود یا قاعده سلطنت حاکم است؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که بشود به نحوی ببرند که هتك نباشد ولو در شب، لازم است والا حتی الامکان صاحب زمین را راضی کنند. اگر نشد، باب تزاحم است.

«مسائل متفرقه میت»

س ۶۲: دکتری فوت شدن کسی را تصدیق کرد، لکن بعد از مدتی با تنفس مصنوعی زنده شد، آیا غسل میت بر او واجب است یا نه؟ و آنهایی که او را مس کرده اند غسل مس میت بر آنها واجب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه زنده شود معلوم می شود از اول نمرده است و دکتر اشتباه کرده است، چون مرده زنده نمی شود. بنابراین نه غسل میت واجب است و نه غسل مس میت.

س ۶۳: زنی مرده و بعد از اتمام غسل های سه گانه اش، جنین او متولد می شود. آیا غسل استحاضه و نفاس برای او لازم است؟ و آیا غسل های قبلی به قوت خود باقی است؟ و در رابطه با جنین چه باید کرد؟

ج : هو العالم؛ غسل استحاضه و نفاس لازم نیست، ولی باید نجاست شسته شود.

و اما جنین اگر چهارماه او تمام شده یا مستوی الخلقه است، واجب است غسل داده و تکفین شود و به همانگونه که متعارف است دفن شود و الا غسل واجب نیست و در پارچه ای پیچیده و دفن می شود، در هر دو صورت

نماز ندارد.

س ۶۴: میتی که جنازه اش بعد از آنکه مدتی در بیابان افتاده و شدیداً بو گرفته و متلاشی شده، به دست آمده و قابلیت غسل و تیمم ندارد، چه باید کرد؟ و ثانیاً آیا کفن کامل برای او لازم است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه استخوان های آن بدون گوشت باقی است، جمیع اعمال واجب بر میت غیر از غسل که در فرض سؤال ممکن نیست، واجب است.

«احکام نماز»

«آمادگی و حضور قلب»

س ۶۵: برای طهارت روح و قلب و آمادگی برای نماز با خشوع قلبی چه باید کرد راهنمایی بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ ۱ نماز شب خواندن ۲ هر روز اقلا پنجاه آیه قرآن خواندن ۳ تکرار ذکر یونسیه( ) در سجده طولانی ۴ سعی در حلال بودن لقمه ۵ سحر خیزی و انجام وظایف شرعیه در آن وقت به خصوص شب جمعه ائمه طاهرین (س) فرموده اند ما صبر می کنیم شب جمعه شود تا درهای رحمت الهی گشوده گردد و بزرگان از علماء هر گاه می خواستند مطلبی را از خدا بگیرند از سحر استفاده می کردند. زیرا سحر ارتباط پیدا کردن با خدا اثر خاصی دارد.

«وقت نماز»

س ۶۶: اگر کسی قبل از وقت نماز مقدمات واجب آن را یاد نگرفت و همچنین بعد از وقت تا پایان آن هم یاد نگرفت، وظیفه چیست؟ آیا عقاب هم دارد؟

ج : هو العالم؛ قبل از وقت و بعد از آن در فرض سؤال باید یاد بگیرد و الا چنانچه نماز فوت شود عقاب دارد.

س ۶۷: آیا می توان پس از شروع اذان، بلافاصله نماز را خواند؟ یا باید صبر کرد و سپس نماز را خواند؟

ج : هو العالم؛ در نماز صبح باید مقداری صبر نمود حتی بعد از تمام شدن اذان، در ظهر و مغرب پس از اتمام اذان شروع به نماز مانعی ندارد میزان اطمینان به دخول وقت است و گفتن اذان مدخلیت ندارد

س ۶۸: در روز عاشورا هنگام ظهر اگر نماز از اول وقت تأخیر افتد آیا فضیلت نماز اول وقت از دست می رود؟ و اگر به علت عزاداری تأخیر افتد

آیا ثواب اول وقت از دست می رود؟

ج : هو العالم؛ خود حضرت سید الشهداء(ع) در جنگ که از افضل عبادات بود از آن دست کشید و نماز خواند، پس ما که ادعای تبعیت از آن بزرگوار را داریم باید نماز اول وقت را رعایت کنیم.

س ۶۹: در صورتی که وقت نماز وسعت دارد، و تأخیر نماز موجب قضا نمی شود تنها از وقت فضیلت خارج می شود، آیا مردم می توانند تأخیر نماز کنند و به عزا و ماتم مشغول باشند، آیا این فعل مانعی دارد؟

ج : هو العالم؛ خیر، مانعی ندارد مگر جائی که عنوان اهانت به فریضه الهی منطبق شودوبه عبارت دیگراستخفاف به صلاه باشد.

س ۷۰: اگر شک کردیم روز باقی است یا نه؟ آیا می توان استصحاب روز کرد و نماز را اداء خواند؟ آیا اصل مثبت نیست؟

ج : هو العالم؛ خیر اصل مثبت نیست بلکه از موارد ضم وجدان به اصل است در موضوعات مرکبه. بنابراین در حال شک می توان نماز خواند و نماز اداء است نه قضاء.

«لباس نماز گذار»

س ۷۱: در مواردی که خانم ها با چادر سفید نازک نماز می خوانند اگر بدن آنها زیر چادر نمایان باشد، اعم از اینکه نامحرمی باشد و یا نباشد، نماز آنها چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه ساتر بدن نباشد نماز صحیح نیست ولو نامحرم نباشد. میزان پیدا نبودن بدن در حال نماز است.

س ۷۲: اگر نمازگذار در اثنای نماز یا بعد از آن متوجه شد که موی گربه بر لباس او هست، آیا نماز او صحیح می باشد؟

ج : هو العالم؛ صحیح است، ولی اگر در

وسط نماز باشد باید آن را از خود جدا کرده و کنار بیندازد.

س ۷۳: آیا برای خانم ها لازم است در حال نماز جوراب ضخیم بپوشند؟

ج : هو العالم؛ پوشاندن پا تا ساق لازم نیست. ولی از ساق به بالا باید پوشیده باشد.

«مکان نمازگذار»

س ۷۴: نماز خواندن در زمین های وقفی چه حکمی دارد؟ در خانه های ساخته شده در آن چه؟

ج : هو العالم؛ اگر وقف خاص نباشد و خانه های ساخته شده مخالف وقف واقف نباشد، اشکال ندارد.

س ۷۵: در صورتی که زن و مرد در دو اطاق مشغول نمازند لکن مکان زن جلوتر از مکان مرد است، نمازشان چه حکمی دارد؟ در حالتی که درب اطاق ها باز باشد نمازشان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ صحیح است چون واجب نیست زن عقب تر از مرد بایستد.بلی! مساوی ایستادن زن با مرد یا جلوتر ایستادن او مکروه است.

س ۷۶: مغازه ما در منطقه ای از تهران میدان کاه فروشان قدیم می باشد جدّ پدری ما در آن میدان کاه و جو و گندم می فروخته، اما قبل از او این ملك قبرستان اداره اوقاف بوده است که بعداً به جد و پدر و خود ما رسیده است، شخصی با همکاری شهرداری تهران میدان و قبرستان را به پروژه تجاری تبدیل کردند و مغازه ما الان در این پروژه است، با توجه به اینکه همه حقوق دولتی مالیات، عوارض و... را پرداخت می کنیم، آیا اجازه می دهید نماز اول وقت را در این ملك بخوانیم؟

ج : هو العالم؛ شما به حسب ظاهر حق استفاده داشته

اید و فعلا هم دارید به هر حال من اجازه می دهم همه نوع استفاده بنمایید.

«اذان و اقامه»

س ۷۷: با توجه به احادیثی که از حضرات معصومین (ع) رسیده که بدون ولایت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه هیچ عملی حتی نماز پذیرفته نیست و هر فرقه ای غیر از شیعه دوازده امامی در گمراهی و ضلالت هستند، آیا شهادت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) در اذان واجب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ واجب نیست ولی مستحب است، مراد از روایات اعتقاد است نه گفتن.

س ۷۸: اینجانب اذان و اقامه نماز را به کیفیت زیر می خوانم آیا جایز است؟

«اشهد ان محمداً رسول الله، اشهد ان محمداً رسول الله، و ان علیا و فاطمه و اولادهما سیما حجه بن الحسن العسکری، حجج الله صلوات الله علیهم اجمعین»

ج : هو العالم؛ در اذان و اقامه موجب بطلان نیست ولی عمل به وظیفه هم نیست. چون در اجزاء و شرایط عبادات، باید به همان گونه که دستور داده شده است عمل نمایند.

«قیام»

س ۷۹: در نماز آیا برای خانم ها جفت بودن پاها الزامی است؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست ولی مستحب است خانمها در حال ایستادن پاها را به هم بچسبانند.

«قرائت»

س ۸۰: اگر شخصی از روی غفلت آیه سجده واجب را در نماز خواند و چون جاهل به حکم یا موضوع بود، سجده زیادی آن را در نماز انجام داد آیا نمازش صحیح است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه جاهل مقصر نباشد، نماز او صحیح است.

س ۸۱: کسی که به خاطر نداشتن دندان نمی تواند حمد و سوره را صحیح بخواند آیا لازم است در نماز دندان مصنوعی بگذارد؟ و اگر شخص برای حج مستطیع بود و مریض شد آیا لازم است مداوا کند و به حج برود؟

ج : هو العالم؛ در هر دو مورد لازم است یعنی واجب است برای خواندن نماز صحیح دندان بگذارد و برای به جا آوردن حج مداوا کند.

«سجده»

س ۸۲: آیا سجده کردن بر اسکناس صحیح است؟

ج : هو العالم؛ صحیح نیست.

س ۸۳: آیا بر مهرهایی که نام مبارک خداوند تعالی و ائمه معصومین(ع) روی آن نوشته شده است می توان سجده کرد؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۸۴: آیا جلسه استراحت در نماز واجب است؟

ج : هو العالم؛ واجب نیست.

«سجده واجب قرآن»

س ۸۵: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از گرامافون و ضبط صوت چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ بنابر احتیاط باید سجده نماید.

س ۸۶: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد مثلا به شوخی آیه را می خواند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ سجده واجب نیست.

س ۸۷: شنیدن آیه سجده دار و اجب قرآن از بچه غیر ممیز چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ حکم مسأله قبل را دارد یعنی بنابر احتیاط باید سجده نماید.

س ۸۸: شنیدن آیه سجده دار واجب قرآن از رادیو و تلویزیون اگر پخش مستقیم نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ باید احتیاط نمود و سجده بجا آورد.

«تشهد»

س ۸۹: اینجانب تشهد نماز را به صورت زیر می خوانم آیا جایز است؟

... اشهد ان محمداً عبده و رسوله و ان علیا امیرالمؤمنین، اللهم صل علی محمد و آل محمد.

ج : هو العالم؛ در تشهد نماز نمی شود به این طریق عمل کرد ولی در اذان و اقامه مستحب است.

س ۹۰: به نظرم می رسد در کتاب وسائل الشیعه روایاتی ایراد شده است که ائمه علیهم السلام در تشهد نماز به ولایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) شهادت می دادند، حال اگر کسی در تشهد، شهادت به ولایت آن حضرت بدهد آیا نمازش اشکال پیدا می کند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه روایتی را با این مضمون دیده اید، ارائه دهید. چون قطعاً چنین نیست، و در تشهد نماز شهادت به ولایت خلاف احتیاط است. ولی در اذان و اقامه بسیار عمل خوبی است.

«قنوت»

س ۹۱: اگر نمازگزار در قنوت نماز دعای حرام کند آیا قنوت او باطل است یا نماز باطل می شود؟

ج : هو العالم؛ نماز باطل می شود.

س ۹۲: اینکه بعضی از نمازگزاران هنگام قنوت، نگین انگشتر عقیق را به طرف صورت برمی گردانند آیا این عمل مستند است؟ و آیا ثوابی هم دارد؟

ج : هو العالم؛ در روایتی از این عمل نهی شده است، به هر حال کار مستحسنی نیست.

س ۹۳: قنوت آیا شرط کمال نماز است یا جزء مرکب آن؟ و در صورتی که مکلف در حالی که مشغول قنوت است، شک در قرائت سوره نماید آیا قاعده تجاوز جاری است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جزء مستحبی است و برای جریان قاعده تجاوز در سوره، شروع به قنوت

کافی است.

«تعقیب نماز»

س ۹۴: آیا دست دادن مأمومین با یکدیگر بعد از نماز استحباب دارد؟

ج : هو العالم؛ مصافحه بعد از نماز مستحب است

س ۹۵: معمولا بعد از نماز آیه مبارکه «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیما» خوانده می شود، آیا بعد از آن صلوات آن واجب است، و آیا اگر شخصی در حال انجام نماز واجب هم باشد و آیه را بشنود، باید در بین نماز سه بار صلوات بفرستد؟ نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ مستحب است نه واجب، در بین نماز هم مستحب است، سه بار هم لازم نیست، بلکه یکبار هم به مستحب عمل می شود.

«مبطلات نماز»

س ۹۶: آیا غلط خواندن قنوت یا ذکر مستحبی نماز، مبطل نماز است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه عمداً غلط بخواند مبطل نماز است و الا خیر، مبطل نیست.

س ۹۷: اگر در حال گفتن تکبیره الاحرام به نمازگذار تنه بزنند و بدنش تکان شدیدی بخورد و طمأنینه نماز از بین برود آیا باید نماز را بشکند و دوباره شروع نماید، یا فقط تکبیره الاحرام را تکرار کند و یا چون حرکت قهری بوده، تکبیرش درست است، لطفاً وظیفه شرعی را بیان کنید.

ج : هو العالم؛ اگر تکان خوردن شدید نباشد، فقط طمانینه از بین برود، ظاهراً نماز صحیح است، و اگر شدید باشد که وقوف از بین برود احتیاطاً پس از اتمام آن نماز را اعاده کند ولو اینکه صحت نماز بعید نیست.

س ۹۸: در حال نماز اگر تلفن یا موبایل که نزد مصلی است، زنگ بزند می تواند آن را قطع کند و به نمازش ادامه دهد؟

ج

: هو العالم؛ بلی مانعی ندارد.

س ۹۹: در رساله توضیح المسائل آمده است: «ارکان نماز اگر عمداً و یا سهواً کم یا زیاد شود نماز باطل است» حال سؤال این است که زیادی در نیت چگونه متصور است؟

ج : هو العالم؛ در اجزاء غیر رکن کم یا زیاد شدن غیر عمدی مبطل نیست، در نیت ولو زیاد شدن ممکن نیست، ولی چون کم شدن ممکن است لذا از ارکان ذکر شده است.

«شکیات نماز»

س ۱۰۰: اگر نمازگزار در حال قیام علم اجمالی دارد که یا یک سجده از رکعت قبل را فراموش کرده و یا تشهد، چه وظیفه ای دارد؟

ج : هو العالم؛ برگردد تشهد به جا بیاورد و اتیان به سجده لازم نیست.

س ۱۰۱: اگر شخصی بعد از نماز ظهر و عصر، علم اجمالی پیداکردکه یک رکعت به جا نیاورده و نمی داند از نماز ظهر است یا نماز عصر، وظیفه او چیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه علم اجمالی بعد از اتیان به منافی عمدی و سهوی بعد از عصر باشد یک چهار رکعتی به قصد ما فی الذمه بخواند. و اگر قبل از اتیان به منافی باشد یک رکعت به نماز دوم ضمیمه بنماید امتثال محقق می شود، و همچنین اگر اعمال وظیفه بین ثلاث و اربع بنماید.

س ۱۰۲: آیا برای نمازگزار ظن در رکعات نازل منزله علم است؟ حال اگر شاهد بگوید شما سه رکعت به جا آوردی، ولی نمازگذار ظن دارد که چهار رکعت بجا آورده است، بفرمایید کدام یک در عمل مقدم است؟

ج : هو العالم؛ ظن در رکعات مطلقاً در حکم علم است، بنابر این اگر از قول

شاهد ظن از بین برود باید به قول شاهد عمل کند و الا در عمل به ظن یا به قول شاهد ثقه مخیراست.

س ۱۰۳: اگر نمازگذار بعد از اکمال سجدتین که علم اجمالی پیدا کرد بعد از اکمال سجدتین، یا حمد را نخوانده و یا رکوع را انجام نداده، آیا نمازش را اعاده کند؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست.

«نماز شب»

س ۱۰۴: آیا در نماز وتر که برای چهل نفر دعا می شود، نام بردن زنها جائز است یا باید به چهل مرد دعا شود.

ج : هو العالم؛ به مقتضای یک روایت می شود زنها را از جمله چهل نفر قرار داد و به مقتضای یک روایت دیگر نمی شود، من خودم مقیّدم که به چهل مرد دعا کنم، ولی شما می توانید بعد از نام چهل مرد، نام چند عدد خانمها را هم اضافه کنید، اشکال ندارد.

«نماز مسافر»

س ۱۰۵: شخص سرباز که او را برای مأموریت (هر روز از قم به تهران) می فرستند آیا نماز او قصر است یا تمام؟ با روزه چه کند؟

ج : هو العالم؛ نماز را باید شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد.

س ۱۰۶: اگر طلبه برای اقامه نماز جماعت به محلی برود و در ماه چند دفعه تکرار می شود و گاهی هم در آن محل می ماند و هر شب جمعه در اطراف آنجا منبر می رود آیا نماز و روزه او تمام است؟

ج : هو العالم؛ نماز او قصر است یعنی باید شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد مگر آنکه قصد اقامه ده روز بنماید.

س ۱۰۷: راننده بارکش کامیون هر روز یا در هفته یک بار یا چند بار در طول یک ماه به شهرهای مختلف مسافرت می کند و بعضی اوقات نیز بار پیدا نمی کند و به سفر نمی رود، آیا نماز و روزه او تمام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ باید نماز را تمام بخواند، و روزه هم بگیرد.

س ۱۰۸: اگر مقیم عشره بعد از وقت شک کرد آیا

نماز را تمام خوانده یا شکسته با توجه به «الوقت حائل» بنای بر تمام قرار دهد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بنا بگذارد بر اینکه تمام خوانده است.

س ۱۰۹: شخص سربازی در مدت دو سال خدمت خود، هر روز رفت و آمد می کند، حکم نماز و روزه اش را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ قصر است

س ۱۱۰: اگر پدر و مادر یا یکی از آنها از سفر فرزند خویش نهی کردند و فرزند شک کرد، آیا نهی آنان موجب عاق می شود یا نه؟ حال اگر مسافرت رفت، نمازش تمام است یا شکسته؟

ج : هو العالم؛ چنانچه آنها ناراحت بشوند بایدتمام بخواند والا شکسته. به هر حال احتیاط به جمع بین قصرواتمام ترک نشود.

س ۱۱۱: اگر کسی برای سعایت مؤمنی به سفر رفت، در برگشتن اگر مسافت باشد، نمازش تمام است یا شکسته؟

ج : هو العالم؛ چنانچه برگشتن عرفاً جزء سفر معصیت باشد وجوب تمام بعید نیست. ولی احتیاط به جمع ترک نشود.

س ۱۱۲: اگر کسی در سفرش با قصد مسافت شرعی، به سه فرسخ رفت و در آنجا نمازش را قصر خواند و روزه اش را افطار کرد، سپس تردید در قصد کرده و یا از سفرش برگشت، آیا نمازش را در وقت اعاده کند؟ حکم روزه اش چیست، آیا قضاء آن لازم است؟

ج : هو العالم؛ اعاده نماز لازم نیست. و روزه را اگر افطار کرده است قضاء آن لازم است و کفاره ندارد، اگر افطار نکرده است روزه را تمام کند.

س ۱۱۳: در صورتی که صبّی سفر شرعی رفته باشد و در برگشت از سفر در جایی

که سه فرسخ مانده به وطن بالغ شود، آیا نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

ج : هو العالم؛ باید نماز را شکسته بخواند.

«احکام وطن»

س ۱۱۴: دختری دانشجوست و تـا الآن بـا خـانواده در اهواز متوطن بودنـد، لکن آنـان نقـل مکان کرده و در اصـفهان توطن نمودنـد، اما دختر تا پایان تحصـیل بایـد اهواز بمانـد فقط برای دیـدار والدین به آن جا می رود، با توجه به اینکه ممکن است برای او خواستگار بیایـد و در نتیجه وطن شوهر را برگزیند وممکن است وسائل ازدواج فراهم نشود و در پایان تحصـیل به نزد والدین رود، در این فرض هر گاه به اصفهان می رود وظیفه اش قصر است یا تمام؟

ج : هو العالم؛ مادامی که برای توطن به اصـفهان نرفته و اصـفهان محل زنـدگی او نشده است، هر گاه به اصـفهان برود وظیفه اش قصر است، مگر آنکه قصد اقامت ده روز بنماید. خلاصه حکم مسافر دارد و توطن خانواده به او ربط ندارد.

س ۱۱۵: با فرض سؤال قبلی اگر در هفته یکبار یا چنـد بار و یا در هر دو هفته یک یا چند بار، رفت و آمد نماید، نماز و روزه اش در آنجا و در بین راه چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که حکم وطن نداشـته باشـد که در فرض این سؤال یقیناً نـدارد، نماز را شکسـته بایـد بخوانـد، و به طریق اولی در بین راه هم شکسته بخواند.

س ۱۱۶: طلبه ای که برای تحصـیل وارد حوزه علمیه می شود معمولا قصـد دارد حـداقل تا پایه پنج در آنجا درس بخواند، آیا آنجا حکم وطن او را دارد؟

ج : هو

العالم; چنانچه بنا دارد مدت طولانی بماند، بلی! حکم وطن دارد.

س ۱۱۷: شخصی اهل قم و فعلا در تهران ساکن است و از وطن اولش اعراض نکرده است. در وطن دوم ازدواج می نماید. در صورتی که زن به همراه شوهرش به وطن اول شوهر می آید و کمتراز ده روز می ماند آیا از باب تبعیت نماز زن تمام است یا قصر؟

ج : هو العالم; زن در آن محل مسافر است و نماز را باید قصر بخواند. تبعیت زن، نسبت به شوهر در حکم تمام و شکسته خواندن وجود ندارد.

«نماز قضاء»

س ۱۱۸: اگر شخصی قبل از اذان صبح امروز بیهوش شد و بعد از اذان صبح فردا به هوش آمد آیا قضای نمازهای روز بیهوشی بر او واجب است؟

ج : هو العالم; چنانچه بیهوشی بدون اختیار باشد، خیر قضاء لازم نیست.

س ۱۱۹: اگر شخصی نماز خود را در حال اضطرار و عدم وجود آب به جا آورد، آیا مجزی می باشد یا اینکه باید قضا نماید؟

ج : هو العالم; چنانچه با تیمم نماز خوانده و تا آخر وقت دسترسی به آب نداشته، نماز صحیح است و قضاء لازم نیست.

«نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر»

س ۱۲۰: اگر حبوه به پسر بزرگتر داده شده باشد، آیا انجام نماز و روزه قضای میت به عهده پسر بزرگتر خواهد بود؟

ج : هو العالم; بلی به عهده او است. ولو حبوه هم نداشته یا به او ندادند.

س ۱۲۱: اگر میت در زمان حیات خود تمام اموال خود را به همسر دوم و فرزندان اوصلح کرده باشد، به نحوی که پس از مرگش، پسر بزرگتر او که از همسر اول است کلاً از ارث محروم شده باشد، آیا انجام نماز و روزه قضای میت به عهده پسر بزرگتر خواهد بود؟

ج : هو العالم; بلی! بر او واجب است .لزوم قضاء مشروط به ارث بردن نیست.

س ۱۲۲: اگر خود میت به پسر بزرگتر وصیت نکرده باشد و وصیت نامه ای هم از او به رؤیت پسر بزرگتر نرسیده باشد، آیا بر پسر بزرگتر واجب است به استناد قول یکی از اقرباء (همسر دوم) که پدرت به من گفته اینقدر روزه قضاء داشته که از روی جوانی و بدون عذر انجام نداده است، نماز و

روزه پدرش را اعم از آنچه معذور بوده و یا معذور نبوده قضا کند و بجا آورد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از قول همسر دوم اطمینان پیدا کند، بلی! واجب است و الا واجب نیست.

س ۱۲۳: در صورتی که معلوم نباشد چه مقدار نماز قضا بر پدر است، پسری که نماز قضای پدر به عهده او است چه مدت نماز قضا بخواند؟

ج : هو العالم؛ به مقداری که یقین دارد نخوانده، و اگر اصل اشتغال ذمه پدر معلوم نیست چیزی بر او واجب نیست.

س ۱۲۴: آیا پسر بزرگتر که نماز قضای پدر به عهده او است، می تواند نمازها را نشسته بخواند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قدرت ندارد ایستاده بخواند و مأیوس است از این که تمکن پیدا کند، بلی جائز است و الا جائز نیست.

«نماز جماعت»

س ۱۲۵: اگر مأموم در رکعت سوم و یا چهارم نماز جماعت، قبل از رکوع اقتدا کرد و عمداً و سهواً نتوانست حمد را بخواند، آیا نماز او به جماعت صحیح است؟

ج : هو العالم؛ بلی صحیح است.

س ۱۲۶: شخصی که در حال نماز فرادی است، متوجه می شود که نماز جماعت بر پا شده، در این مورد در رساله های عملیه آمده است «که می تواند به نافله عدول نماید برای ملحق شدن به جماعت» حال سؤال این است، آیا بعد از عدول می تواند نافله را تمام نکند و آن را بشکند تا زودتر به جماعت برسد؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند تمام نکند و آن را بشکند، چون شکستن نافله حرام نیست.

س ۱۲۷: کسی که نمازش را به صورت فرادی خوانده است،

آیا می تواند نمازش را دوباره با جماعت بخواند، چه امام شود و چه مأموم؟

ج : هو العالم; بلی صلاه معاده با جماعت مستحب است. هم می تواند امام شود. هم می تواند مأموم شود.

س ۱۲۸: کسی که در نماز جماعت اقتدا کرده، حرکت عمدی او موقع خواندن پیش نماز واجبات نماز را، چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; لابد مراد حال قرائت است که بر مأموم قرائت لازم نیست در آن مورد حرکت عمدی اشکال ندارد.

س ۱۲۹: اگر امام جماعت تا آخر نماز نفهمید که مأمومین به او اقتدا کردند آیا آثار جماعت مترتب می شود؟

ج : هو العالم; بلی، چون انعقاد جماعت بانیت مأموم است نه امام.

س ۱۳۰: مأموم در نماز جماعت سر از سجده بر می دارد و ملاحظه می کند،امام هنوز در سجده است و به سجده می رود و این عمل چند بار تکرار می شود. آیا بعد از نماز، سجده سهو تکرار می شود و یا به خاطر وجوب متابعت امام سجده سهو ندارد؟

ج : هو العالم; در این موردسجده سهونهواجب است نه مستحب.

«امام جماعت»

س ۱۳۱: اینجانب مداح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستم که با تأسی از پدرانم، مبلغ دین اسلام و مبیّن مصائب ائمه اطهار (ع) می باشم واز محضر بعضی از عالمان بزرگوار نیز کسب فیض کرده ام و چون در تأسیس و تشکیل بعضی از هیأت های مذهبی شرکت داشته ام، بنا به درخواست اهل هیأت در مواقع نیاز که دسترسی به روحانی نبوده و نماز جماعت تشکیل می شده، مؤمنین این حقیر را در به پا داشتن واجبات و ترک محرمات عادل

دانسته اند نماز جماعت را به امامت اینجانب برگزار نموده و اینجانب نیز به دلیل احترام خاصی که برای لباس روحانیت که لباس اجدادم است قائل هستم تنها در موقع نماز جماعت ملبس به آن لباس مقدس شده ام. بفرمایید آیا از نظر شرعی و عرفی اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ شرط درنماز جماعت، احراز عدالت امام است و لباس دخیل نیست، چنانچه مؤمنین شما را عادل می دانند در تشکیل جماعت مجازید، و لباس هم مجازید بپوشید. البته اگر نپوشید باز هم جماعت صحیح است و پوشیدن هم اشکال ندارد. ضمناً به شما توصیه می شود که اگر بینک و بین الله خود را عادل نمی دانید اقامه جماعت ننمایید مگر بعد از توبه و تهذیب نفس و تقید به موازین شرعیه، به هر حال التماس دعا دارم.

س ۱۳۲: در صورتی که امام جماعت بعد از اتمام نماز متوجه شود که نمازش باطل بوده، مثلا وضوء نداشته یا لباسش نجس بوده، تکلیفش چیست؟ آیا باید به مأمومین اطلاع دهد؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست چون نماز مأمومین صحیح است.

س ۱۳۳: آیا اقتدا کردن به شخص سنّی در نماز جماعت جایز است. در صورتی که بعد نماز خویش را اعاده کنیم؟

ج : هو العالم؛ در غیر صورت تقیه جایز نیست، در حال تقیه جایز است. ولی اعاده نماز لازم است.

«نماز جمعه»

س ۱۳۴: در محله ای از هند فاصله بین دو مسجد به مقدار یک فرسخ و نیم است و در هر دو مسجد، از قبل از سال ۱۳۹۰ هجری تا کنون نماز جمعه با تمام شرایط آن اقامه می شود، لکن الان مدتی

است در مسجد دیگری نبز به نام مسجدالحسین (ع) که ما بین آن دو مسجد واقع شده است و فاصله آن با دو مسجد از طریق متعارف چهار کیلومترونیم است، نماز جمعه اقامه می شود. وقتی که به امام جمعه مسجد الحسین گفته شد که اقامه نماز جمعه در این مسجد به لحاظ فاصله شرعی جایز نیست و فاقد شرط است، عذر آوردند که ترک نماز جمعه، باعث سوء ظن از علما و دین می شود و محذور دارد. حال بفرمایید وظیفه شرعی امام جمعه، هیأت امنای مسجد و مأمومین چیست؟

ج : هو العالم؛ در صحت نماز جمعه شرط است که باید بین دو نماز جمعه فاصله کمتر از سه مایل که یک فرسخ شرعی است، نباشد و هر فرسخ شرعی پنج کیلومتر و نیم است. در صورتی که فاصله کمتر باشد، اگر هر دو امام با هم شروع به نماز کنند، نماز هر دو باطل می شود.

و اگر یکی زودتر شروع کند، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است. و چون نماز جمعه در زمان غیبت واجب عینی نیست،لذا ترک آن به واسطه فقد شرط صحت، باعث سوء ظن نمی شود.

در خاتمه معلوم باشد فتوای ما آن است که در نماز جمعه شرط است که با امام معصوم (ع) یا با اجازه او باشد، و در زمان غیبت مشروعیت نماز جمعه ثابت نیست، بنابراین باید بنابر احتیاط اگر نماز جمعه خوانده شود، نماز ظهر نیز خوانده شود.

«نماز استیجاری»

س ۱۳۵: کسی که خودش نماز قضا دارد آیا می تواند برای خواندن نماز میت اجیر شود؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند.

س ۱۳۶: اگر

در اثناء نماز قضای نیابتی، غفلت حاصل شود و تصور کنیم نماز ادای خودمان را می خوانیم. سپس در رکعت بعد متوجه اشتباه خود شده و نیت را اصلاح کنیم، آیا نماز نیابتی ما صحیح خواهد بود؟ و اگر بعد از نماز متوجه اشتباه خود شدیم چطور؟

ج : هو العالم؛ در هر دو صورت نماز صحیح است و امتثال همان امری که اول شروع، قصد کرده اید واقع می شود. یعنی نماز قضای نیابتی واقع می شود.

«نماز آیات»

س ۱۳۷: نماز آیات اگر از خسوف و کسوف باشد وقت اداء وقضا دارد که در رساله های عملیه نوشته شده است، ولی اگر از زلزله و غیر آن باشد نوشته شده که «مادام العمر واجب است و هر وقت بخواند اداء است»، اینک سؤال این است که گاهی چند بار زلزله می آید. در این صورت آیا نمازهایی که نخوانده، به نیت اداء بخواند یا به نیت قضاء؟ چون این گونه معروف بود که نمازهای گذشته قضا است و نماز آخرین زلزله تا زلزله دیگر اداء است.

ج : هو العالم؛ به نظر ما یک نماز آیات آن هم به قصد اداء کافی است و اگر کسی بخواهد احتیاط کند و به عدد زلزله نماز بخواند، همه را به قصد اداء بخواند.

س ۱۳۸: اینجانب اکنون که پنجاه سال سن دارم نمی دانم چه مقدار نماز آیات از من قضا شده است، تکلیف من چه مقدار است؟

ج : هو العالم؛ به مقداری که یقین دارید قضا کنید و زاید را لازم نیست، ولی قضا کنید، بهتر است.

«احکام روزه»

«وجوب روزه»

س ۱۳۹: آیا کسی که روزه ماه رمضان را از روی علم و عمد افطار کند و آن را حلال بداند، مرتد می شود؟

ج : هو العالم؛ چنانچه بداند از دین است و مع ذلک افطار را حلال بداند، مرتد و کافر است، مانند بقیه ضروریات دین والا کافر نیست.

س ۱۴۰: کسی که در ماه مبارک رمضان مریض شده، آیا واجب است خودش را مداوا کند تابهبودی یابد و روزه بگیرد یا خیر؟ و بنابر وجوب، اگر مالی نداشته باشد، آیا قرض گرفتن بر او برای مداوای

خودش لازم است؟

ج : هو العالم؛ مداوا واجب نیست، فضلا از قرض گرفتن به عبارت دیگر نه مداوا واجب است و نه قرض گرفتن.

«نیت روزه»

س ۱۴۱: اگر شخصی در روز مورد شک، نیت ماه رمضان کرد و روزه گرفت و بعد ثابت شد که ماه رمضان بوده است، آیا روزه او صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر صحیح نیست.

س ۱۴۲: در روز مورد شک از ماه رمضان، اگر نیت روزه قضا کرد، آیا می تواند به واجب دیگر یا به مستحب عدول کند یا خیر؟ و بر عکس چطور؟

ج : هو العالم؛ عدول از روزه به روزه دیگر هر دو واجب باشد یا مستحب یا یکی واجب و دیگری مستحب، جایز نیست مگر در عدول ازنیت شعبان در یوم الشک به روزه رمضان، بعد از ثبوت آنکه اول رمضان است.

«مبطلات روزه»

«خوردن و آشامیدن»

س ۱۴۳: در صورتی که روزه دار سهوا چیزی را بلعید، آیا بیرون آوردن آن اگر به حلق نرسیده واجب است؟ اگر شک کرد آیا به حلق رسیده یا نه چطور؟ اگر به حلق رسیده باشد، آیا اخراج آن واجب است یا نه؟ اگر واجب باشد اخراج چیزی که به حلق رسیده و روزه دار در حال نماز بود که اگر بخواهد آن را خارج کند نمازش قطع می شود، در این حال وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر بداند به حلق نرسیده یا شک کند اخراج واجب است ولو موجب قطع نماز شود. و اگر بداند به حلق رسیده چنانچه قی بر آن صادق باشد اخراج واجب نیست بلکه جایز نیست.

س ۱۴۴: اگر از باب اتفاق قطره خونی در دهان روزه دار بیفتد و یا از لای دندان او خون بیاید در صورتی که خون با آب دهان ممزوج شود بلعیدن آن با آب دهان

جایز است؟

ج : هو العالم; بدون استهلاک جائز نیست.

س ۱۴۵: اگر کسی موقع مکیدن گازوئیل از شلنگ، اتفاقاً گازوئیل به دهان یا گلویش برسد و هر چه آب دهن بیندازد طعم گازوئیل از گلویش نرود روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در صورتی که گازوئیل داخل معده نشود، گازوئیل موجب افطار نمی شود و اشکال ندارد.

س ۱۴۶: آیا آمپول تقویتی روزه را باطل می کند؟

ج : هو العالم; احتیاطاً بلی.

«جماع و استمناء»

س ۱۴۷: در صورتی که در روز ماه رمضان زن شوهرش را بر جماع اکراه کند، چرا کفاره شوهرش بر او نیست؟

ج : هو العالم; چون دلیل بر آن نیست و مقتضای اصل آن است که کفاره بر او نیست.

س ۱۴۸: با اینکه در خطبه آخر شعبان، پیامبر (ص) فرموده اند: «شیاطین در غل و زنجیرند» پس باید نتوانند وسوسه کنند، چرا روزه دار در ماه رمضان بر اثر خواب دیدن امور شیطانی، محتلم می شود؟

ج : هو العالم; احتلام به سبب عوامل طبیعی است و این روایات ربطی به آن ندارد.

س ۱۴۹: اگر کسی جایی مهمان باشد و در همان شب محتلم شود و خجالت بکشد در خانه میزبان غسل کند و با تیمم روزه بگیرد و در همان روز هم غسل کند روزه اش چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; خجالت موجب جواز تیمم نمی شود. بلی! چنانچه نتواند از خانه بیرون رود و در خانه غسل کردن هم مفسده دارد، تیمم جایز است و روزه اش صحیح است.

«دروغ بستن به خدا و پیغمبر»

س ۱۵۰: اگر روزه دار خبری را به خداوند متعال یا پیامبر اکرم (ص) نسبت دهد و بعد بگوید دروغ گفتم، و یا اینکه در شب خبری را نسبت دهد ودر روز آن را تکذیب کند و برعکس، آیا روزه او باطل می شود؟

ج : هو العالم; باطل نمی شود چون نسبت دروغ دادن به خدا و پیغمبر (ص) روزه را باطل نمی کند.

س ۱۵۱: آیا اگر روزه دار در حالت اضطرار و مقام تقیه، بدعتی را به خدا یا پیامبر نسبت بدهد، روزه اش باطل می شود با

اینکه قصد آن را

نداشته یا نه؟

ج : هو العالم; باطل نمی شود بواسطه آنچه در استفتاء قبل بیان شد.

س ۱۵۲: روزه داری که به مبطلیت دروغ بستن به خدا و پیامبر جهل دارد، لکن حرام بودن آن را می داند. آیا چنین شخصی چه جاهل قاصر و چه جاهل مقصر ملحق به عالم می شود و کفاره بر او واجب است؟

ج : هو العالم; مطلقاً کفاره لازم نیست، چون روزه باطل نمی شود و خود این معصیت موجب کفاره نیست.

«رساندن غبار به حلق»

س ۱۵۳: استعمال سیگار برای شخص روزه دار چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر فتوی به عدم جواز ندهم، مقتضای احتیاط لزومی، ترک آن است.

س ۱۵۴: آیا استفاده از اسپری تنفسی که برای بیماران تنفسی تجویز می شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج : هو العالم; چنانچه از مواد مخلوط با آن چیزی داخل معده نمی شود و راه اسپری هم که با مجرای معده اختلاف دارد و وارد معده نمی شود، اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، ولی اگر به نحوی از انحاء ولو با مخلوط شدن با آب دهان وارد معده شود مبطل روزه است.

«باقیماندن به جنابت و حیض و نفاس»

س ۱۵۵: اگر کسی غسل جنابت یا حیض یا نفاس را چند روز فراموش کند و روزه بگیرد و در بین غسل جمعه نماید، آیا تمام این روزه ها را قضا کند یا فقط روزه های قبل از غسل جمعه را؟ آیا این حکم اختصاص به روزه ماه رمضان دارد یا در غیر آن همانند روزه نذر معین و قضا نیز جاری است؟

ج : هو العالم; نسیان در خصوص غسل جنابت موجب قضاء است

آنهم در خصوص ماه رمضان. و در آن مورد هم قضاء روزه هایی که بعد از غسل جمعه گرفته لازم نیست.

س ۱۵۶: در صورتی که شخص جنب، در آخر وقت با تیمم نمازش را می خواند و روزه اش را می گیرد ومعصیت می کند و در اول وقت غسل نمی کند. آیا نمازها و روزه هایش صحیح است؟

ج : هو العالم؛ نمازها صحیح است، و در روزه باید به جمع بین تیمم و روزه احتیاط کند و قضاء آن را بعد از غسل به جا بیاورد.

«روزه قضا»

س ۱۵۷: کسی که روزه قضای ماه رمضان گرفته در صورتی که در روز بفهمد قبل از فجر صادق جنب شده است و خودش خواب بوده، آیا روزه اش باطل است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی باطل است.

س ۱۵۸: کسی که قضای روزه رمضان بر گردنش است اگر نذر کند این روزه را در نیمه شعبان بجا آورد، آیا می تواند از اول تا پانزدهم شعبان روزه مستحبی بگیرد چون روزه قضا مقید به زمان خاصی شده؟ و آیا می تواند تخلف نذر نماید و قبل از نیمه شعبان قضا را بجا آورد؟

ج : هو العالم؛ تخلف از نذر تکلیفاً جایز نیست. ولی اگر تخلف کرد روزه اش صحیح است.

و نذر مذکور مورد اشکال نیست، چون نذر تأخیر اداء واجب نیست، ولی گرفتن روزه مستحبی خالی از اشکال نیست.

س ۱۵۹: زنی که روزه قضا گرفته و وقت آن موسع است، آیا شوهرش می تواند روزه او را باطل کند و او را از روزه گرفتن نهی کند؟

ج : هو العالم؛ نمی تواند روزه او

را باطل کند و اگر نهی کرد اطاعت او لازم نیست، زیرا (لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق).

«کفاره روزه»

س ۱۶۰: اگر روزه دار در روز ماه رمضان چند بار جماع یا استمناءنماید، آیا کفاره تکرار می شود؟ آیا بین جاهل به مفطریت و عالم به آن در حکم فرق است؟

ج : هو العالم؛ کفاره مطلقاً تکرار نمی شود، بلی احتیاط استحبابی آن است که کفاره جماع و استمناء تکرار شود.

س ۱۶۱: آیا تبرّع کفاره از طرف آدم زنده جایز است مثلا دو ماه روزه کفاره برای او تبرعاً بگیرد؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً جائز نیست.

«مسائل متفرقه روزه»

س ۱۶۲: اگر یک نفر عادل در ماه رمضان شهادت دهد که غروب شده، یا هنوز فجر صادق نشده آیا قولش اعتبار دارد؟

ج : هو العالم؛ قولش حجت است و اعتبار دارد و می تواند به واسطه گفته او افطار کند.

س ۱۶۳: کسی که آشکارا در حضور مردم روزه خواری کند، حدود اسلامی در حق او چیست؟

ج : هو العالم؛ چنین شخصی متجاهر به فسق است و غیبت او جایز است و حاکم شرع در صورت ثبوت می تواند او را تعزیر کند، در خصوص افطار به جماع روایت است که ۲۵ تازیانه به او بزنند، این در صورتی است که انکار وجوب صوم نکنند و افطار را حلال نداند و الا مرتد واجب القتل است.

«روزه استیجاری»

س ۱۶۴: کسی که خودش روزه قضا دارد، آیا می تواند برای گرفتن روزه میت اجیر شود؟

ج : هو العالم؛ کسی که قضاء ماه رمضان دارد، نمی تواند اجیر میت شود.

س ۱۶۵: آیا در روزه استیجاری اگر بعد از ظهر افطار کند کفاره دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ کفاره لازم نیست.

«زکاه فطره»

س ۱۶۶: اگر قبل از مغرب شب عید فطر مهمان وارد شود، آیا فطره بر عهده میزبان است یا مهمان؟

ج : هو العالم; به عهده میزبان است.

س ۱۶۷: اگر برای کفاره روزه یا زکاه فطره، گندم یا جو پوست کنده بدهد که از اولی حلیم درست می کنند و از دومی برای سوپ استفاده می نمایند، صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد و از کفاره ، و زکاه حساب می شود.

س ۱۶۸: اگر از فطره برای یک نفر مستحق، جهیزیه تهیه شود و خودش نفهمد که از فطره است، اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد. بلکه در بعضی موارد کار بسیار خوبی است.

«احکام خمس»

خمس: «فائده» س ۱۶۹: سال خمس را مدت دو سال است تعیین نموده ام ولی پرداخت نکرده ام و مقداری پول در آخر هر دو سال در بانک موجود بوده که خمس آنها را نداده ام، و نیز در اثناء هر سال به دوستان قرض داده ام، اینک چند سؤال دارم:

با ندانستن یقینی از مبلغ موجودی، خمس آن دو سال چگونه تعیین می شود.

ج : هو العالم; باید رجوع به بانک بنمایید و قول متصدی حجت است چون امین است.

س ۱۷۰: آیا با پس گرفتن بدهیها خمس آنها باید پرداخت گردد؟

ج : هو العالم; خمس همه آنها باید پرداخت گردد.

س ۱۷۱: با توجه به عدم پرداخت خمس، در مبالغی بعد از گذشت سال خمس،برای مصارف شخصی تصرف نموده ام آیا جائز بوده و آیا اجازه می فرمایید فعلا تا حساب ننموده و خمس نداده ام، تصرف نمایم.

ج : هو العالم; تصرفاتتان جائز و نافذ بوده

و بعداً نیز تا مادامی که بنا دارید بر دادن خمس در تصرفات مجازید.

س ۱۷۲: با توجه به اینکه منبع خرید وسائل زندگی من منحصر به همان مبلغ است، اگر بخواهم همه خمس را بدهم شاید نتوانم امکانات زندگی تهیه نمایم چه وظیفه دارم؟

ج : هو العالم؛ دستگردان نموده و به تدریج بپردازید.

س ۱۷۳: با توجه به گمشدن ته چک دفترچه بانک و ندانستن مقدار موجودی چگونه مقدار خمس را معین کنیم؟

ج : هو العالم؛ بعد از مراجعه به بانک بدهی تان معلوم می شود، در صورتی که معلوم نشود، قدر متیقن را بپردازید، و مازاد را دستگردان نمایید و در صورت احتیاج، من اجازه می دهم بخشیده شود.

س ۱۷۴: اگر مثلاً به زید، ملکی از پدرش، و به پدرش نیز از جد ارث رسیده باشد و زید نمی داند خمس ملك مذکور را داده اند یا نه، حال اگر ملك را فروخت تکلیفش چیست؟

ج : هو العالم؛ خمس واجب نیست.

س ۱۷۵: اگر کسی برای تشکیل زندگی، قبل از ازدواج اثاثیه منزل را وسط سال کم کم تهیه کند آیا به آن اثاثیه که بعداً استفاده خواهد کرد، خمس تعلق می گیرد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه اثاثیه منزل را او باید تهیه کند، دادن خمس لازم نیست. به شرط آنکه اثاثیه برای سالهای بعد نباشد، یا آنکه قدرت تهیه دفعی آنها را نداشته باشد.

س ۱۷۶: اگر خانمی طلایی را قبل از سر سال خمسی خود بخرد و در شأن او باشد، لکن هنوز نپوشیده، سال خمسی اش می رسد، آیا خمس آن را باید بدهد؟

ج : هو العالم؛ خمس ندارد.

س ۱۷۷: اگر

کسی طلب خود را بعد از سال خمسی بگیرد، آیا خمس همان را بدهد، یا بعد از مؤنه زندگی، خمس مابقی را بدهد؟

ج : هو العالم؛ چون سر سال مالک است و زاید بر مؤنه است، خمس آن طلب را هم باید بدهد.

س ۱۷۸: شخصی در روستایی زندگی می کند و چند سال پیش با پول تخمیس شده ساختمانی در تهران خریده است و اکنون این ساختمان را به بیشتر از قیمت خریداری شده فروخته، و با پول آن ساختمان دیگری خریده است، آیا به قیمت مازاد ساختمان فروخته شده خمس تعلق می گیرد یا نه؟ با توجه به اینکه می خواهد کوچ کند و آن ساختمان را سکنی گزیند.

ج : هو العالم؛ نظر به اینکه خرید خانه در وسط سال اول نبوده است، همان وقتی که پول دستش آمده، زیادی قیمت، خمس دارد و خرید خانه بعد از آن، مسقط خمس نیست.

س ۱۷۹: اگر شخصی در دو شهر مختلف، دو منزل دارد که یکی به صورت ویلایی است، آیا لازم است به آن خمس بدهد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در سال مدتی در هر یک از آن دومنزل زندگی می کند، برای هیچ کدام خمس دادن لازم نیست.

س ۱۸۰: در صورتی که شخصی در موقع سال خمسی، حساب اموالش را برسد، آیا مقدار خمس را از همان مال درآورد یا اینکه از مال مخمس بدهد؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست از آن مال بدهد، از اموال دیگر بدهد کفایت می کند.

س ۱۸۱: جهیزیه ای که در طول چند سال برای دختر خریده می شود، یا دیگران هدیه می کنند و همچنین هدایایی

که داماد در دوران نامزدی برای عروس خریده خمس دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جهیزیه که در وسط سال اخیر، خریده شده، خمس ندارد و اما آنهایی را که در سالهای قبل خریده است، چنانچه تمکن نداشته است در یک سال بخرد و به تدریج باید تهیه نماید، خمس واجب نیست، والا خمس آنها را باید بدهد.

س ۱۸۲: آیا پولی را برای خرید خانه مسکونی پس انداز کرده اند خمس دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی چنانچه سال بر آن بگذرد، خمس آن را باید بدهد.

س ۱۸۳: آیا هدیه (چه نقدی و غیر نقدی و چه بزرگ و کوچک) خمس دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی خمس دارد. هدیه هم مانند سایر فائده ها خمس به آن تعلق می گیرد، در صورتی که زاید بر مؤنه سال باشد.

س ۱۸۴: اگر مالی که به او ارث رسیده است را بفروشد با فرض این که قیمت آن بالا رفته، آیا خمس دارد یا نه؟ اگر مورث خمس آن مال را نداده لازم است خمس آن را بدهد؟

ج : هو العالم؛ ترقی قیمت خمس آن واجب است، ولی اصل مالی که به ارث می رسد خمس آن بر او واجب نیست، مگر آن که بداند بر مورث خمس واجب شده بوده و نداده است، در این فرض باید خمس اصل مال را بدهد.

س ۱۸۵: در صورتی که حقوق کارمند یا کارگر را سرِ سالِ خمس دادند، باید خمس آن را بدهد یا می تواند صبر کند تا یک سال بر آن بگذرد و بعد از مؤنه خمس مازاد را بدهد.

ج : هو العالم؛ در صورتی که زیادتر

از مؤنه سال قبل باشد باید خمس آن را بدهد.

س ۱۸۶: شخصی چند سال پیش زمینی را با سرمایه تخمیس شده، خریده است و حالا می خواهد ساختمانی جهت سکنای خود وخانواده اش بخرد و می خواهد آن زمین را بفروشد و پول ساختمان را بپردازد. آیا خمس بر زیاده از سرمایه اولش که خمس آن را داده بود تعلق می گیرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ در سال خرید مسکن مقداری که زاید بر سرمایه اضافه شده خمس ندارد ولی بر آنچه در سالهای قبل اضافه شده، خمس واجب است.

س ۱۸۷: شخصی چوبهایی برای ساختن خانه از درخت چنار و غیر آن تهیه کرده، است و بر آن سال گذشته است در حالی که این چوبها برای ساختن خانه أشدّ ضرورت دارد، آیا به محض تمام شدن سال، به آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی تعلق می گیرد.

س ۱۸۸: شخص کارمندی جهت خرید منزل مسکونی مورد نیاز ناچاراً به طور ماهیانه مبلغی از حقوق خود را کنار می گذارد با توجه به نرخ تورمی (حدود ۲۰ درصد) که در جامعه وجود دارد و با فرض تعلق خمس عملاـ صد هزار تومان این سال حدوداً برابر شصت هزار تومان سال آینده می شود لذا خواهشمند است نظر مبارک را در مورد تعلق خمس بفرمایید؟

و نیز اگر پس انداز وی جهت خرید خانه مکفی نباشد و ایشان مثلا به صورت مضاربه این پول را به کار بزند وسود آن را هم برای خرید خانه اختصاص دهد در این فرض تعلق خمس چگونه خواهد بود؟

ج : هو العالم؛ پولی که برای

خانه کنار می گذارد، اگر در مقابل آن مدیون نباشد مادامی که خانه نخریده، خمس به آن تعلق می گیرد و همچنین اگر به عنوان مضاربه بدهد هم به پول و هم به سود آن خمس تعلق می گیرد.

س ۱۸۹: شخصی با پول خمس داده، برای سکنای خود حیاطی خریده که دو باب دکان دارد. یکی را به پسرش هدیه کرده و یک باب دیگر برای خودش باقیست، حکم خمس حیاط و آن دو باب دکان را بیان فرمایید.

ج : هو العالم؛ حیاط و آن دکان که به پسرش داده خمس ندارد، یعنی برخود انسان خمس ندارد و اما پسر که سرمایه او است باید رعایت موازین را بکند. و اما دکان خودش اگر اضافه قیمت شده، زیادی آن مشمول دلیل خمس است. یعنی در صورت زیادی قیمت آن دکان از مؤنه سال قبل خمس به آن تعلق می گیرد.

س ۱۹۰: کسی که پول را برای رفتن به حج در بانک می گذارد و چند سال می گذرد آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : هو العالم؛ بلی با شرایط تعلق می گیرد. یکی از شرایط زیادی بر مؤنه سال است.

س ۱۹۱: کسانی که آذوقه مصرفی منزل را تهیه کرده که معمولاً در خلال یکی دوماه مصرف می شود، مجدداً خریداری می کنند. آیا خمس چنین آذوقه ای سال به سال لازم است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه سر سال چیزی موجود باشد خمس همان با وجود شرایط واجب است.

س ۱۹۲: اگر آذوقه را به ذمه خریداری کرده، آیا تخمیس آن سر سال واجب است یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب

نیست.

س ۱۹۳: با فرض سؤال قبلی، بعد از پرداخت ذمه خود، آیا این آذوقه از ارباح سال خرید حساب می شود و یا از ارباح سال پرداخت؟

ج : هو العالم؛ از ارباح سال پرداخت حساب می شود.

س ۱۹۴: در مورد آذوقه منزل آیا معادل مخمس سال قبل (نه عین مخمس) در سال بعد، از خمس معاف خواهد بود؟

ج : هو العالم؛ بلی معاف است.

س ۱۹۵: کسی که درآمد او معمولاـ به مخارج زندگی او نمی رسد و کم می آورد، مثلا حقوق ماهیانه او کمتر از خرج او است ولی سر سال خمسی او که رسیده مبلغ پولی دارد، مثلا اول برج است، آیا خمس آن واجب است؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۱۹۶: آیا تعیین سر سال بر هر مکلفی واجب است، با توجه به اینکه یقین دارد عین مال یک سال تمام نزد او نمی ماند؟

ج : هو العالم؛ لازم نیست هر مالی یک سال نزد او بماند بلکه اگر سال خود را اول محرم قرار داده، استفاده ای که در آخر ذی حجه سال بعد نصیب او می شود، ضم به بقیه فوائد او از اول محرم می شود بعد از استثناء مؤنه، چنانچه زاید چیزی بود، خمس آن را باید بدهد.

س ۱۹۷: لطفاً نحوه تخمیس اموال وتعیین سر سال خمسی، که بعد از آن خمس اموال واجب می شود را توضیح دهید؟

ج : هو العالم؛ از جواب سؤال قبل جواب این سؤال ظاهرمی شود.

س ۱۹۸: در منهاج الصالحین فرموده است «لکل ربح سنه تخصّه» به این که مکلف می تواند برای هر درآمد سالی جداگانه بگذارد. مقصود از

این عبـارت چیست؟ آیـا معنـایش این است که هر ربحی که به دست او می رسـد می توانـد تا یک سال صبر کنـد و اگر زیاد آمـد خمس آن را بدهـد، پس کسانی که در آمـد تـدریجی دارنـد هماننـد حقوق ماهیانه یا روز مزدی، پس هیچ مالی از آنها یک سال تمام نمی ماند آیا از خمس معاف هستند؟

ج : هو العـالم; مقصود را در همـان مسـأله بیان فرموده انـد و اینجانب که منهاج الصالحین را حاشـیه زده ام و چاپ هم شـده و فعلاـ تمام شـده است، در حاشـیه آن مسأله نوشـته ام: «الظاهرانه لجمیع المسـتفاد سـنه واحـده فیتعین اختیار الاول» یعنی بر تمام درآمدها یک سال باید بگذارند.

س ۱۹۹: آیا از ربـح سال می توانـد جبران خسارت سـرمایه خود را بکنـد ولو این که مال دیگری مانند ارث یا هبه یا غیر آنها داشته باشد یا خیر؟

ج : هو العالم; خود سرمایه را باید فضلا از آنچه صرف در آن می شود تخمیس نمود.

س ۲۰۰: آیا ودیعه ای که مستأجر به موجر می سپارد و بدون آن تهیه مسکن برایش دشوار است، از مستثنیات دین است؟

ج : هو العالم; بلی از مستثنیات دین است.

«مصرف خمس»

س ۲۰۱: اگر سیدی ناصبی یا سنی یا یهودی و نصرانی باشد و یا از شیعه غیر اثناعشری، باشد در حالی که فقیر و مسکین و ابن سبیل باشد آیا می شود سهم سادات به او داد یا نه؟

ج : هو العالم; در مستحق خمس ایمان به اجماع علماء شـرط است. بنابراین نمی شود به سـید ناصبی، سـنی، یهودی، نصرانی، غیر اثنی عشری سهم سادات داد.

س ۲۰۲:

پسری از سادات محترم ومعتبر در ارومیه کارمند دولت است، زمینی برای خانه نشیمن خود خریده و در بنای ساختمان آنجا محتاج مساعدت است، در حالی که از پدرش جدا و معیل و کرایه نشین است، آیا از سهم سادات پدرش می توان جهت بنا کردن ساختمان به او داد؟

ج : هو العالم؛ نمی شود. ولی من اجازه می دهم، از طرف من قبول کنید و از طرف من به او بدهید.

س ۲۰۳: مردم به نام سهم امام (ع) مقدار کمی پول می دهندوشخص گیرنده اجازه از بیش از یک مجتهد ندارد، بنابراین مصرف آن پول برای شخص گیرنده جایز است یا نه؟ و در صورت جواز، یکی بودن مقلّد معطی و آخذ لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ یکی بودن لازم نیست ولی باید مورد مصرف به نظر هر دو مرجع و مقلد یکی باشد، یعنی هر دو در مورد خاص توافق داشته باشند. مثلا هر دو در حوزه به طلاب بدهند.

س ۲۰۴: اکثر مردم شهری در تقلید مرحوم مبرور حضرت آیت الله باقیمانده اند و از کسانی که وجوهات واجب را پرداخت می کنند سؤال نمی شود تقلیدشان از کدام مرجع است، لذا پرداختی ایشان به حضرات مراجع فعلی فرستاده می شود، امید است حضرتعالی تا به حال هر چه بوده قبول فرموده و بعد از این هم اجازه بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ همه قبول است. و مِنْ بعد از این هم، هرچه به هر کدام از مراجع که حوزه علمیه آنان را صالح برای تصدی مرجعیت بداند، بپردازند با احراز این که آن مرجع در جائی مصرف می کند

که من آن را مصرف سهم امام ارواحنا فداه می دانم مجازند، یکی از آنها شهریه دادن به حوزه های علمیه است.

«مسائل متفرقه خمس»

س ۲۰۵: شخصی مبلغی از سهم امام (ع) و سهم سادات بدهکار می باشد و از طرف دیگر می خواهد برای پسرش حیاط بخرد، با توان پرداخت وجوه شرعی ولو تدریجاً آیا می تواند برای پسرش حیاط بخرد؟ یعنی اگر پرداخت خمس با خرید حیاط تزاحم کند، کدامیک از آن دو مقدم می باشد؟

ج : هو العالم؛ پرداخت وجوه شرعیّه واجب، و قهراً مقدم است. ولی اگر دستگردان کنید و بدهی را تدریجاً، ولی نه در مدت طولانی بپردازید به شما اجازه می دهم.

س ۲۰۶: اگر سر سال زکاه با سر سال خمسی در یک روز یکی بشود،آیا اول خمس را بدهد یا زکاه را یا هر دو را ؟

ج : هو العالم؛ هر دو را باید بدهد، بله اگر زکاه اول تعلق بگیرد به مقدار زکاه جزء مؤنه می شود او مستثنی از خمس است.

س ۲۰۷: حضرات در رساله های عملیه نوشته اند «اذا مات المکتسب فی اثناء الحول وجب اخراج خمسه» آیا این وجوب یعنی بر میت واجب است یا بر وارث؟ و ادای خمس به نیت کدامیک باشد؟

ج : هو العالم؛ بر میت واجب است یعنی جزء دیون او و مقدم بر ارث است ،باید ورثه از اصل مال او خمس را بدهند و بعداً بقیه را تقسیم نمایند.

س ۲۰۸: بعد از این که شخصی مصالحه با حاکم شرع نمود و سر سال خمسی برایش معین شد، آیا نمازهای گذشته او با لباس بدون خمس، اعاده شود یا

نه؟

ج : هو العالم; اعاده لازم نیست و نمازها صحیح است.

س ۲۰۹: بنـام خـدای متعـال، کسـانی که کار می کننـد و اموالشان را با هم خرج می کننـد زنـدگانی آنها اشتراکی است، مال تفکیک شده ندارند و همه در یک کیسه است. مثل زن و شوهر شاغل یا پدر و فرزند و یا دو برادر، نحوه محاسـبه خمس آنها چگونه است؟ آیا هر کدام باید حساب خمس جدایی داشته باشند یا از مال مشترک آنچه افزون گردد، تخمیس می شود؟

ج : هو العـالم; چنـانچه مـال دیگری ندارنـد، وجوب خمس بر افزون شـدن همـان مال مشترک متوقف است و در آن صورت وجـوب خمس بر هر کـدام به مقـدار حصه خودش متوجه به او است، چنـانچه او خمس مـال خودش را اداء کرد ولی شـریک نکرد، اشکالی بر او متوجه نیست و می تواند در مال مشترک تصرف نماید.

«احکام حج»

س ۲۱۰: زوجه ای از پـدرش ارث برده است و فرزندان اناثی دارد که پدرشان توان پرداخت هزینه ازدواج و تهیه جهازیه برای آنها را نـدارد، آیا زوجه می توانـد با مال ارثی خود هزینه های مـذکور را تأمین نمایـد؟ و یا بـدون توجه به مشـکلات زندگی خانواده و فرزندان، مال خود را هزینه رفتن به حج نماید؟

ج : هو العالم; چنانچه زن بدون پرداخت پول جهیزیه، مستطیع باشد، باید حج برود و جهیزیه دادن مسقطوجوب حج اونیست.

س ۲۱۱: اینجانب در سال ۱۳۷۳ شمسـی به یکی از دوستانم جهت خرید منزل مقداری پول نقد به عنوان قرض الحسنه کمک کردم که این مبلغ را به تدریج باز پس دهد. تا سال ۱۳۷۷ شمسی به تدریج داد

و ستدی شد. ولی بعد از آن از پس دادن بقیه بدهی خبری نیست، اکنون شنیده ام ایشان در سال ۱۳۸۰ بدون اطلاع وتحصیل رضایت من به حج تمتع رفته اند، وضعیت حج ایشان با بدهکاری که خودشان به آن اقرار دارند، چگونه است؟

ج : هو العالم؛ با این خصوصیات که نوشته اید، ندادن طلب شما خلاف دستور شرع است، ولی حج او صحیح است.

س ۲۱۲: اینجانب مقلد حضرتعالی هستم، انشاء الله می خواهم برای عمره مفرده عازم مکه معظمه شوم و در آنجا به مدت هفت روز اقامت دارم. آیا بنده می توانم بعد از انجام دادن اعمال خود، برای پدر ومادرم، یک عمره از مسجد تنعیم انجام دهم؟

ج : هو العالم؛ بلی می توانید، مانعی ندارد.

س ۲۱۳: اگر شخصی مستطیع بود و مریض شد آیا لازم است خودش را مداوا کند تا به حج برود؟

ج : هو العالم؛ بلی، لازم است.

س ۲۱۴: آیا در حال احرام حج، زن می تواند ظاهر پاها را مکشوف کند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ با تحفظ بر آنکه ناظر مرد نباشد مانعی ندارد.

س ۲۱۵: اگر شخصی نذر کند که پیاده به حج برود، لکن مقداری از راه را سواره و مقداری از آن را پیاده رود، آیا حج او صحیح است یا اعاده کند؟

ج : هو العالم؛ اگر حج ماشیاً نذر کند، اعاده لازم است، اما دیگر کفاره ندارد. اگر نذر کند در حج معین پیاده برود، کفاره واجب است، اما اعاده لازم نیست و در مورد لزوم اعاده، باید تمام راه را پیاده برود.

س ۲۱۶: اگر فردی مستطیع شد و به مکه رفت،

لکن قبل از احرام دیوانه شد و او را به ایران برگرداندند. پس از مدتی که حالش خوب شد، آیا حج بر گردن او می باشد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قبلا مستطیع بوده است و با تمکن به مکه نرفته است، یا آنکه استطاعت باقی است، بلی! باید برود و الا خیر واجب نیست.

س ۲۱۷: شخصی که برای حج اجیر شده، اگر در حالی که مقداری از اعمال را انجام داده مصدود و یا محصور شد آیا به همان مقدار استحقاق اجرت دارد؟

ج : هو العالم؛ مسأله صوری دارد، در صورتی که اجاره منفسخ بشود، بلی استحقاق اجرت دارد.

س ۲۱۸: در صورتی که حاجیه خانمی در مکه وضع حمل نماید و دارای فرزند شود، آیا طفل مذکور بعد از تکلیف رسیدن باید از ایران به مکه برود و طواف نساء و نماز طواف نساء انجام دهد؟ و اگر نرفت آیا نمی تواند ازدواج کند؟

ج : هو العالم؛ نخیر، لازم نیست طواف نساء به جای آورد و می تواند بدون طواف ازدواج کند.

س ۲۱۹: اگر نائی عمره تمتع را عمداً انجام نداد و وقت برای آن نبود آیا حج او مبدل به حج افراد می شود، یا اینکه احرام او باطل می شود و باید سال دیگر به حج برود.

ج : هو العالم؛ باید عمره را تمام کند و سال بعد حج به جا آورد.

احکام معاملات

«بیع»

س ۲۲۰: در برخی از مغازه ها، که توسط آقایان اداره می شود وسایل آرایشی و لباسهای زیر زنانه به فروش می رسد، آیا خانم ها می توانند از این مغازه ها خریداری کنند؟

ج :

هو العالم; با رعایت موازین شرعی اشکال ندارد.

س ۲۲۱: سودی که برخی از مغازه داران بر روی برخی اجناس قسطی می گیرند و اینگونه توجیه می کنند که بانکداری اسلامی هم همین سود را می گیرد، آیا ربا محسوب می شود؟ در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج : هو العالم; پولی که، به ازاء اجناسی که قسطی می فروشند می گیرند، اشکال ندارد، اما دلیلشان درست نیست.

س ۲۲۲: معامله با افراد کافر غیر حربی اعم از کسانی که در کشور اسلامی زندگی می کنند و یا در کشور غیر اسلامی، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۲۲۳: خرید و فروش چک به طور مطلق چه حکمی دارد؟ و همین طور آیا کم کردن چکی که انسان بابت طلب خود از دیگری دارد جایز است و می تواند آن را به کمتر از مقدار طلب، به شخص بدهکار یا شخص دیگر بفروشد؟

ج : هو العالم; خود چک مالیت ندارد اگر از کسی طلب دارد و چک گرفته، پس آن چک را به کس دیگر می فروشد، قهراً دین را به کمتر می فروشد و اشکال ندارد، و جائز است به خود بدهکار هم بفروشد. اما نمی تواند چک بی محل را بفروشد.

س ۲۲۴: امروزه در بازار متداول شده جنس ها را اینگونه معامله می کنند، می گویند: مثلاً به صورت نقد صد تومان و به مدت یک ماهه صد و ده تومان و به مدت دو ماهه صد و بیست تومان و... و مشتری اختیار دارد، یکی از آنها را انتخاب کند، آیا چنین معامله ای صحیح است یا خیر؟

ج :

هو العـالم؛ چنـانچه معامله نباشـد، بلکه اول مقاوله و اختیار دادن صاحب مال باشـد مشتری را که یکی معین را انتخاب کنـد و معامله بر آن قرار گیرد اشـکال نـدارد. یعنی بعد از آنکه مشتری یکی را انتخاب نموده، معامله بر آن قرار دهند در این صورت صحیح است.

س ۲۲۵: آپارتمانی با شرایط زیر خریداری شده است:

الف: براساس بند ۱ قرارداد مبلغ یک میلیون و یکصد هزار تومان طی چک شماره ۸۶۰۷۵۹ برعهده بانک سپه تهران در زمان عقد قرارداد به فروشنده پرداخت گردیده است.

ب: براساس بند ۲ قرارداد، باقیمانده بهاء آپارتمان درسه نوبت جمعاً به مدت ۶ ماه به فروشنده پرداخت شده است.

ج: براساس بنـد ۳ قرارداد مبلغ ششـصد هزار تومـان وام بـانکی مربوط به آپارتمـان مورد معامله به حساب جاری فروشـنده نزد بانک تجارت شعبه صادقیه واریز نموده ام.

د: براساس بند ۴ قرارداد فروشنده پارکینگ و تلفن آپارتمان را نیز به موجب سند عادی مورخ ۲۳/۱۱/۷۰ به این جانب فروخته و بهاء آنها را دریافت داشته است.

ه : براساس بند ۵ قرارداد اینجـانب در ازاء مبلغ ۱۱ میلیون ریـالی که از بـابت قسط اول بهاء آپارتمان پرداخت نموده ام، ازنظر تضـمین انجام تعهـدیعنی تکمیل و تحویل قطعی آپارتمان در پایان دو سال مهلت مقرره تعـداد ۲۰ فقره سـفته جمعاً به مبلغ ۲۰ میلیون ریال از فروشـنده دریافت داشـته ام، که در صورت تخلف فروشـنده از ایفای تعهد سفته ها به وسیله این جانب وصول و نواقص ساختمانی را شخصاً مرتفع نمایم.

اینـک اسـتدعا دارد با مطالعه دقیق مـدارک تقـدیمی ذیلا مرقوم فرماییـد قصـدونیت متعاملین از تسـلیم و تسـلم سـفته ها ایجاد تضمین در جهت

تکمیل ساختمان در فرجه مقرره بوده یا بمنظور فسخ و اقاله معامله و در شرایط مزبور فروشنده شرعاً مجاز بوده بعد از گذشت ۶۴ ماه از تاریخ انجام معامله اولیه مجدداً آپارتمان را به شخص دیگری منتقل نماید یا خیر؟ توضیحاً اولا اینکه آپارتمان در تصرف خود این جانب می باشد ثانیاً مدارک تقدیمی نیز عبارتند از مبایعه نامه آپارتمان سندی عادی مربوط به انتقال پارکینگ و تلفن آپارتمان حواله مربوط به پرداخت وام بانکی ثانیاً سفته ها همچنان بلاوصول نزد این جانب موجود می باشد که عندالمطالبه فروشنده مسترد شوند.

ج : هو العالم؛ آنچه از ظاهر این نوشته فهمیده می شود، هیچ گونه حقی برای فروشنده در فسخ معامله نیست. بلی! چنانچه شرط باشد که ظاهر هم این است، در صورت تخلف فروشنده از پرداخت وجه تضمینی سفته، خریدار حق فسخ دارد، ولی بهر تقدیر فروش فروشنده آپارتمان بعد از گذشت ۶۴ ماه هیچ وجهی ندارد و کاری خلاف شرع است.

س ۲۲۶: اگر گوشت حلال با حرام مخلوط شود و قابل تشخیص نباشد، آیا اجتناب از هر دو واجب است یا نه، و آیا فروختن آن گوشت به کافر جائز است یا نه؟

ج : هو العالم؛ اجتناب از هر دو لازم است، یعنی نمی تواند بخورد و به مسلمان بفروشد ولی فروختن به کافر مستحل للمیته جائز است.

س ۲۲۷: اگر کسی قطعه گوشتی در بلاد اسلام پیدا کرد، آیااصاله الطهاره جاری می شود و خوردن آن حلال و فروختن آن جائز است یا اصل عدم تذکیه جاری است؟

ج : هو العالم؛ خوردن، و فروختن آن جائز است، ولی نه بواسطه اصاله الطهاره، بلکه

به واسطه آنکه ارض اسلام اماره تذکیه است و همان اماره مانع از جریان اصاله عدم التذکیه است.

«معامله جدید و پورسانت»

س ۲۲۸: شرکتی است به نام سبزاندیشان که عضو شدن افراد در آن بدین گونه است که، هر فرد با پرداخت بیست هزار تومان به جهت مشارکت در طرح، با عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم های قرارداد مشارکت ثبت می گردد و با این مبلغ، امتیاز خرید یک سهم به وی واگذار می شود و اساساً فرد می تواند با جذب و بازاریابی مردمی مبالغی را با عنوان حق الزحمه و تلاش فردی خود، در حساب شخصی اش دریافت نماید. نکته قابل توجه آن که افراد به ازای خرید هر سهم می توانند تا حد معینی فعالیت نمایند و در پایان مبلغی در حدود ۹۰۰ الی ۹۷۰ هزار تومان علی الحساب در حساب شخصی فرد مورد نظر واریز می گردد که زمان آن نیز به نوع و سرعت فعالیت شخص بستگی دارد. و هیچ کس بدون فعالیت و یا حتی مادام نمی تواند در طرح شرکت کرده وبهره مند شود، لذا افراد به میزان فعالیتشان حق الزحمه دریافت می نمایند. این شرکت دارای مجوز رسمی و ثبتی فروش کالاهای بازرگانی از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی است. و به جهت فعالیت مستمر افراد ونیز به وجود آوردن انگیزه مثبت و حمایت از اقشار کم درآمد با توجه به ارتباطات مختلف واخذ تمامی مجوزهای رسمی و قانونی لازم، کالاهای مورد نظر افراد را با تخفیف ۲ الی ۵ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکت می باشند، تحویل

می نمایند. حال از جنابعالی سؤال می شود:

آیا خرید کالاهای اساسی مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی در این طرح به لحاظ شرعی صحیح می باشد؟

ج : هو العالم؛ به این گونه که نوشته شده است این عمل مرکب از یک خرید مشروط است، و حدود آن شرط هم معلوم و جهالتی در هیچ کدام نیست و اشکالی ندارد، و چنانچه این عمل را معامله مخصوصی بدانیم، چون چیزی از موانع صحت معاملات از قبیل جهالت و غرر و... در آن نیست، و به مقتضای آیه شریفه «اوفوا بالعقود» من این معامله را صحیح می دانم. در نهایت اگر این معامله زوایای دیگری دارد و یا عناوین ثانوی دیگری بر آن مترتب می شود بنویسید تا حکم آن هم بیان شود.

س ۲۲۹: اخیراً، مشارکت مردم در شرکت های خارجی توسط اینترنت مورد تبلیغ قرار می گیرد، که منبع درآمد عده ای از مردم گشته است، اینک برای مقلدین حضرتعالی سؤالاتی در خصوص مشارکت در این شرکت ها مطرح است که مستدعی است توضیح بفرمایید.

روش مشارکت: شخصی مقداری پول مثلاً ۱۵۰ دلار به حساب شرکت به عنوان پیش قسط در مقابل یک شیء قیمتی مثل تکه الماس، گردنبند، سکه طلا، که مثمن آن می باشد واریز می نماید، ولی انگیزه خریدار به هیچ عنوان مالک شدن این مثمن نمی باشد، بلکه شرکت به شخص وعده می دهد که اگر فلان تعداد مشتری برای او جلب کند (مثلا ۶ نفر) از ثمن آنها مقداری (مثلاً ۱۰۰ دلار) به حساب او واریز نماید و این کار به همین نسبت تا آخر عمر ادامه یافته وحتی قابل

نقـل به وارث شـخص نیز می باشـد (این واریز پورسانت «حق بازاریابی» به حساب شـخص ممکن است تا ماهیانه بیست میلیون ریـال پیش رود) و رسـیدن به مجمـوع این پول که چنـدین برابر پول شخصـی بوده، هـدف و انگیزه اصـلی خریـدار است. البته شرکت مثمن را در تاریخ خرید تحویل نمی دهد ومابقی قیمت آن را از همین حق بازاریابی کم می کند تا تمام شود و سپس تحویـل می دهـد، روشن است که اگر کسـی نتوانـد در این شـاخه بنـدی مشتری جلب نمایـد نه به مثمن می رسـد و نه به حق بازاریابی.

س ۲۳۰: با توجه به اینکه هـدف خریـدار، تملک مثمن نمی باشـد و هـدف اصـلی رسـیدن به این حق دلالی ها (که جزء ثمن خریداران بعد است) می باشد، اولاً: اصل این معامله چه حکمی دارد؟ و ثانیا: در صورت جواز تملک این پولها (حق بازاریابی ها) تحت کدام یک از عناوین معاملات اسلامی واقع می شود؟

ج : هو العالم؛ معامله صـحیح است و در صـحت معامله هـدف اصـلی دخالت نـدارد. و تملک آن پول ها هم از باب شـرط در ضمن عقد بی اشکال است. و همچنین می شود با جعاله هم تطبیق نمود. به هر حال بی اشکال است.

س ۲۳۱: باتوجه به اینکه در این شرکت ها (که روز به روز در شکلهای جدید و ثمن های متفاوت در کشور شروع به تبلیغ می کنند) مقدار زیادی ارز و بودجه مملکت اسـلامی از کشورخارج شده و به فرض حداقل، نسـبت ثمن هر شخص به حساب این شرکت های بیگانه واریز می گردد بدون این که صنعتی وارد کشور شود

و یا اینکه حرفه تولیدی به راه افتد و در بعضی از موارد موجب تعطیلی بعضی از تولیدی هایی که تعدادی کارگر داشته، شده است (شاهد عینی در استان اصفهان) و نیز با توجه به احتمال صهیونیستی بودن این شرکت ها و اینکه بیش از نیمی از اقتصاد دنیا در چنگ یهودیان غاصب است و همچنین احتمال این که ممکن است در بین خریدارهای بعدی افراد سفیه اقتصادی واقع شده و متضرر گردند وجود این مسأله که در آخر این بازاریابی قطعاً عده ای ضرر خواهند کرد، نظر حضرتعالی در مورد این معاملات چیست؟

ج : هو العالم؛ با مترتب شدن این مفاسد قهراً شرکت در آنها ولو به نیت خیر حرام است و با این خصوصیات خیال نمی کنم هیچ مسلمان متعهدی دخالت کند، به هر حال حرام است.

س ۲۳۲: در فرض حرمت اگر شخص که مقلد جنابعالی است به خاطر جهل یا شهرت فتوای شما به خلاف و یا عمداً در این شرکت ها عضو شود و اکنون به حرمت آن واقف شود، با توجه به اینکه مسیر ارسال این پولها برای وی همچنان ادامه پیدا می کند و برگرداندن این پولها که جزء ثمن بقیه خریداران است به خود آنها به علت نشناختن آنها محال است، آیا شخص می تواند در این پولها تصرف نماید؟ آیا با دادن خمس، جواز تصرف ثابت است؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند تصرف کند و تصرف در آن پولها حرام نیست.

س ۲۳۳: شرکت خارجی واقع در آلمان به نام مایرزمنت وشعبه آن در هنگ کنگ (بنام جستجوی طلا) محصولاتی به صورت سکه و گردنبند و ساعت

طلا- و پلا-تین با عیار ۲۴ تولید می کند. این محصولات سنبلیک هستند یعنی دارای طرح های مختلف مذهبی و فرهنگی و تاریخی از کشورهای مختلف بوده از قبیل خانه کعبه، طرح حضرت عیسی، مهاتماگاندی، اهرام ثلاثه مصر و... که تمامی آنها دست ساز می باشد و هر کدام آنها دارای تعدادی خاص و محدود هستند (همانند تیراژ خاص یک تمبر) که محدود بودن این محصولا-ت را بانک مرکزی یکی از کشورها تضمین می کند، مانند سکه بهار آزادی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران آن را محدود کرده وبه آن ارزشی بالاتر از ارزش وزن طلای آن بخشیده است. حال محدود بودن و سنبلیک بودن و ارزشی بودن این محصولات، خود به خود باعث ارزش افزوده این محصولات می گردد و پس از مدتی به صورت یک شی قیمتی درمی آید.

این شرکت اجناسی که به مشتریان خود می فروشد به قیمت وزن طلای آنان نمی فروشد، زیرا این اجناس دست ساز هستند و توسط هنرمندترین ضرابان سکه در دنیا ساخته می شوند و یک اثر هنری به شمار می آیند. و برای ضرب هر کدام از این آثار، اجازه نامه کتبی از کشور مربوط به آن را گرفته اند و همچنین این اجناس توسط بانک های معتبر دنیا ضمانت شده اند.

این شرکت برای مشتریان خود این اختیار را گذاشته است که می توانند در صورت تمایل با خرید از این شرکت وارد شبکه بازاریابی آن نیز بشوند و در صورت عدم تمایل نیز میتوانند واردشبکه بازاریابی نشوند. امابه آن عده که وارد شبکه بازاریابی می شوند، یک کد بازاریابی داده می شود که

این کد، یکٔ زیر شاخه راست و یکٔ زیر شاخه چپ دارد و به تعداد مشتریانی که شخص بازاریاب، برای شرکت پیدا می کند و آنها را در یکی از زیرشاخه های چپ و یا راست خود می گذارد ۴۰ دلار شرکت به شخص بازاریاب پورسانت می دهد، لکن این سود را وقتی به اشخاص بازاریاب می دهد که تعداد زیرشاخه های چپ و راست آن به مضربی از ۵ برسد و شرکت به ازای هر ۱۰ مشتری، ۴۰۰ دلار به آنها سود می دهد و همچنین شرکت به ازای هر مشتری که مشتریان شخص پیدا می کند نیز به آن شخص سود می دهد و این روند به همین ترتیب ادامه دارد، البته با شرط موازنه بودن زیر شاخه ها، حال خواهشمند است حکم شرع مقدس اسلام را درخصوص مبالغی که شرکت تحت عنوان پورسانت (حق بازاریابی) به خریداران خود پرداخت می نماید و همچنین خرید از شرکت با شرایطی که عنوان شد را اعلام فرمایید؟

ج : هو العالم؛ خرید از شرکت بی اشکال است و شرائطی که اشاره شده جایز است. و اما پورسانت که به خریداران می دهد می توان با عنوان جعاله تصحیح نمود و می شود تحت عنوان شرط در ضمن خرید از شرکت به هر تقدیر به نظر ما، اشکال ندارد والله العالم.

س ۲۳۴: احتراماً به استحضار می رساند شرکت بین المللی با نام گلدکویست در سال ۱۹۹۸ میلادی آغاز به کار نموده است و دفتر مرکزی آن در برج تجاری سنترال پلاز هنک کنگ با مجوز رسمی دولت آن کشور به ثبت رسیده است. کار این شرکت ضرب

و فروش مسکوکات طلا به شکل سکه وساعت و گردنبند با نقش و نگارهای مختلف از قبیل نقش مقدس کعبه و پاپ ژان پل دوم و... است که با مجوز کتبی و رسمی از دولتها و اشخاصی که نقش و نگار مربوط به آنها است انجام می شود. هر کدام از این محصولات ۱۰۴ و ۳۱ گرم برابر یک اونس طلای جهانی وزن دارند و از خالصترین طلای موجود دنیا می باشند.

یک طرف این محصولات نقش و نگار می باشد و طرف دیگر اینها مهر یکی از بانکهای مرکزی دنیا به مبلغ پانصد دلار که به منزله گارانتی حک شده است. هر کدام از محصولات به تعداد محدود ضرب می شوند. مثلا ۱۰ هزار عدد و بانکی که آن محصول را گارانتی کرده این ضمانت را می دهد که آن محصول برای بار دوم ضرب نشود تا آن محصول بعد از تمام شدن ارزش افزوده پیدا کند. یعنی ارزشی بالغ بر طلا پیدا کند. نحوه فروش این محصولات توسط شرکت از طریق شبکه جهانی اینترنت می باشد. حال خواهشمند است بفرمایید این گونه معامله ها از طریق شبکه جهانی اینترنت که جنس از لحاظ کمیت، کیفیت، قیمت معلوم، و مبلغ قابل پرداخت مشخص، و شرایط معامله به طور کامل مورد قبول خریدار و فروشنده قرار دارد و خریدار در جنس خریداری شده کاملا دخل و تصرف دارد طبق موازین شرع مقدس اسلام حرام است یا حلال؟

ج : هو العالم؛ حلال است با این خصوصیات که نوشته شده است احتمال حرمت داده نمی شود که محتاج به سؤال باشد.

س ۲۳۵: هر شخصی که از این

شرکت محصولی را خریداری می کند از طرف شرکت کدی به عنوان کد شناسایی به آن شخص تعلق می گرد. حال اگر شخصی که محصولی خریداری کرده است نفر جدیدی را جهت خرید محصول از شرکت به روشی که قبلا ذکر شد معرفی کند شرکت به معرف ۴۰ دلار به عنوان حق الزحمه بازاریابی پرداخت می کند. شرکت مبلغ ۴۰ دلار را از مشتری جدید اخذ نمی کند، بلکه توسط خود شرکت به عنوان حق الزحمه و تلاش بازاریابی به شخص معرف پرداخت می کند. در سیستمی که ذکر شد هیچ گونه برد و باخت یا قمار وجود ندارد و هیچ کس متضرر نمی شود. همه افرادی که پولی بابت خرید محصول پرداخت کرده اند به اندازه آن، محصولی که خودشان درخواست کرده اند دریافت می کنند. حال خواهشمند است بفرمایید دریافت حق الزحمه بازاریابی بابت تلاش ومعرفی مشتری جدید به شرکت حلال است یا حرام؟

ج : هو العالم; هیچ اشکالی ندارد.

س ۲۳۶: همانطور که مستحضر می باشید شهرداری برای تفکیک زمین های بزرگ و تغییر کاربری آن از حالت مزروعی به مسکونی عوارض دریافت می کند. بنده به خاطر بی پولی مقداری از زمین بدون رضایت قلبی را به عنوان عوارض دادم چون اگر نمی دادم کارم انجام نشده و شهرداری مانع می شد.

حال شهرداری زمین را به هیأت امنای مسجد محله داده است تا برای مسجد استفاده کنند، بنده به آنها گفته ام زمین را باید به اینجانب که مالک اصلی هستم پس بدهید، چون من راضی نیستم، آیا حق شرعی با اینجانب می باشد یا خیر؟

ج : هو العالم; ظاهراً

معامله با شهرداری صحیح بوده و رضایت به معنای ابتهاج نفس لازم نیست، بنابراین شما حق ندارید، به هر تقدیر خوب است با رضایت کامل به مسجد واگذار کنید و چنانچه حقی هم داشته باشید در ثواب شریک باشید.

«رشوه»

س ۲۳۷: متأسفانه رشوه خواری یک حرکت شومی است که در برخی ادارات و غیر آن باب شده است که اگر نپردازیم کاری صورت نمی گیرد، حال بفرمایید حکم این قضیه چیست؟

ج : هو العالم؛ رشوه مختص به باب قضاء است که به قاضی پول داده می شود تا به نفع رشوه دهنده حکم کند و آن از محرمات اکیده است و آنچه به ادارات دیگر داده می شود رشوه نیست.

س ۲۳۸: کارمندی بدون کمترین توقع و چشم داشت مالی، تکالیف و وظائف خود را بر اساس ضوابط و مقررات شرعی و قانونی نسبت به فردی از مراجعین اداری انجام می دهد. فرد مراجعه کننده عن طیب نفسه و با میل و رضای خود وجه یا مالی را اعم از نقدی و یا غیر نقدی به کارمند اهداء می نماید. آیا وجه اهدایی برای کارمند آخذ شرعاً مباح و جایز التصرف است یا از مصادیق رشوه و أکل مال به باطل محسوب می شود؟

ج : هو العالم؛ در فرض سؤال هدیه مذکوره رشوه نیست و گرفتن آن جائز است مگر این که در وقت استخدام شرط شده باشد که حق گرفتن هدیه از مراجعین را ندارد. پس در این صورت گرفتن هدیه جائز نیست. و خیال می کنم شرط کلی ضمنی در استخدامات حکومت صالحه چنین باشد که هدیه در مقابل کار نگیرند.

«اخذ پول به عنوان شیرینی»

س ۲۳۹: در پایان سال تحصیلی مدارس، هنگام مراجعه اولیای دانش آموزان جهت اخذ کارنامه فرزندان خود، بعضی از کارکنان مدارس از آنها به اصطلاح خودشان شیرینی قبولی، مطالبه می کنند، در حالی که بعضی از اولیاء در محذورات قرار گرفته و

بدون رضایت وجهی را پرداخت می نمایند، لطفا بفرمایید آیا اینگونه دریافتی ها جنبه شرعی دارد؟

ج : هو العالم؛ رضایتی که در حلیت معتبر است و عدم آن موجب عدم جواز است این رضایت نیست. لذا در موارد اضطرار مثلا کسی بچه اش در شرف مرگ است اضطراراً خانه مسکونی را می فروشد، هیچ کس تردید ندارد که با نبودن رضایت تصرف در خانه برای مشتری جایز است.

به هر حال در مورد سؤال تصرف در آن پول اشکال ندارد.

«مضاربه»

س ۲۴۰: آیا مضاربه در اسکناس جایز است یا مختص به طلا و نقره می باشد؟

ج : هو العالم؛ مضاربه در اسکناس جایز است.

«شرکت»

س ۲۴۱: پدر اینجانب با شخص دیگری شریک می باشد ایشان به طور مشترک آپارتمان می سازند و سپس می فروشند، منتها شریک پدرم خمس مالش را نمی دهد. آیا این شراکت اشکال دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۴۲: اگر آبی به نحو اشاعه بین دو نفر مشترک بود، آیا لازم است تصرف یکی از آنها از آن آب، با اجازه دیگری باشد؟

ج : هو العالم؛ بلی، لازم است، البته احراز رضایت تقدیری کافی است و لازم نیست صراحه اجازه دهد و این رضایت تقدیری در غالب مالهای مشترک ثابت است.

«اجاره و رهن»

س ۲۴۳: اگر موجر مغازه یا خانه ای را اجاره داد سپس متوجه شده که مستأجر در آن مکاسب حرام انجام می دهد آیا اجاره باطل می شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ خیر باطل نمی شود.

س ۲۴۴: شخصی خانه ای را تحت عنوان سرقفلی معامله کرده، بدین صورت که وجه الاجاره ای قرار داده اند که هر سال

مستأجر به موجر بپردازد ودر ضمن معامله شرط نموده اند که مبلغ وجه الاجاره به طور دائم ثابت بوده و موجر حق زیاد کردن وجه الاجاره را ندارد و طرفین قبول نموه اند. اکنون موجر ادعا دارد که قانوناً می تواند بر وجه الاجاره مبلغی را اضافه نماید آیا شرعاً چنین حقی را دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه سرقفلی معامله شده، معنای معامله این است که حق اجاره دادن و مقدار مال الاجاره با کسی است که پول داده، بنابراین بدون رضایت اونمی تواند مال الاجاره را زیاد کرد.

س ۲۴۵: آنچه که بین مردم متداول است که به عنوان رهن منزل، مبلغ کلانی پیش پرداخت کرده و دیگر از اجاره ماهانه معاف هستند و در پایان انقضای اجاره مبلغ را پس می گیرند، آیا شرعیت دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه پول را به عنوان قرض بدهند و شرط کنند که اجاره منزل گرفته نشود جایز نیست و ربا است. ولی اگر خانه را به عنوان تصرف در آن و استفاده از آن مجاناً بدهند و در ضمن آن شرط کنند که فلان مقدار به عنوان قرض بدهند و خانه هم رهن باشد، ظاهراً اشکال ندارد.

«هبه»

س ۲۴۶: شخصی به نام عمرو وارد منزل شخص دیگری به نام زید شد و در حالی که او مشغول نماز بود، در سجاده اش انگشتری بود برداشت و بر انگشت خود نمود. سپس زید گفت آن انگشتر برای تو باشد. بعد از آن چند مرتبه عمرو به زید گفت می خواهم انگشتر را به تو برگردانم زید قسم یاد می کند که به تو بخشیدم و قبول

نمی کنم. بعد از گذشت مدتی، زید انگشتر عمرو را برداشته، به خالد داد. عمرو گفت که این انگشتر یادگاری است به کسی نمی دهم پس زید به عمرو می گوید: شما برای خالد یک انگشتر دیگر بخرید و انگشتر یادگاری خود را پس بگیرید. عمرو هم برای خالد انگشتری می خرد لکن خالد از گرفتن آن ابا می کند و می گوید آنرا دوست ندارم. عمرو هم به اجبار انگشتر یادگاری را پس می گیرد. بعد از مدت طولانی زید به عمرو مراجعه کرده می گوید: من انگشترم را می خواهم در حالی که زید انگشتر را فروخته است، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم؛ زید حق ندارد انگشتری که با هبه صحیح داده و آن کسی که به او هبه شده مال موهوب را از ملک خود با معامله خارج نموده، مطالبه کند.

به عبارت دیگر هبه لازم می شود. بنابراین زید حق نداشته است در این فرض انگشتر را به خالد بدهد.

س ۲۴۷: شخصی در قید حیات قسمتی از اموال غیر منقول خود را به یکی از فرزندانش می بخشد، بعد از حیات، میان فرزندان آن مرحوم اختلاف صورت می گیرد که این ملک نیز مانند املاک دیگر باید تقسیم شود، در حالی که آن مرحوم در قید حیات از سلامتی کامل برخوردار بوده ونیز این ملک را با سند و با رضایت قلبی به آن فرزندش بخشیده است. سؤال این است که آیا عمل آن مرحوم از نظر شرعی صحیح بوده یا خیر؟ وآیا این ملک باید مانند اموال دیگر میان فرزندان آن مرحوم تقسیم شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ملک

مذکور که در حال حیات پدر به یکی از فرزندان خود بخشیده شده است، عملی صحیح و غیر قابل برگشت بوده و حتی خود آن مرحوم هم نمی توانسته برگرداند. بنابراین نباید بین فرزندان آن مرحوم تقسیم گردد.

«قرض»

س ۲۴۸: اینجانب مبلغی از شخصی قرض گرفتم، الان شک دارم که قرضم را پرداختم یا نه، طرف مقابل هم شک دارد، تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ تکلیف این است که بپردازید و بر داین هم جایز است بگیرد.

س ۲۴۹:اینجانب مبلغی از شخصی قرض گرفتم و یقین دارم که آن را پرداختم. ولی طرف مقابل می گوید یقین دارم که قرضت را پرداخت نکرده ای، تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ شما با فرض یقین به پرداخت تکلیفی ندارید.

س ۲۵۰: اگر کسی برای دیگری از بانک قرض بگیرد که به صورت قسطی هر ماه پرداخت نماید و از بانک به آن کس گفته می شود تأخیر در ادای قسط، مبلغی جریمه دارد، آیا این جریمه را گیرنده قرض بدهد یا دهنده قرض؟

ج : هو العالم؛ گیرنده قرض، البته در صورتی که آن شخص وکیل مطلق بوده است.

س ۲۵۱: در صورتی که صاحب دین بر مدیون مجهول شد آیا می تواند از طرف او صدقه داده یا به حاکم شرعی بدهد؟

ج : هو العالم؛ با اجازه حاکم صدقه بدهد، مشروط بر این که اگر صاحبش پیدا شد به او برگرداند.

س ۲۵۲: با عرض ارادت خالصانه خواهشمندم به سؤال شرعی اینجانب جواب مرحمت فرمایید.

اینجانب با خانواده ای دوست هستم از ایل... در سال ۱۳۷۷ شمسی به اینجانب در تهران مراجعه نموده واظهار داشت به

مبلغ یـک میلیون تومـان پول احتیاج دارد که یک ماهه پس بدهـد، ایشان پس از گرفتن وجه تاکنون از برگردانـدن آن ولو به اقساط خودداری می نمایـد. اطلاع دقیقی دارم که وضع مادی ایشان هم خوب است و زیاده از حـد ولخرجی و مهمانداری می کنـد. وسائل منزل خوبی هم دارد، تکلیف شـرعی بنـده با ایشان چیست؟ اقرار به بـدهکاری را هم خودش و هم فامیلش دارند هیچ مدرکی از ایشان ندارم.

ج : هو العالم؛ شـما دسـتور شـرع را مخالفت کردید که می فرماید به کسی که قرض می دهید قبض بگیرید. راهی نیست مگر این که به دادگـاه رجـوع کنیـد، اگر اقرار کرد دادگـاه پول شـما را می گیرد و می دهـد، و اگر انکـار کرد، اگر قـدرت دارید تقـاص کنیـد، یعنی به مقـدار همـان پولی که داده ایـد از اموال او برداریـد اگر آن را هم قـدرت نداریـد او را به خـدای تعالی واگذار نمایید.

«بانک و قرض الحسنه»

س ۲۵۳: اخیراً بانک های دولتی و خصوصـی پولهای مردم را به عنوان سپرده بلنـد مـدت و کوتاه مدت می گیرند و ازصاحب پول کتبـاً وکـالت می گیرنـد که بـا آن ساختمـان سازی و راه سازی و کشتی سازی و غیره انجام داده و سودی که حاصل می شود مبلغی مثلا هجـده درصـد به صاحب پول داده و بقیه را بانک تملک نماید. آیا این نوع سود بردن اشـکال شـرعی دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، بانک ها برای سپرده های بانکی ولو وکالت هم نگیرند ربحی که می دهند حلال است.

س ۲۵۴: شخصی که اول زندگی راننده کامیون بوده و غیر از این کار

دیگری نمی توانـد بکنـد، دو سه سال است هم دولت ایران و هم کشورهای خارجی، اجازه نمی دهند. ماشـین های مدل پایین وارد کشور بشود. لذا دولت الزامی کرده که ماشین نو بخرید و مبلغ سی میلیون تومان نقد از صاحب ماشین می گیرند و پنجاه میلیون تومان نیز به صورت اقساط شرکت می دهد. حکم ۴ تا ۸ درصد سود پولی که از بانک می گیرد را مرقوم فرمایید؟

ج : هو العالم؛ اگر به عنوان مضاربه باشد، مانعی ندارد.

س ۲۵۵: آیا مجازهستم وام بانکی را که برای کسب از بانک به صورت مضاربه ای می گیرم، بابت بدهکاری منزلی که پیش خرید کرده ام، ونیمه کاره می باشد، پرداخت نمایم؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۲۵۶: اگر در قرض شرط کند که مقروض هم بعد از مدتی باید به من قرض بدهد، آیا قرض ربوی می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر ربوی نمی شود.

س ۲۵۷: سود سپردهـای بانکی که بانك مـدعی است با آنها معامله انجام می دهـد و سودی به صورت علی الحساب به سپرده گذار می دهد، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ سپرده های بانکی و ربحی که بانك می دهد اشکال ندارد و حلال است.

س ۲۵۸: پـولی کـه بانـک بـه عنـوان مضـاربه بـه افراد می دهـد و سـود می گیرد، از نظر شـرعی چه حکمی دارد؟ اگر به نظر حضرتعالی اشکال دارد راه حل را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه شرائط مضاربه در پولی که بانك می دهد رعایت شود، حلال است.

س ۲۵۹: گرفتن سود از بانک به صورتی که سود را قبلا تعیین می

کنند، و همچنین با بهره معین به دیگران وام می دهند چه صورت دارد؟ آیا ربا است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه گرفتن سود از بانک، با قرض دادن به بانک باشد، حرام است، و همچنین اگر با فروش اسکناس باشد، نیز حرام است، ولی اگر پول را ودیعه بگذارد که همان سپرده است، و یا پول را به بانک اباحه کند (به اباحه بعوض) که یک معامله عقلائی است، جائز است و اشکال ندارد. بنابراین با قصد طرفین فرق می کند.

س ۲۶۰: از جمله کارهایی که بانک انجام می هد این است که گاهی تاجری با طرف خود در ممالک دیگر مذاکره خرید جنس را می نماید و مقدار و قیمت و شرایط تسلیم را نیز تمام می کند، ولی چون دولت مانع از بیرون بردن پول از مملکت است مگر تحت نظر بانک؛ لذا تاجر و مقداری از قیمت آن جنس را به بانک می پردازد، مثلا پنجاه هزار تومان از جنسی را که قرار است یک صد هزار تومان بخرد، نقد به بانک می دهد، بانک تمام قیمت جنس را که صد هزار تومان است به طرف تاجر می پردازد و جنس را تحویل می گیرد. آنگاه به تاجر اطلاع می دهد، چنانچه بقیه پول را بدهد می تواند جنس را تحویل بگیرد وگرنه خود بانک حق دارد آن متاع را بفروشد و حق خود را دریافت نماید و بقیه را به تاجر بدهد و بانک در عوض این کار، مبلغی از تاجر دریافت می کند.

ج : هو العالم؛ ظاهراً چنین معامله ای اشکال ندارد هم مقداری که بانک می گیرد، و

هم فروش جنس و برداشتن حق خود حلال است، اولی به این جهت حلال است که معامله ای که تاجر با طرف خود می کند بیعی مشروط به دخالت بانک است و کاری که تاجر با بانک می کند یا جعاله است به این نحو که تاجر به بانک می گوید: اگر دین مرابه اصل دین اداء کنی، آن زیادی را که قرار گذاشته ایم به تو می دهم، و یا مصالحه است و در هر دو صورت پول زیادی برای دین نیست تا ربا باشد، بلکه در مقابل کارهایی است که بانک انجام می دهد و بی شک گرفتن چنین پولی حلال خواهد بود، دومی حلال است به واسطه این که در ضمن معامله تاجر با بانک چنین شرطی می شود و در حقیقت تاجر بانک را وکیل در صورت نپرداختن پول در فروش جنس می نماید.

س ۲۶۱: مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد بدون نوبت وامی به مبلغ یک میلیون تومان به کارمندان دولت با سود ۲۷ درصد به مدت ۷۲ ماهه می پردازد، با احتساب سود تقریباً مبلغ هشتصد و پنجاه هزار علاوه بر مبلغ اصلی مؤسسه برای خود سود کسب می کند، حکم شرعی این وام را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قرض باشد ربا و حرام است، ولی اگر مضاربه یا اباحه به عوض باشد، جائز است.

س ۲۶۲: کار مزدی که بعضی صندوق های قرض الحسنه می گیرند،چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۶۳: یکی از برنامه هایی که فعلا- صندوق های قرض الحسنه برای خود عمل می کنند، قرض دادنِ مشروط به سپرده گذاری است که

شخص بایـد مبلغی را به مدت معینی به عنوان سپرده در صـندوق بگذارد تا بتواند از صـندوق قرض بگیرد وتا انتهای مدت هم حـق برداشت سـپرده را نـدارد که ظـاهر این عمـل اشـکال دارد چـون قرض مشـروط است. حـال سؤال این است که بعضـی از صنـدوق ها برای فرار از این مشـکل برای افراد حساب پس انـداز باز می کننـد و به مقدار پول و مدت پس انداز امتیاز حساب می کنند. «البته هر وقت صاحب حساب بخواهد می تواند پولش را بردارد» پس با محاسبه امتیازها به او قرض می دهند آیا این صحیح است یا نه؟ و اگر صحیح است با برنامه قبلی چه فرقی دارد؟

ج : هو العالم; ظاهراً هر دو بی اشکال است، چون اولا آن سپرده که ودیعه است مشروط به قرض دادن است، و قرض مشروط نیست تا ربا باشـد. ثانیا در قرض، چنانچه زیادی مشـروط عین باشـد ربا و حرام است، زیادی حکمیه اشـکال ندارد و در فرض سؤال زیادی حکمی است.

«اوراق مشارکت»

س ۲۶۴: بعضی مؤسسات وبانکها اوراقی تحت عنوان مشارکت پخش می نمایند و در قبال آن اوراق پولی دریافت می کنند و هر مـاه مبلغی به عنـوان سود علی الحسـاب پرداخت نموده و تعهـد می نماینـد پس از اتمـام کـار یـا در سـر سـال تمـام سود را پرداخت نمایند، آیا گرفتن چنین سودی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم;با رعایت شرایط دیگر، گرفتن سود جائز است.

«ربا»

س ۲۶۵: اینجانب بنا به ضـرورت مدتی پول ربوی از شخصـی گرفته ام و علاوه بر پرداخت اصل پول، مبالغی قابل توجه نیز به عنوان ربا پرداخت نموده ام، اخیراً قوه محترم قضائیه دسـتور عودت ربا را صادر نموده و اینجانب به دادگستری تبریز شکایت و ادعـای دریـافت مبـالغ پرداختی ربـا را نموده ام ودادگستری محترم پرونـده را به هیـأت حـل اختلاف تبریز ارجاع نموده است. هیأت حل اختلاف نیز مهلت داده تا بلکه خودمان سازش نماییم. با توجه به مطالب مذکور:

آیا شخص ربا گیرنده شرعا می تواند ازدادن وجه گرفته به عنوان ربا خودداری نماید؟

ج : هو العـالم; پولی که به عنوان ربـا گرفته، مالـک نمی شود، مگر آنکه آن کسـی که ربـا داده است قطع نظر از ربـا از طیب نفس به گیرنده تملیک کند که ظاهراً بعید است چنین اتفاقی تحقق پیدا کند. به هر حال پول ربا حرام است و مالک نمی شود و حق ندارد از دادن وجه خودداری نماید.

س ۲۶۶: اینجـانب با توجه به اینک آن وقت شـخصاً دنبال آن فرد رفته و پول ربوی گرفته و رفع حاجت نموده ام، آیا الان می توانم مالک ربای پس داده شده باشم و

یا اینجانب نیز شرعاً مقصر می باشم؟

ج : هو العالم; اگر به عنوان ربا داده ایـد مقصـرید ولی می توانید پس بگیرید و اگر از طیب نفس داده اید مقصـر نیستید، ولی نمی توانید پس بگیرید.

س ۲۶۷: در صورت اخذ ربای داده شده، تکلیف اینجانب با آن پول

شرعاً چیست؟

ج : هو العالم; حلال است مگر اینکه به عنوان ربا نداده باشید.

س ۲۶۸: اینجانب از مقلـدین حضـرتعالی هسـتم ومبلغ پنج میلیون تومان پول نزد برادر خود دارم و برادرم هر ماه مبلغ دویسـت هزار تومان ثابت به من به عنوان سود پول سرمایه می دهد و من هم نزد برادرم کار می کنم و اصلا نمی گویم که کم دادی یا زیـاد، امـا او به طور ثابت حـدود یکسال می شود که به من سود می دهـد.آیا این امر از نظر حضـرتعالی شـرعاً اشـکال دارد یا خیر؟

ج : هو العـالم; چنـانچه شـرط نکرده باشـید، یا به عنوان مضاربه باشـد و رعایت شـرایط مضاربه بشود، اشـکال نـدارد و اگر به عنوان قرض بدهید و در حین قرض دادن صریحاً شرط سود بنمایید، حرام است.

س ۲۶۹: اینجانب در بانک ثامن الائمه تبریز، حدود یک میلیون تومان نقد گذاشته ام وقرار است بانک در مقابل این پول مبلغ ده میلیون تومـان به من وام یـک ساله بدهـد و با ۲۹ درصـد از من مطـالبه نمایـد، ولی چون من قـدرت بازپرداخت آن پول را نـدارم، با خودم گفتم آن را به یک شـخص دیگر واگذار نمایم، و حق و سودی که پولم به عنوان شـش ماه در بانک مانده به عنوان فروش سهمیه خویش از آن

طرف مطالبه نمایم، آیا این امر از نظر حضرتعالی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی! جائز است.

س ۲۷۰: با احترام مستدعی است فتوای مبارک خویش را در خصوص مسأله زیر مرقوم فرمایید، اشاره به دلیل فتوی موجب مزید امتنان و استفاده بیشتر خواهد بود:

در قرارداد قرض یا غیر آن شرط می شود که «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد در سر رسید مقرر، علاوه بر اصل بدهی، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به ذمه متعهد این قرارداد تعلق خواهد گرفت» آیا شرط مزبور با مشکل ربا و یا غیر آن مواجه می باشد یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن همچون بیع نسیه یا سلف در این باره فرق هست یا نه؟

ج : هو العالم؛ در مسأله چند صورت متصور است.

۱ قرار دادن اجل یعنی تأخیر ادای دین در مقابل زیادی یا به نحو شرط ابتدائی، یا در ضمن عقد، یا مصالحه بر آن باشد، در این صورت در جمیع شقوق آن حرام و ربا است. چون حقیقت ربا عبارت است از قرار دادن زیادی در مقابل مهلت دادن در اداء دین به مقترض، بدون فرق بین ابتداء قرض یا بعد از گذشتن مدتی، و بدون فرق بین اینکه این مهلت دادن به نحو شرط باشد یا غیر آن.

۲ مجموع دین حال را به مجموع آن مبلغ با زیادی بفروشد، که در این صورت ربا نیست، ولی از ناحیه بیع دین به دین خالی از اشکال نیست.

۳ چیزی را به زیادتر از قیمت آن چیز به مدیون بفروشد، معادل آن مقداری که

اضافه می کند و تأخیر در اداء دین را شرط کند، این صحیح است و روایات هم دلالت بر آن دارد.

۴ مدیون آن زیادی را به داین هبه کند و تأخیر در اداء دین را شرط کند که در این صورت نیز صحیح است.

س ۲۷۱: سودی که برخی از مغازه داران بر روی برخی از اجناس قسطی می کشند و این گونه توجیه می کنند که بانکداری اسلامی هم همین سود را می گیرد، آیا ربا محسوب می شود، در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

ج : هو العالم؛ پولی که می گیرند به ازاء اجناسی که قسطی می فروشند اشکال ندارد اما دلیلشان درست نیست.

س ۲۷۲: عده ای با هیأت به زیارت حضرت امام رضا (ع) مشرف می شوند گردانندگان هیأت بر اثر بی توجهی از افراد ربا خوار نیز ثبت نام می کنند، تکلیف بقیه که با آنها هم غذا و هم منزل می شوند و پول همه مخلوط می شود چیست؟

ج : هو العالم؛ نسبت به بقیه اشکال ندارد.

س ۲۷۳: اگر کسی نیاز به پول نقد داشته باشد آیا جایز است جنسی را با قیمت بیشتری از صاحب پول بخرد و مجدداً به قیمت ارزانتر به صورت نقد به صاحب پول بفروشد و با این روش به وجه نقد مورد نیازش برسد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در ضمن بیع اول شرط بکند که نقداً به کمتر بفروشد، بیع باطل است، و همچنین اگر مؤجل بعد از حلول اجل باشد باطل است و الا صحیح است.

س ۲۷۴: اسکناس که جزو معدودات است و قرض دادن آن به زیادتر ربا و حرام است.

اما اگر آن را به قیمت بیشتر بفروشند مثلا یک میلیون تومان را به یک میلیون و یکصد هزار تومان، آیا جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما اگر نسیه به قیمت بیشتر بفروشد جائز نیست. چون در بیع ربوی اگرنسیه بفروشد شرط نیست که مبیع مکیل و موزون باشد بلکه زیادتر فروختن تمام اجناس به بیع ربوی جایز نیست.

«ضمان»

س ۲۷۵: اگر کسی کارگری را برای بنایی ساختمان اجیر کند و در حین کار به صورت اتفاقی سنگی از بالا افتاد و او را کشت و یا خودش از بالا افتاد ومرد، آیا موجر ضامن دیه او می باشد یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر ضامن نیست.

س ۲۷۶: اینجانب با کارگری که دارای ۱۰ سال سابقه کار در تخریب ساختمان می باشد، قرار داد بستم که بخشی از دیوار ساختمان منزلم را به مبلغ بیست و پنج هزار تومان تخریب نماید. ایشان به همراه زیر دستش مشغول تخریب دیوار از بالا شدند، پس از ساعتی از بالای دیوار به پایین آمده و به تخریب دیوار از پایین ادامه می دهد، اندکی بعد بخش کوچکی از دیوار بر روی ناحیه کمر او ریزش می کند و ایشان دچار زایده سمت چپ عرضی مهره اول کمر می گردد (نمی دانم آیا ایشان عمدا به علت فقر و به جهت اخذ پول یا سهواً این کار را انجام داده است) بنده به محض اطلاع از حادثه در محل حاضر و او را جهت درمان به بیمارستان منتقل نمودم و هزینه داروو درمان را پرداخت کردم وبه جای مبلغ بیست و پنج هزار تومان

مقدار سی هزار تومان به او پرداخت نمودم، حال آیا اینجانب به ایشان بابت صدمه ای که خودش به خودش وارد کرده است، به او بدهکارم یا خیر؟ واگر بدهکارم دیه این شکستگی چه مبلغ می باشد؟

ج : هو العالم؛ با این خصوصیات که مرقوم داشته اید، شما ضامن و بدهکار خساراتی که خودش به خودش وارد کرده است نیستید حتی اگر عمداً هم نکرده باشد، و هیچ گونه دیه بر شما نیست.

س ۲۷۷: کسی در زمان صغیر بودن دزدی کند و پس از بالغ شدن پشیمان شود و چنانچه بخواهد از صاحب مال حلالیت بطلبد مفسده ایجاد می شود وظیفه اش چیست؟

ج : هو العالم؛ باید به هرنحو ممکن و به هر عنوان مال را به او برساند. لازم نیست بگوید عوض مال تلف شده است.

س ۲۷۸:آیا پول مثلی است یا قیمی؟ و تعریف جامع مثلی و قیمی چیست؟ و آیا ضمانت پول فرق می کند بین مواردی که اجناس گران شوند و مواردی که ارزش پول تنزل یابد؟

ج : هو العالم؛ مثلی عبارت از جنسی است که مانند آن در صورت و صفاتی که قیمتها بواسطه اختلاف رغبات تفاوت پیدا می کند، موجود است و در مقابل آن قیمی است، بنابراین پول مثلی است، و در ضمانت بین موارد فرق نیست.

س ۲۷۹: شخصی موتورش را به نگهبان آپارتمان سپرده که مواظب آن باشد لکن به سرقت رفته، آیا می تواند قیمت آن را از نگهبان مطالبه نماید؟

ج : هو العالم؛ اگر نگهبان محافظت نموده و در معرض سرقت قرار نداده است نمی تواند مطالبه قیمت آن را بنماید و اگر سهل انگاری

کرده است می تواند مطالبه قیمت بنماید.

س ۲۸۰: شخصی در یکی از کشورهای بیگانه شیئی برداشته و مبلغ آن را نداده حال که می خواهد پول آن را بپردازد، آیا می تواند رد مظالم بدهد یا باید به آن کشور رفته و به آن فرد پرداخت نماید؟ با توجه به این که مبلغ آن شئی قابل توجه نیست و در حدود ده هزار تومان می باشد ولی هزینه سفر به آن کشور بسیار و حتی برای شخص فلج کننده است.

ج : هو العالم؛ در صورت امکان ولو به وسیله نامه یا تلفن و غیره او را پیدا کند و وجه را بپردازد، لازم نیست خودش برود و با وضع فعلی خیال نمی کنم قادر بر شناخت او و دسترسی به او نباشند به هرحال باید رضایت او را جلب نماید.

«فسخ معامله»

س ۲۸۱: اگر در معامله غبنیه شک کردیم خیار غبن فوریت دارد یا نه، آیا اصل استصحاب خیار جاری است؟

ج : هو العالم؛به نظر ما استصحاب خیار جاری نیست نه از جهت سه وجهی که محقق نائینی فرموده ونه به واسطه فرمایش شیخ انصاری، بلکه بواسطه وجه دیگری که در کتاب منهاج الفقاهه و فقه الصادق نوشته ام.

س ۲۸۲: شخصی آپارتمانی را می فروشد. مبیع که آپارتمان می باشد به مجرد انعقاد عقد بیع به خریدار تسلیم واقباض شده است و قسمتی از ثمن هم نقداً به فروشنده تسلیم شده است، به حسب مراضات حاصله مقرر گردیده باقیمانده ثمن در اقساط معینه اداء گردد که خریدار به علت عدم کفایت قادر به ایفای دین نمی باشد. سپس ۲۲ ماه بعد از تاریخ انجام معامله

خریدار به موجب نوشته دیگری متعهد می شود در تاریخ معینی باقیمانده ثمن را به فروشنده اداء نماید. حال با توجه به این که عقـد بیع بـدون قید و شـرط است و به طور مطلق منعقد شده است، چنانچه خریدار در تاریخ معین بقیه ثمن خود را اداء ننماید آیا فروشـنده حق فسـخ معامله را دارد؟آیا فروشـنده به اسـتناد تعهدنامه مؤخر الصدور، شـرعاً مجاز در فسخ بیع و تملک مجدد مبیع خواهد بود یا خیر؟

ج : هو العالم؛در معاملات در صورتی که خریدار در موعدی که بنا شده است ثمن را بپردازد پرداخت نکرد و تأخیر انداخت، بایع می توانـد معامله را فسـخ کنـد و از این توانایی به خیار تأخیر ثمن تعبیر می شود، بنابراین در فرض سؤال چون خریـدار در مورد معین شـده ثمن را نپرداخته ولو قـدرت نداشـته بـایع خیـار دارد و شـرعاً می توانـد معامله را بهم بزنـد و آپارتمان را پس بگیرد و آن مقدار پولی که گرفته برگرداند.

س ۲۸۳: ملکی به صورت خـانه نیمه کـاره بوده و از قرار متری دو هزار و ششـصد تومان فروخته شـده و فعلا متری پنجاه هزار تومـان ارزش دارد. مبلغی از ثمن را خریـدار برای تنظیم سـند نگه داشـته و ملـک را هم به سود خوب فروخته و حاضـر به اخذ سنـد نشـده، و می خواهـد سـند به نام آخرین فرد خریدار تنظیم شود. آیا فروشـنده همین حق مطالبه وجه باقیمانده را دارد و یا چون عین ملک را فروخته است، حق مطالبه قیمت فعلی را دارد، چون که در خود ملک حق دارد؟ و ارزش پول آن روز بیشتر بوده است.

ج :

هو العالم; در مورد سؤال، شما خیار تأخیر ثمن دارید می توانید فسخ معامله کرده، بعد به قیمت روز بفروشید، و می توانید مقداری پول به قیمت فعلی به ازاء عدم فسخ از خریدار بگیرید.

س ۲۸۴: معامله ای واقع شده و در آن چنین شرط شده:

«... شرط می گردد که معامله مرقومه عمری است یعنی مادام عمر فروشنده، اختیار فسخ معامله با فروشنده می باشد.»

همانطوری که مستحضر می باشید در این معامله خیار شرطی وجود دارد و آن در نظر گرفتن حق فسخ برای فروشنده برای تمام عمر وی می باشد و از طرفی خیار شرط می بایست مدت معین ومعلومی داشته باشد، حال این که در عقد مذکور مدت خیار معین و مشخص نمی باشد و باعث مجهول ماندن خیار شرط گردیده است.

و در این رابطه قانون مدنی در ماده ۴۰۱ چنین می باشد «اگر برای خیار شرط، مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است» حال از نظر حضرتعالی چنین بیعی که در آن شرط خیار بدون تعیین مدت در نظر گرفته شده است، چه حالتی دارد؟

ج : هو العالم; به نظر ما شرط خیار مادام العمر صحیح است، یعنی هم شرط و هم بیع صحیح است، و خیار هم ثابت است. و وجه آن را هم در فقه الصادق و هم در منهاج الفقاهه مفصلا نوشته ام.

«احتکار »

س ۲۸۵: به نظر حضرتعالی، احتکار چه حکمی دارد؟ و آیا شامل هر گونه جنسی می شود؟

ج : هو العالم; احتکار حرام است و آن مختص به خصوص جو و گندم و خرما و زبیب و روغن و زیت است،

و حرمت هم در وقتی است که مسلمانان محتاج و آن اجناس هم کم باشد، و نگاه داشتن هم برای گران شدن جنس باشد.

احکام ازدواج

«راهنمایی و سفارش»

س ۲۸۶: برای تسریع در ازدواج چه راهی را پیشنهاد می نمایید؟

ج : هو العالم؛ راه صحیح همان است که در روایات بیان شده است: تسریع در امر ازدواج و کم کردن مهر و تشریفات.

س ۲۸۷: اینجانب جوانی ۲۳ ساله هستم که بیش از نه سال از عمر خود را در غرب گذرانده و می گذرانم. اسلام و مذهب حقه شیعه را از هر چیزی مهمتر می دانم. متأسفانه همانند اکثر دوستان خود که در اینجا هستند خانواده ای مذهبی ندارم و باوردارم که امر مهم ازدواج بر من واجب گشته است، اما نمی دانم که چه باید کنم؟ لطفاً اینجانب را نصحیت بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ حتماً ازدواج کنید ولو با دختر مسیحی، که ممکن است آن دختر هم بواسطه شما مسلمان شود. اما بدون ازدواج ممکن است مبتلاـ به فعل حرام بشوید. نمی دانم وضع مادیتان چطور است ولی از آن هم نترسید چون خداوند تعالی وعده داده است که با ازدواج وضعتان بهتر می شود.

«شرایط عقد»

س ۲۸۸: دوشیزه بالغه عاقله فاقد ولی شرعی درامر ازدواج مستقل است یا باید رشد وی هم احراز شود؟

ج : هو العالم؛ باید رشد هم احراز شود.

س ۲۸۹: در مورد سئوال زید عموی دختر حالاـ ادعا می کند که من از تو اجازه گرفته، عقد دومی را خواندم و بر این ادعا چند نفر شاهد هم دارد ولی دختر می گوید من قبل از بلوغ وبعد از بلوغ اجازه ندادم و راضی به ازدواج با پسر نابالغ تو نیستم وشهادت شهود را که از فامیل های شما هستند قبول ندارم، قول کدامیک مسموع است بیان فرمایید؟

ج

: هو العالم; چنانچه شهادت شهود واجد شرایط قبول، هست ادعاء دختر قبول نیست و آن عقد با پسر عموی او صحیح و عقد اخیر او باطل است.

س ۲۹۰: زید و عمرو مثلا هر دو برادر صلبی بودند، عمرو فوت کرد و در حالی که او یک دختر نابالغ داشت و زید هم یک پسر نابالغ داشت، زید به خاطر هدف شخصی دختر عمرو را که ولی شرعی نداشت، با پسر خودش عقد انقطاعی بست، بعد از رسیدن به حد بلوغ باز هم از دختر اجازه گرفته، عقد ازدواج او را با پسر نابالغ خودش بست، ولی او منکر اجازه است و دختر وقتی به حد ۱۴ ۱۵ سال رسید، به میل و رغبت خویش با کسی دیگر که کفو شرعی و عرفی اوبوده ازدواج نموده با او زندگی می کند، کدامیک از عقدهای ذکر شده صحیح است.

ج : هو العالم; عقد اول که بی اشکال باطل است. عقد دوم که زید مدعی است با اجازه دختر بعد از بلوغ بوده، چون دختر منکر اجازه است، چنانچه اثبات نشود، آن هم باطل است. بنابراین عقد سوم که دختر بالغ با میل خود اجراء نموده صحیح است و آن عقد قبل کأن لم یکن است.

س ۲۹۱: در همین مورد بعد از متهم کردن شهود از سوی دختر، عموی او با چرب زبانی و چاپلوسی از دختر تمام مایملک پدرش را به عنوان هبه طلب نموده و هبه نامه تحریر نموده است که شاهد هم دارد و با این کار دختر را از ارث پدر محروم نموده است. حکم هبه را بیان فرمایید؟

ج : هو

العالم; هبه صحیح است و دختر به عموی خود هبه نموده و خودش ارث نمی برد.

س ۲۹۲: اگر شوهر زنی بعد از عقد بمیرد یا شوهرش او را بعد از عقد طلاق بدهد، آیا این زن حکم باکره را دارد؟

ج : هو العالم; بلی! حکم باکره را دارد، ولی ما ولایت پدر را بر باکره قبول نداریم، مطلقاً اذن پدر یا جد را لازم نمی دانیم.

«زنهایی که ازدواج با آنها حرام است»

س ۲۹۳: اگر شخصی بخواهد با دختر خواهر یا دختر برادر عیال دائمی اش ازدواج نماید آیا رضایت عیالش لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; عقد دختر خواهر یا دختر برادر عیال بدون رضایت همسر، باطل است، ولی اگر عقد کند، بعد او رضایت دهد، صحیح است.

س ۲۹۴: اگر شخصی بخواهد با عمه و یا خاله عیالش ازدواج نماید، آیا در این صورت رضایت عیالش لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; عقد عمهوخاله عیال بدون رضایت اوصحیح است.

س ۲۹۵: آیا زن شیعه اثناعشری می تواند با مرد مسلمان سنی ازدواج کندیاخیر؟

ج : هو العالم; بلی مانعی ندارد.

س ۲۹۶: بفرمایید درباره ازدواج دائم یا موقت فرزندان ذکور مسلمان با دوشیزگان یا بانوان اهل کتاب که به نظر بعضی از علماء بلا مانع است، درباره دختران مسلمان یا جوانان و مردان اهل کتاب چه اوامری صادر می فرمایید؟

ج : هو العالم; ازدواج پسران مسلمان با دختران کافر کتابی (یهود، نصاری، مجوس) دائما و متعه جائز است و با کافر غیر کتابی جائز نیست، و ازدواج دختران مسلمان با پسران کافر مطلقاً جائز نیست.

س ۲۹۷: عقد نکاح بنابر مسلک سنی درست است یا خیر؟

ج : هو العالم;عقد

نکاح بر مسلک سنی فرقی با مسلک شیعه ندارد غیر از اعتبار حضور شهود که در مسلک حق معتبر نیست ولی بودن شهود مضر نیست.

«نفقه»

س ۲۹۸: آیا نفقه زن بعد از عقد وقبل از تصرف به عهده شوهر است؟ لطفاً نظر مبارک را بفرمایید.

ج : هو العالم؛ چنانچه تمکین نمی کند ولو عدم تمکین او به مقتضای قراردادهای کلی در ضمن عقد ازدواج باشد که مادامی که در خانه پدری است، حق امتناع از تصرف داشته باشد، نفقه واجب نیست.

س ۲۹۹: زنی که به عقد ازدواج دائم مردی درآمده، اگر بدون اجازه شوهر

منزل مسکونی را ترک و به خانه پدرش مراجعه کند، آیا ناشزه محسوب می گردد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی ناشزه است، خصوصاً در صورتی که مستلزم عدم تمکین از استمتاع باشد.

س ۳۰۰: چنانچه زن مذکور ناشزه محسوب گردد، آیا در مدت نشوز مهریه و نفقه به وی تعلق می گیرد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ در مدت نشوز نفقه ساقط می شود، ولی مهریه باقی است.

س ۳۰۱: اگر مهریه زن در مقابل بضع است، نفقه زن در مقابل چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ قال الله تعالی: الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من اموالهم.

س ۳۰۲: در صورتی که زن در عقد ازدواج شرط کند که زندگی من در قم باشد و مرد تخلف کند آیا نفقه زن ساقط می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، ساقط نمی شود.

«مهریه»

س ۳۰۳: مردی زنی را به عقد نکاح دائم خود درآورده و مهریه زن به مجرد مطالبه است و شوهر قصد پرداخت مهریه همسرش را به جهت ادای دین دارد، ولی فعلا از نظر مالی در حدی نیست که بتواند مهریه را یک جا بدهد. آیا می

تواند آن را به صورت قسطی به همسرش پرداخت نماید؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند در صورتی که نتواند یکجا بدهد.

س ۳۰۴: مهر السنه که مورد تأکید پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است که پانصد درهم باشد، به پول رایج ایران چه مقدار است؟ و آیا پانصد درهم برای استحباب موضوعیت دارد یا مقصود معادل ارزشی آن است که مجمع البحرین و بعضی فقهاء آن را به پنجاه دینار تقدیر کرده اند ؟

ج : هو العالم؛ پانصد درهم مساوی است و زنا با ۲۶۲ مثقال متداول. چون درهم هفت عُشر مثقال شرعی است و مثقال شرعی سه ربع مثقال صیرفی است. این از حیث وزن، و اما اگر از حیث قیمت سؤال بشود، اگر قیمت یک مثقال نقره سکه دار را ضرب در این عدد بزنید، آن معادل مهر السنه است، و موضوعیت آن ظاهراً معادل ارزشی آن است.

س ۳۰۵:خانواده هایی هستند که مهریه دخترشان را بالای هزار سکه بهار آزادی قرار می دهند که بعضاً با مخالفت خانواده های مقابل همراه است. به نظر حضرتعالی این مهریه صحیح است؟ و آیا افراط نمی کنند؟

ج : هو العالم؛ اشکال شرعی ندارد ولی آداب و رسوم اجتماع را رعایت نمودن بهتر است.

س ۳۰۶: در حال حاضر قانونی وضع کرده اند که مهریه را به نرخ روز حساب می کنند. مثلا اگر پنجاه سال پیش مهریه پانصد تومان بوده است، حالا به نرخ روز دویست هزار تومان محاسبه می شود. قانون مذکور از نظر شرعی چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ با این نحو مشروعیت ندارد. در عین حال باید به حساب طلا حساب

شود. مثلاً پانصد تومان در آن وقت چند مثقال طلا می شود، به همان مقدار از قیمت فعلی طلا پرداخت شود، و باید بنابر احتیاط لزومی مصالحه هم بکنند.

س ۳۰۷: امروزه برای ازدواج مهریه های سنگینی معین می کنند که توان پرداخت ممکن نیست، آیا زوج ملزم به پرداخت آن است؟ در صورتی که توان پرداخت ندارد، آیا شرعاً مقصر است، اگر ناگهان مرگ او فرا رسید و اموالی هم نداشته باشد آیا در جهان آخرت مؤاخذه خواهد شد؟ اگر مرگ زوج ناگهان فرا رسد و اموالی هم نداشته باشد، آیا بر پدر متوفی واجب است مهریه زوجه متوفی را بپردازد؟ یعنی مثل سایر بدهی های متوفی واجب الاداء است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه زوجه می داند که زوج قدرت پرداخت پیدا نخواهد کرد، قهراً راضی به ازدواج با عدم اداء این دین می باشد، بنابراین هیچ اشکالی ندارد و به هر حال در آخرت مقصر نیست. و بر پدر او هم لازم نیست اداء کند مگر آنکه در عقد شرط کنند که اگر پسر نتوانست مهر را بدهد پدر او دین را اداء کند.

س ۳۰۸: پسری از اول عمر با پدرش زندگی کرده و در مغازه پدرش کار می کرد، پدر تمام مخارج زندگی پسر و عیال او و تمام هزینه های جانبی مثل هزینه ازدواج، مسافرت، معالجه و غیره را پرداخت نموده است، ناگهان پسر درگذشت. در صورتی که پسر از خود اموالی ندارد و در کار مغازه اجرتی برای کار پسر تعیین نشده بود، عرفاً هر دو در مغازه کار می کردند تا مخارج زندگی را تأمین نمایند و مغازه سود آوری

غیر مترقبه هم نداشته است، آیا بر پدر واجب است که مهریه زوجه متوفی را بپردازد؟ آیا در صورت عدم پرداخت پدر، فرزند متوفی در آن جهان مؤاخذه خواهد شد؟

ج : هو العالم; پسر در آن دنیا مؤاخذه نمی شود، ولی بعید نیست بر پدر ادای دین لازم باشد چون ظاهر کار آنها این است که در اموال و سود و زیان و مخارج شریکند، از جمله مخارج هم مهریه زن است، در عین حال باید مصالحه بشود.

س ۳۰۹: مردی که با زن معقوده خود وطی در دبر کرده و قبل از عروسی او را طلاق داده آیا باید تمام مهر را بپردازد؟

ج : هو العالم; بلی تمام مهر را باید بپردازد نه نصف.

س ۳۱۰: در بعضی مناطق رسم است برای عروس شیربها تعیین می کنند، آیا گرفتن و دادن شیربها جایز است؟

ج : هو العالم; بلی، دادن و گرفتن شیربها جایز است.

«متعه (عقد موقت)»

س ۳۱۱: مردی که متأهل است آیا لازم است جهت متعه نمودن زنهای اهل کتاب از زوجه مسلمه دائمیه یا منقطعه خود اجازه بگیرد؟

ج : هو العالم; ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه مطلقاً جایز است و موقوف به اجازه زوجه مسلمه نیست.

س ۳۱۲: اگر بعد از انقضاء مدت متعه مدخوله در دروان عده زوج دوباره یا کراراً او را متعه و عقد موقت کند و بدون دخول و بعد از انقضاء مدت جدا شود، آیا تکمیل همان عده عقد اول که در آن به او دخول شده برای ازدواج با دیگری کافی است.

ج : هو العالم; بلی کافی است، ولی باید آن عده تمام شود.

س ۳۱۳: اینجانب

از مقلدین حضرتعالی هستم. چند ماه پیش دختری را با شرایط متعه کردم و بر اثر مجامعت بکارت او آسیب دید. با اینکه من در معالجه و جراحی او اقدام نمودم، بازهم به حساب آخرتم نگرانم. لذا از محضر حضرتعالی سؤالاتی را می پرسم:

چون خانواده من به هیچ وجه با ازدواج من با این دختر موافق نیستند، اگر این دختر در این شرایط رها شود، آیا اینجانب مرتکب گناهی شده ام؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که قبل از متعه کردن و یا قبل از ازاله بکارت وعده ازدواج دائمی نداده اید، مرتکب گناه نشده اید.

س۳۱۴:اگرحرف پدرومادرراکناربگذارموبااوازدواج کنم آیاعاقوالدین می شوم؟

ج : هو العالم؛ چنانچه پدر و مادر از ازدواج شما ناراحت شوند، پس به حکم آیه کریمه در صورت ازدواج گناهکارید.

س ۳۱۵: آیا نفس این کارم که موجب ازاله بکارت او شده اشکال داشته است؟

ج : هو العالم؛ مسلماً کار صحیحی نبوده است خصوصاً اگر بدون رضایت دختر بوده باشد.

س ۳۱۶: با توجه به اینکه در حین عقد متعه با این دختر به او گفته بودم که من با تو ازدواج نخواهم کرد و فعلا عقد موقت می خوانم، حال اگر او خودکشی کند آیا من مقصر هستم؟

ج : هو العالم؛ خیر مقصر نیستید.

س ۳۱۷: نظر به اینکه بکارت او ترمیم شده و او می تواند ازدواج کند، در صورتی که او با شخص دیگری ازدواج کند آیا من در مورد شوهر او مرتکب گناهی شده ام و لازم است از او طلب بخشش کنم؟

ج : هو العالم؛ خیر شما گناهکار نیستید. و لازم نیست طلب بخشش کنید بلکه طلب

بخشش کار خوبی نیست.

«مسائل متفرقه ازدواج»

س ۳۱۸: اگر شخصی دو نفر را وکیل کند که صیغه عقد نکاح را در فلان روز بخوانند و بعد از خواندن صیغه عقد در آن روز، یک نفر موثق به موکل خبر دهد آیا می توان به خبر او ترتیب اثر داد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند ترتیب اثر بدهد.

س ۳۱۹: اگر زن بگوید شوهر ندارم و بینه مخالف اوقائم شود، کدام یک مقدم است؟

ج : هو العالم؛ بینه مقدم است.

س ۳۲۰: اگر کسی در عقد نکاح شرط کند که دو زن می گیرد، آیا به مقتضای قاعده اولیه این شرط صحیح است یانه؟ و بنابر صحت شرط، آیا فرقی بین موردی که هر دو را مقارناً بگیرد و موردی که متعاقباً بگیرد هست؟

ج : هو العالم؛ شرط صحیح است و فرقی بین دو صورت نیست.

س ۳۲۱: در صورتی که زن مهر خود را به زوج مصالحه کند یا ببخشد و با مرد شرط کند که زن دیگر نگیرد، اگر او زن دیگر بگیرد عقد دومی صحیح است یانه؟

ج : هو العالم؛ عقد صحیح است ولی زن خیار تخلف شرط دارد و می تواند آنچه به او داده است را پس بگیرد.

س ۳۲۲: دختری که به او تجاوز به عنف و زنای اکراهی شده و در مدت عده جهلا به این مسئله که گرفتن عده واجب است، متعه شخص دیگر شده، و باز پس از دخول مرد دوم به او و در مدت عقد موقت او، از ترس آبرویش به عقد مرد اولی درآمده و سپس بدون دخول طلاق گرفته است. حالا مرد دوم سؤال

دارد که آیا عقد او صحیح و پا برجا است؟ یا از اصل باطل و زن بر او حرام ابدی شده؟ لطفاً حکم مسأله را در دو فرض یتیمه بودن دختر و عدم نیاز به اذن ولی و فرض وجود ولی و عدم استیذان از او بیان فرمایید؟

ج : **هو العالم؛** زنا عده ندارد، متعه اولی که با مرد دوم است صحیح است و عقد دوم او با مرد اول باطل است. و در این حکم بین داشتن و نداشتن پدر فرقی نیست.

س **۳۲۳:** اگر دو دختر از ناحیه قسمتی از اندام یا سر، با هم چسبیده باشند و دو بدن دارند، آیا می توانند هر یک معامله یا ازدواج کنند، با آنکه هر یک از آنها دیگری را با خود دارد؟ اگر این دو نفر پسر و دختر باشند چطور؟

ج : **هو العالم؛** در معاملات محذوری ندارد، لکن در ازدواج باید رعایت جهات شرعیه بشود.

«فسخ عقد ازدواج»

س **۳۲۴:** اینجانب حدود پنج ماه است که با خانمی ازدواج کرده ام و به یقین رسیدم که او ناراحتی روحی دارد و مریض می باشد و قادر به زندگی و خانه داری و زناشویی نمی باشد و خانواده و بستگان او به صورت عوام فریبی او را با مهریه بالا و سنگین درآوردند.

توضیحاً عرض کنم بعد از مدتی که اونامزد من بود من از پدرش خواستم که او را نزد دکتر ببرم، لکن پدرش صراحتاً سوگند به اسم جلاله خورده وازدکتر بردن او ممانعت کرده و من هم از روی سادگی موضوع را سخت نگرفتم.

اما بعد از عروسی متوجه شدم که او قرص می خورد وبعضی

اوقات سرش می سوزد و درد می کند و بیهوش می شود. حال با توجه به این که زوجه قادر به زندگی و همسرداری نمی باشد و تفاهم در کار نیست، تکلیف شرعی و دینی من چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر جنون دارد شما می توانید فسخ کنید و الا راه دیگری جز طلاق نیست و در آن صورت باید مهر را تمام بدهید، ویا آنکه به طریقی او را راضی کنید که یک مقداری از مهر را به شما ببخشد.

«احکام اولاد و والدین»

س ۳۲۵: آیا پایان حضانت والدین طفل صغیر با عروض حالت بلوغ شرعی است یا باید رشد وی هم احراز شود؟

ج : هو العالم؛ حضانت غیر از ولایت است،حضانت زمان خاصی دارد و اما ولایت پدر در تصرف در اموال او تا ثبوت رشد بعد از بلوغ ادامه دارد و در حضانت مادر تا هفت سال بدون فرق بین پسر و دختر حق حضانت را برای او ثابت می دانیم

س ۳۲۶: شخصی فوت کرده و از او سه اولادصغیرباقی مانده اندوازطرفی شخص متوفی دارای زوجه و پدر و مادر پیر است، حق حضانه این صغیران با مادر است و حق ولایت آنها بر جد. در صورتی که پدر بزرگ (جد) آنها قادر بر سرپرستی و قیمومیت آنها نمی باشد. آیا حق قیمومیت آنها به مادر تعلق می گیرد یا خیر؟

ج : هو العالم؛حق حضانت بلا کلام برای مادر است. و حق ولایت بر جد. ولی قیمومیت و سرپرستی لازمه حق الحضانه است خصوصاً اگر جد قادر نباشد. به هر حال قیمومیت و سرپرستی در مورد سؤال با مادراست.

س ۳۲۷: حد و مرز

تأدیب فرزند چه مقدار است بیان فرمایید؟

ج : هو العالم; در باب حدود، اعمال موجب حد به طور مختلف روایت شده است و اما در غیر آن باب در روایات تا حد پنج ضربه زدن را اجازه داده اند.

«احکام محرمیت و شیردادن»

س ۳۲۸: اگر دو برادر بخواهند زنهای همدیگر برایشان محرم شوند به چه سببی می توانند محرم شوند؟

ج : هو العالم; چنانچه مادر زن هر کدام زن دیگری بشود هر کدام به شوهر دیگری محرم می شود.

س ۳۲۹: شخصی سه زن دارد که یکی صغیره است، در صورتی که دوزن دیگر، هر دو به صغیره شیر بدهند، آیا هر سه زن به مرد حرام می شوند؟

ج : هو العالم; زنی که اول شیر بدهد، چنانچه به آن دخول شده است، مرضعه و طفل هر دو به او حرام می شوند و مرضعه دوم حرام نمی شود. واگر به مرضعه اول دخول ننموده، حکم مرضعه ثانیه در صورتی که شیردادن درحال زوجیت صغیره بوده است، حکم مرضعه اولی می باشد.

س ۳۳۰: بنام خدا; لطفا حکم شرعی شیر خوردن مرد را از پستان همسرش بیان فرمایید؟

ج : هو العالم; جائز است.

«احکام نامحرم»

«نگاه به نامحرم»

س ۳۳۱: حضرت آقا در مسأله ۲۴۲۸ رساله توضیح المسائل فرموده اید «... و نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذت باشد حرام واگر به قصد لذت نباشد جایز است.»

از محضر مبارك این سؤال مطرح است که اگر دلیل حرمت نگاه به بدن زن نامحرم مفسده ای است که به دنبال دارد آیا نگاه به صورت های زیبا که اجمل اعضای آدمی اند، خصوصاً در مورد زنان و دختران

جوان، همان مفسده بلکه بدتر و بالاتر از آن نمی باشد؟

آیا نباید حکم استثناء وجه و کفین به صورت مطلق و در صورت عدم قصد لذت، هیچ تخصیصی بخورد تا جلو سوء استفاده برخی زنان و مردان لا ابالی گرفته شود؟

و چرا مرحوم صاحب جواهر (ره) از قول استاد اکبر (ره) می فرمایند:

«فان الفقهاء قد اتفقت کلمتهم علی ان بدن المرأه کلها عوره».

لطفا از حیرت رهایمان سازید؟

ج : هو العالم؛ دعوی اتفاق بر این که «بدن المرأه کلها عوره الا علی الزوج و المحارم» مردود است:

اولا: به دلیل اینکه جماعتی از بزرگان فقهاء مانند شیخ طوسی و صاحب حدائق و محقق نراقی و شیخ اعظم انصاری و غیرهم فتوی داده اند به جواز نظر الی الوجه والکفین.

و ثانیا: مدرک مجمعین معلوم است و ما در کتاب فقه الصادق ج ۲۱ متعرض آن شده ایم وجواب داده ایم.

و ثالثا: اینکه اجماع را اگر ثابت هم باشد به روایات تخصیص می زنیم و از طرفی هر کس هم که فتوی به جواز نگاه کردن داده و از جمله آنها حقیر، حکم را به اینکه به قصد ریبه و تلذذ نباشد مقید کرده است.

اما وجه اعتباری که شما ذکر کرده اید اگر تمام باشد، در پسر یا مرد خوش صورت هم جاری است، آیا به عدم جواز نظر ولو بدون ریبه و تلذذ فتوی می دهید؟، خیال می کنم اگر به فقه الصادق ج ۲۱ مراجعه کنید قضیه روشن تر می شود.

س ۳۳۲: نگاه کردن زن به مرد نامحرم اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بدون ریبه نگاه کردن به صورت و گردن

ودست های او اشکال ندارد.

س ۳۳۳: شخصـی در عکاسـی شاغل می باشـد. ناچاراً بطور مـداوم عکس های نامحرم را ظاهر می نماید و یا حتی گاهی فیلم های مراسم عروسی را مشاهده می کند، لطفاً بفرمایید این موارد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; دیـدن فیلم هایی که خانم های غیر محجبه را نشان می دهـد مشاهده آنها جائز نیست. و اما چنانچه عکس مهیج نباشد و نظر غیر شهوی به آن بشود چنانچه صاحب عکس را می شناسد، احتیاط آن است که نگاه نکند.

س ۳۳۴: نگاه کردن به عکس زنان کافر یا اهل کتاب مثل مسیحی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; نگاه به خود زنان کافر و اهل کتاب بدون قصد ریبه جائز است. بنابراین به عکس آنها بدون اشکال جائزاست.

س ۳۳۵: نگاه کردن به عکس زنان مسلمان ولی نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم; بنابر احتیاط نگاه نکنید، خصوصاً زنهایی را که می شناسید.

س ۳۳۶: آیا تزریقات مرد به زن و بالعکس جایز است؟

ج : هو العالم; تزریق غیر همجنس چنانچه مستلزم نگاه به بدن و یا لمس نباشد، جائز است و الا جائز نیست.

«سخنرانی و صدای زن»

س ۳۳۷: مداحی کردن زن برای زنان چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; جائز است

س ۳۳۸: در مجلس زنانه سینه زدن و دست زدن دسته جمعی زنان در صورتی که نامحرم بشنود اشکال دارد یا نه؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۳۳۹: گفتن اذان و تکبیر در هنگـام برپـایی نمـاز جمـاعت در مـدارس دخترانه توسـط دختران در حـالی که امـام جمـاعت نامحرم دارند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; چنانچه صوت زن مهیج شهوت نباشد و

امام هم از صوت او لذت غیر مشروع نبرد، جائز است.

«حضور زن در ورزشگاه»

س ۳۴۰: در برخی از مسابقات ورزشی داخل سالن دیده می شود که دختران جوان در ورزشگاه حضور دارند که با فریاد و تشویق بازیکنان همراه است. نظرتان را بفرمایید؟

ج : هو العالم; این قبیل موارد محرمات زیادی را مثل دیدن بدن مردان، و عدم حجاب شرعی زنان، و قصد ریبه طرفین و از این قبیل امور مستلزم است. لذا جائز نیست. و اگر هیچ محرمی لازم نیاید مانعی ندارد، ولی بسیار بعید است.

احکام طلاق

«کیفیت طلاق»

س ۳۴۱: اگر کسی زن خود را طلاق تقیه ای کند صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم; صحیح است، چنانچه شرایط طلاق تقیه ای محقق باشد

س ۳۴۲: طلاق فضولی غیر نافذ است یا باطل؟

ج : هو العالم; به نظر ما طلاق فضولی باطل نیست و موقوف به اجازه است، ولی چون ادعای اجماع (آن هم مدعی مثل شیخ انصاری (ره)) بر بطلان طلاق فضولی می کنند، پس احتیاط اگر لازم نباشد خوب است.

س ۳۴۳: آیا طلاق اکراهی غیر نافذ است یا باطل؟

ج : هو العالم; طلاق اکراهی باطل است و با اجازه صحیح نمی شود.

س ۳۴۴: شخصی زنش را طلاق داده و پس از یکماه رجوع به عقد نموده و طی نامه ای به زنش خبر داده، اما نامه نرسیده و زن پس از اتمام عده شوهر کرده و اکنون از شوهر دوم حامله است. حالا شوهر اول برگشته و مسئله روشن شده، حالا تکلیف زن و شوهر اول و شوهر دوم وهمچنین تکلیف بچه چیست مشروحاً مرقوم فرمایید.

ج : هو العالم; این خانم زن اولی است و باید از شوهر دوم جدا شود، چنانچه شوهر اول

او را طلاق بدهـد، بعـد از عـده دومی می توانـد او را تزویـج کند، غرض این که حرام ابدی نمی شود و بچه هم چون وطی به شبهه بوده است اگر امکـان الحاق به اولی نباشـد، ملحق به شوهر دوم است، یعنی یک سال از نزدیکی کردن شوهر اولی بیشتر گذشـته باشـد. و در صورتی که کمتر گذشـته و احتمـال داده شود از شوهر اول است ملحق به او می شود، بهر حال بچه حلال زاده است.

«طلاق خلع»

س ۳۴۵: اگر زنی مهر خود را که در ذمه زوج است در طلاق خلعی ببخشـد لکن آن زن قبل از طلاق از بذل مهر رجوع کند، آیا آن حق دوباره در ذمه زوج بر می گردد؟ با فرض آن که چیزی الان موجود نیست؟

ج : هو العـالم؛بلی همـان حق برمی گردد چون بخشـش مـا فی الـذمه در طلاق خلع مشـروط به عـدم رجوع است، در صورت رجوع ذمه مشغول است یا مشغول می شود، والله العالم.

س ۳۴۶: اینجانب در سال هفتاد ونه شمسـی بابت مهریه همسرم که تعداد ۱۱۴ سـکه بود قطعه زمینی را به ایشان واگذار کردم که در سند آن نیز قید گردید.

در سـال هشـتاد و یـک طی یـک طلاـق توافقی بـا ایشان، با بـذل کلیه مهریه خود، در قبال طلاق، حکم طلاق خلع صادر و به اجراء درآمـد. با توجه به اینکه عـده ایشان تمام شـده است، خواهشـمند است بفرماییـد مالك اصـلی زمین در حال حاضـر چه کسی است؟

ج : هو العالم؛ بعد از اینکه تمام مهریه این خانم، خصوص زمین ولو به عنوان معاوضه بوده و در وقتی که کلیه مهریه را

بـذل نموده، مرادش قطعـاً زمین بوده است و در خلع شـرط نیست که عین مهریه بـذل شود، بنابراین فـدیه در فرض سؤال زمین بوده است لذا بعد از تمام شدن عده حقی به زمین ندارد و زمین مال شوهر است.

«عده طلاق»

س ۳۴۷: مردی که با زن معقوده خود وطی در دبر کرده و قبل از عروسی او را طلاق داده آیا عده و تمام مهر لازم می شود؟

ج : هو العالم؛ بلی هم عده لازم است و هم تمام مهر را باید بپردازد نه نصف.

س ۳۴۸: زنی در سن مَن تحیض است ولی رحم خـود را قطع و بیرون کرده حـال که شوهرش او را طلاـق داده آیـا بر او عـده هست یا خیر؟ و آیا برایش جایز است بعد از طلاق شوهرش، بدون نگه داشتن عده متعه کسی شود؟

ج : هو العـالم؛ بلی، عـده لازم است چون احتمال حمل از قبیل حکمت است نه علت، و لـذا اگر شوهر زنی که حیض می بیند در سفر باشد و یک سال هم گذشته باشد و او را طلاق بدهد عده لازم است با آنکه معلوم است که حامله نیست.

س ۳۴۹: اگر در طلاق رجعی زوج به جای رجوع در زمان عـده، زوجه مطلقه را سه ماهه متعه کند و در این مدت به او دخول نکنـد، حال بعـد از انقضای عـده و گذشـتن مـدت، سه ماه متعه، آیا زوجه می توانـد با مرد دیگری ازدواج کنـد یا نیاز به عده دیگری دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه متعه را به قصد رجوع به زوجیت انجام ندهد، بلکه به قصد انشاء زوجیت موقته

باشد، متعه باطل است، چون مطلقه رجعیه در حکم زوجه است و زوجه را نمی توان متعه نمود، بنابراین همان انقضاء عده اولی در ازدواج اوبا مرد دیگر کافی است، و اگر به قصد رجوع باشد، احتمالا رجوع نیست باز هم انقضاء عده اولی کافی است و احتمالا رجوع محقق می شود بنابراین انقضاء عده کافی نیست، پس رعایت احتیاط حسن است.

س ۳۵۰: اگر در حال عده طلاق بائن، زن در مهرش رجوع نکند آیا زوج می تواند با دادن یک مهری که رضایت زوجه را جلب کند او را به عقد دائم یا موقت خویش درآورد؟

ج : هو العالم؛ بلی می تواند چون عده برای غیر زوج است.

«احکام سر بریدن حیوان»

س ۳۵۱: در سر بریدن حیوان اگر رگها به تدریج بریده شودو سر اتفاقاً قطع شود آیا حیوان حلال می شود؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد و به نظر ما اگر سر عمداً هم قطع شود مکروه است و حرام نیست و موجب حرمت گوشت حیوان هم نیست.

س ۳۵۲: اگر نصف سر حیوان بریده شود در صورتی که هنوز جان دارد، آیا می توان آن را تذکیه کرد یا نه؟

ج : هو العالم؛ بلی می توان تذکیه نمود.

س ۳۵۳: شخصی مرغی را سر می برد و بعد متوجه می شود که حلقوم بر روی بدن مانده است و سر از بدن مرغ جدا شده است، پس آن شخص دوباره حلقوم را می برد، حکم این مسئله چگونه است؟

ج : هو العالم؛ اگر تا سر مرغ جدا نشده باشد و روح در بدن است، حلقوم را ببرد حلال می شود، اما در صورت جدا

شدن سر و نبودن روح در بدن حلال نمی شود، و چنانچه روح دارد احتیاط مستحسن است. والله العالم.

س ۳۵۴: اگر حیوان حلال گوشت خمر بخورد و سپس آن سر را ببرند آیا جایز است روده ها و دل و کبد آن را بخورند یا نه.

ج : هو العالم؛ چنانچه زیاد بخورد و مست شود و در حال مستی ذبح شود، خوردن آنچه در شکم آن است حرام است، و الا آنها را آب بکشند و خوردن آنها جایز است.

«احکام خوردن و آشامیدن»

س ۳۵۵: اگر حیوان حلال گوشت تذکیه کامل شرعی نشد، آیا نجس می شود؟ در صورتی که آن گوشت را برای خورشت طبخ کنند، خوردن آن خورشت بدون گوشت چگونه است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه شرایط لازمه ذبح رعایت نشده باشد نجس می شود و خوردن آن خورشت هم جایز نیست.

س ۳۵۶: اگر کسی شیر همسر خود را بخورد چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۳۵۷: خوردن خون، فضله و حدقه چشم ماهی حلال گوشت چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ حلال نیست.

س ۳۵۸: کدام قسمت از بدن ماهی خوردنش جایز نیست؟

ج : هو العالم؛ چون معلوم نیست که محرمات ذبیحه که پانزده چیز است غیر از خون و مدفوع در ماهی باشد و بر فرض آنکه بوده باشد خیلی ریز است و در طبخ مستهلک در ضمن بقیه اجزاءمی شود لذا غیر آن دو مورد در صورت عدم استهلاک، چیز حرامی نیست.

س ۳۵۹: آیا استفاده از میوه ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی جایز است؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که خطر جانی نداشته باشد

و احتمال عقلائی هم به توجه خطر نباشد، جائز است.

س ۳۶۰: در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد، چون ژن حیوان حرام گوشت با انتقال به گیاه استحاله می شود و حرمت آن از بین می رود.

«احکام لباس پوشیدن»

«نوع پوشش»

س ۳۶۱: استعمال طلای سفید (پلاتین) برای مردان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

س ۳۶۲: استفاده از کراوات و پاپیون برای زیبایی ظاهر که بعضاً در جامعه دیده می شود چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

«لباس شهرت»

س ۳۶۳: لطفاً بفرمایید پوشیدن لباس هایی که آرم دار هستند یا تصاویر خوانندگان یا شکل و شمایل آنها یا بازیگران، چه غربی و چه ایرانی بر روی آنها وجود دارد اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم; در صورتی که عنوان محرمی بر آن منطبق نشود اگر چه لباس شهرت بشود اشکال ندارد.

س ۳۶۴: اگر بر لباس شمایل آلات موسیقی یا حیوانات باشد پوشیدن آن چطور است؟ حرام است یا نه؟

ج : هو العالم; حرام نیست.

س ۳۶۵: لطفاً لباس شهرت را تعریف نمایید؟

ج : هو العالم; لباس شهرت آن لباسی است که کاشف از نقص عقل پوشنده باشد و یا اینکه عنوان محرمی بر آن منطبق شود مثلا به حدی نازک باشد که ساتر عورت نباشد.

«تشبه به کفار»

س ۳۶۶: پوشیدن لباس های کفار، یهود، غربی ها اگر به قصد تشبه به آنها نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد، فعلا ظاهراً که لباس مختص به غیر مسلم نداریم همه در لباس یکسان هستند.

س ۳۶۷: اخیراً در میان برخی از جوانان بعضـی از مدل مو و پوشیدن لباس هایی به صورت مد در آمده است که از کشورهای اروپـایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد، نظر به این که پوشـیدن این لباس ها و انجام اینگونه آرایش ها، عرفاً از مصادیق تشـبه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج : هو العالم; حلال است و تشبه به کفار شامل این امور نیست.

س ۳۶۸: انجام بعضی از آداب یهود و کفار، اگر به قصد تشبه به آنها نباشد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد.

«ریش تراشی»

س ۳۶۹: تراشیدن ریش با تیغ و ماشین شبیه تیغ چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; حرام است.

س ۳۷۰: آیا تیغ انداختن قسمتی از صورت که به حق النساء «گونه» معروف است اشکال دارد؟

ج : هو العالم; بلی! اشکال دارد، یعنی حرام است.

س ۳۷۱: لطفاً دلیلی محکم و مستند در صورتی که ریش تراشی را حرام می دانید بیان نمایید؟

ج : هو العالم; دلیل آن روایات است به کتب اخبار رجوع کنید.

س ۳۷۲: اگر دو طرف محاسن صورت را بتراشـد و محاسن چانه را باقی بگـذارد آیا حلق لحیه صـدق می کنـد؟ و چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; تراشیدن ریش ولو مختصر آن جایز نیست. و ریش بر موی دو طرف صورت صدق می کند پس جایز نیست.

س

۳۷۳: آیا گذاشتن مدل های مختلف ریش همانند ریش پرفسوری، نوک مدادی وغیر آن، اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛اگر مستلزم تراشیدن مقداری از ریش نباشد اشکال ندارد و الا حرام است.

س ۳۷۴: زدن موهای صورت که به صورت پراکنده یا غیر پراکنده در صورت در می آید اشکال دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مادامی که صدق لحیه نکند اشکال ندارد.

س ۳۷۵: تراشیدن قسمت هایی از ریش به اصطلاح غربی ها پرفسوری یا طرز دیگر آن مثل ستاری چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ تراشیدن ریش ولو بعض آن جائز نیست و

حرام است.

«احکام لهو و لعب»

س ۳۷۶: حضرتعالی لهو را چگونه تعریف می کنید؟

ج : هو العالم؛ مشغول بودن نفس به لذائذ شهویه بدون قصد و غرض عقلائی، که البته احتیاج به تفصیل دارد.

س ۳۷۷: لطفاً بفرمایید لهو و طرب چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ لهو و طرب به این عنوان حرام نیست.

«لغو»

س ۳۷۸: حضرتعالی لغو را چگونه معنا می کنید؟

ج : هو العالم؛ اللغو هو الفعل الخالی عن الغایه( ) و اگر تالی فاسدی از قبیل هتك حرمت مردم مثل سخریه نمودن مؤمن مترتب بر آن نشود حرام نیست.

س ۳۷۹: با توجه به اینکه قرآن کریم در وصف مؤمنین می فرماید: «والذین هم عن اللغو معرضون» ( ) آیا سوت کشیدن و کف زدن لغو محسوب می شوند؟

ج : هو العالم؛ اللغو هو الفعل الخالی عن الغایه، پس شامل کف زدن نمی شود. به علاوه آیه اطلاق ندارد که بر حرمت جمیع افراد دلالت کند، قدر متیقن آن غنا است، به علاوه آیه دلالت بر رجحان اجتناب از لغو دارد نه لزوم، به علاوه آیه دلالت دارد بر رحجان مرور به لغو مرور الکرام، و به عبارت دیگر آیه در مقام بیان آنچه که مترتب بر اعراض از لغو است می باشد.

«رقص»

س ۳۸۰: رقصیدن در مجلس عید الزهرا و ولادت اهل بیت حرام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ رقصیدن مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جائز نیست.

تذکر: در انتهای این کتاب رساله ای استدلالی در حکم رقص نوشته شده است، مراجعه فرمایید.

«کف زدن»

س ۳۸۱: کف زدن اگر از روی شدت فرح و سرور باشد که در لغت عرب به آن «بَطَر» می گویند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه کف زدن توأم با حرکات دیگر لهو و لعبی نباشد، جائز است.

س ۳۸۲: کف زدن در مجالس، اعم از مجالس جشن عروسی یا جشن میلاد ائمه اطهار (ع)، توسط طلاب علوم دینی و روحانیون چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛کف زدن بدون ضم کارهای دیگر فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به نحوی باشد که توأم با کارهای خلاف دیگر و یا توهین به روحانیت باشد جائز نیست و فرقی بین روحانی و غیر روحانی نیست.

س ۳۸۳: دست زدن در مجلس عید الزهرا و میلاد اهل بیت و مجلس عروسی چه حکمی دارد؟ هر یک را توضیح بفرمایید؟

ج : هوالعالم؛اگرتوأم باکارهای خلاف دیگرنباشد،اشکال ندارد.

س ۳۸۴: بر فرض این که کف زدن به حد لهو نرسد و با امور حرام دیگر هم همراه نباشد، سؤال این است که آیا نفس این عمل و انجام این نوع حرکات در موالید ائمه (ع) در شأن انسان شیعه است؟ آیا این کارها و حرکات برای شیعه سبک نیست و او را از وقار نمی اندازد؟ و نسبت به مقام حضرات معصومین (ع) اهانت نیست؟

ج : هو العالم؛ کف زدن بدون منضمات از مصادیق «یفرحون لفرحنا»(

) است و هیچ اشکالی ندارد و باین عنوان سبک نیست.

س ۳۸۵: خلاصه نظر مبارک را صریحا در موارد ذیل بیان فرمایید ولو تکراری باشد.

۱ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت (ع)؟

ج : هو العالم; فی نفسه اشکال ندارد.

۲ کف زدن در جشنها و شادیها؟

ج : هو العالم; بی اشکال است.

۳ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت (ع) در مسجد؟

ج : هو العالم; کار خلافی نیست.

۴ کف زدن در اعیاد مربوط به اهل بیت علیهم السلام در غیر مسجد مثل حسینیه ها، هیأت ها و منازل ؟

ج : هو العالم; به شرط عدم انضمام کارهای لهو دیگر عیب ندارد.

۵ بفرمایید که حضور طلبه در اماکن کف زنی صحیح است یا خیر؟

ج : هو العالم; در صورت عدم انضمام کارهای خلاف

صحیح است.

س ۳۸۶: با عنایت به این که قرآن کریم در وصف مؤمنین می فرماید «والذین هم عن اللغو معرضون»( ) آیا کف زدن «لغو» شمرده می شود؟

ج : هو العالم; خیر، لغو عبارت است از کاری که بدون غرض انجام می شود.

«دف زدن»

س ۳۸۷: دف زدن در مجالس عید الزهرا و میلاد اهل بیت (ع) حرام است یا خیر؟

ج : هو العالم; دف زدن جایز نیست.

«غنا و موسیقی»

س ۳۸۸: آیا موسیقی حرام است؟

ج : هو العالم؛ بلی موسیقی مطرب حرام است.

س ۳۸۹: گوش دادن به موسیقی هایی که شبیه موسیقی غربی است و از صدا و سیمای ایران پخش می شود چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ حرام است و پخش از صدا و سیمای ایران موجب جواز نمی شود.

س ۳۹۰: ۱ لطفاً بفرمایید که موسیقی غنا

و طرب آور که حرام است چیست؟

ج : هو العالم؛ موسیقی محرم عبارت است از صوت لهوی که فی نفسه موجب خفت می شود و حالت رقص پیدا می شود .

۲ بفرمایید آیا شنیدن موسیقی خاصی اشکال دارد، و یا اسلام به طور کلی موسیقی را رد می کند و حرام می داند؟

ج : هو العالم؛ اسلام به طور کلی موسیقی مطرب را که فعلا در اذهان موسیقی، آن است حرام می داند.

س ۳۹۱: گوش دادن به موسیقی های سنتی که فاقد لهو و لعب است چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ موسیقی سنتی و غیر سنتی فرق ندارد، گوش دادن به موسیقی مطرب حرام است.

س ۳۹۲: آیا در اسلام چیزی به نام موسیقی عرفانی وجود دارد که شرعاً مجاز باشد؟

ج : هو العالم؛ موسیقی مطلقاً حرام است عرفانی و غیر عرفانی فرق ندارد.

س ۳۹۳: وزارت ارشاد مجوز تشکیل هر نوع کلاسهای موسیقی را صادر کرده است و جوانان به دلیل این که وزارت ارشاد اجازه داده، پس حتماً قانونی و شرعی است، در این گونه کلاس ها شرکت می کنند، نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ اجازه وزارت ارشاد حرام را جائز نمی نماید.

س ۳۹۴: لطفاً بفرمایید که حکم شنیدن سرودهایی که از صدا و سیما پخش می شود یا نوارهای کاست موجود آنها با مجوز وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، چیست؟

ج : هو العالم؛ مجوز وزارت ارشاد حرام را حلال نمی کند.

س ۳۹۵: برخی از آقایان مراجع می فرمایند موسیقی حرام است، لطفاً دلیل آن را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ من موسیقی را حرام می دانم و در

کتاب فقه الصادق دلیل آن را مفصلا نوشته ام.

س ۳۹۶: اکثر موسیقی ها مطرب است حال چه دارای مجوز باشد یا نباشد، حکم شنیدن آنها چیست؟

ج : هو العالم؛ حرام است.

«احکام نمایش و فیلم»

«بازیگری و هنرپیشگی»

س ۳۹۷: در صورتی که نمایش زندگی و چهره معصومین (ع) در فیلم مستلزم هیچ گونه اهانتی به مقام مقدس آن حضرات نباشد و مردم را به تأسی و الگو پذیری از روش ها، منش ها و اخلاقیات آن بزرگواران ترغیب نماید بفرمایید:

بازی هنرپیشگان در نقش معصومین (ع) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چون معصومین (ع) مجسمه روحانیت و معنویت می باشند و بازی هنر پیشگان نمی تواند کاشف از مقام آنان باشد، جایز نیست.

س ۳۹۸: نشان دادن چهره هنرپیشه به جای چهره معصوم (ع) و نمایش حرکات و سکنات معصوم مثل راه رفتن، نشستن، برخاستن، و غذا خوردن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ چون نشان داده نمی شود، جائز نیست.

س ۳۹۹: آیا می توان به منظور آب و تاب دادن و جذابیت بخشیدن به داستان، سخنانی را که از معصومی(ع) صادر شده، از زبان معصوم(ع) دیگر بیان کرد؟

ج : هو العالم؛ چون دروغ است، جایز نیست.

س ۴۰۰: آیا می توان برای به تصویر کشیدن مواضع فکری معصوم(ع)، واقعیتی را به تصویر کشید که اتفاق نیفتاده، مثلا می دانیم که همه معصومین(ع) در مقابل ستمگران محکم و استوار بوده اند، حال اگر فرض کنیم در زندگی یکی از معصومین اتفاقی نیفتاده که آن حضرت در مقابل ستمگری ایستادگی کند، یا تاریخ آن را برای ما نقل نکرده باشد، آیا می توان داستانی را ساخت و تصویر

کرد تا روحیه ظلم ستیزی معصوم(ع) نمایش داده شود.

ج : هو العالم; نمی شود و شرعاً حرام است.

س ۴۰۱: به منظور تنبیه و توجه تماشاچی به نتیجه اعمال، آیا می توان صحنه های روز قیامت را به تصویر کشید و از آنجا که نمایش این صحنه مستلزم نمایش چهره فرشتگان رحمت و عذاب است، بازی هنرپیشگان در نقش فرشتگان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; چنانچه به آن نحوی باشد که با سند صحیح رسیده است، جایز است و الا جایز نیست.

س ۴۰۲: نگاه کردن به فیلم زنان بی حجاب چه حکمی دارد و آیا در این مسأله بین مسلمان و کافر و بین فیلم مستقیم و غیر مستقیم تفاوتی هست؟

ج : هو العالم; نگاه کردن به فیلم زن بی حجاب مسلمان جایز نیست و غیر مسلمان به مقداری که به خود زن کافر می شود نگاه کرد جایز است.

س ۴۰۳: آیا زن می تواند با کلاه گیس به طوری که موهای خودش کاملا پوشیده باشد نقش زنان بی حجاب را بازی کند؟ و آیا در این مسأله بین موی انسان، و موی حیوان و موی مصنوعی تفاوتی هست؟

ج : هو العالم; اشکال ندارد، و فرقی بین اقسامی که اشاره شده نیست، البته جواز آن در صورتی است که موجب اغواء دیگران و وهن محرمات نباشد و الا جایز نیست.

س ۴۰۴: در صورتی که زنان غیر مسلمان بدون مراعات حجاب اسلامی به ایفای نقش بپردازند لطفاً بفرمایید:

نگاه کردن عوامل تولید به این زنان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; به مقداری که غیر عوامل تولید می توانند نگاه کنند، اشکال ندارد.

س ۴۰۵: نگاه کردن تماشاچیان به فیلم آنها چه

حکمی دارد؟

ج : هو العالم; فرقی بین تماشاچیان و عوامل تولید نیست.

س ۴۰۶: رعایت حجاب برای دختران نابالغ درفیلموغیرفیلم تاچه حدلازم است؟

ج : هو العالم; حد ندارد، بلی! به عورت آنها نمی شود نگاه کرد.

س ۴۰۷: در صورت جواز تا چه حدی از بدن ایشان را می توان نمایش داد، آیا جواز منحصر به موی سر است یا شامل سایر اعضای بدن مثل پا و دست و بازو نیز می شود؟ و در صورت دوم آیا عورتین را نیز شامل می شود یا خیر؟

ج : هو العالم; به مقداری که کشف آن در زمان سابق متعارف بوده است مانند گردن و مقداری از سینه و مانند آنها جایز است، و به عورتین آنها جایز نیست، و بنابر احتیاط لزومی به بقیه اعضاء نگاه نکنند.

س ۴۰۸: لمس کردن دختران نابالغی که در نقش زنان بالغ بازی می کنند برای مردان نامحرم، و لمس پسران نابالغی که در نقش مردان بالغ بازی می کنند برای زنان نامحرم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم;لمس مرد نامحرم، دختر غیر بالغ را در صورتی که در معرض ثوران شهوت باشد، جایز نیست و الا جایز است. و همچنین لمس پسران نابالغ زنهای نامحرم را.

س ۴۰۹: آیا زن و مرد محرم مثل زن و شوهر می توانند در فیلم، همدیگر را لمس کنند، ببوسند یا در آغوش بگیرند؟ آیا حکم این مسأله در صورتی که زن و مرد محرم، نقش دو محرم یا دو نامحرم را بازی کنند متفاوت است؟ دیدن این گونه روابط برای بیننده فیلم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم;در صورتی که موجب

تهیج شهوت نشود، جایز است. مگر آنکه اشاعه فحشاء شود و یا سبب بی اهمیت جلوه دادن محرمات گردد که در این دو صورت جائز نیست.

س ۴۱۰: ساختن فیلم در ارتباط با آموزش مسائل جنسی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۱۱: بازی کردن مرد در نقش زن و زن در نقش مرد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۴۱۲: نمایش زنان بی حجاب با هنر پیشه های مصنوعی (نقاشی متحرک و تصاویر کامپیوتری) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ فی نفسه اشکال ندارد مگر آنکه موجب ثوران شهوت. یا موجب استخفاف به محرمات گردد.

س ۴۱۳: ۱ مونتاژ بدن برهنه زنان کافر با چهره هنرپیشه های مسلمان به وسیله کامپیوتر به طوری که خیال شود همان زن است که برهنه شده چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

۲ و اگر به جای بدن زن کافر با تصاویر کامپیوتری مونتاژ شود چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۱۴: به تصویر کشیدن تخیلات و داستان هایی که دستمایه آنها تخیل و اوهام می باشد، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۱۵: ساخت فیلم های ترسناک برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ فی نفسه اشکال ندارد.

س ۴۱۶: نمایش صحنه های ترسناک یا صحنه های فجیح کشتار و شکنجه در فیلم به عنوان بخشی از داستان و ماجرای یک فیلم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ فی نفسه بی مانع است.

س ۴۱۷: نمایش رقص بر فرض این که اصل رقص را حرام بدانیم یا در خصوص موارد حرام، در فیلم چه حکمی دارد؟ و آیا

بین رقص های آیینی و غیر آیینی تفاوتی هست؟

ج : هو العالم؛ اشکال دارد. و فرقی بین آیینی و غیر آیینی نیست.

س ۴۱۸: نمایش محرمات بدون این که در واقع حرامی انجام شود، مثل نمایش شرب خمر به وسیله آب، یا نمایش قمار بدون شرط بندی و قصد بازی، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که موجب موهون شدن محرم شود، مانند اشاعه فحشا شود، جائز نیست.

س ۴۱۹: نمایش مجامعت حیوانات در فیلم های مستند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اگر موجب ثوران شهوت نشود جایز است.

س ۴۲۰: گوش دادن به صدای زن خواننده برای مردان چه حکمی دارد (در صورتی که آواز از باب غنایی حرام نباشد)، مونتاژ این گونه تصنیفات بر روی فیلم یا تصویر خود خواننده چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ گوش دادن به شرط آنکه موجب ثوران شهوت نشود جایز است و همچنین مونتاژ آن.

«تلویزیون»

س ۴۲۱: لطفاً بفرمایید که حکم دیدن برنامه های صدا و سیما در مواردی که بی حجابی یا بدحجابی دارد، و یا اختلاط زن و مرد یا پسر و دختر می باشد، چیست؟ در صورتی که در بیننده تغییر پیدا شود یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست مطلقاً.

«ماهواره»

س ۴۲۲: نگاه کردن به برنامه های ماهواره ای کلا (چه خوب و چه بد) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ برنامه های خلاف شرع آن از قبیل موسیقی، دیدن بدن لخت زنان و از این قبیل امور، حرام است.

«سی دی»

س ۴۲۳: در صورتی که کسی شرط کند که این نوار سی دی کامپیوتر دارای قفل است و تا مقداری از آن را می توان ببیند، لکن بعد از آن نباید قفل را بشکنند چون امتیاز او به این قفل است، و اگر شکسته شود از بین می رود، حال اگر این شرط مراعات نشد و گیرنده سی دی قفل را شکست، آیا حرام است یا نه؟ بعد از شکستن او آیا دیگران می توانند استفاده کنند یانه؟ و آیا ضمان دارد یا نه؟

ج : هو العالم; شکستن او و استفاده خود او و دیگران حرام است و ضمان هم دارد.

س ۴۲۴: در مدارسی که الزاماً فیلم های جنسی به عنوان تعلیم و تعلم مسائل آن، نشان می دهند، دیدن این فیلم ها چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; با توجه به مفاسدی که بر این فیلم ها مترتب شده و می شود یقیناً جایز نیست. اخیراً غربی ها هم در صددند که به واسطه آن مفاسد نمایش آن فیلم ها را در مدارس خودشان ممنوع کنند.

احکام بازی

«بازی های ورزشی»

س ۴۲۵: بازی های ورزشی سخت و خطرناک همانند کاراته، کون فو، تکواندو، کشتی، بوکس و غیره، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; چنانچه احتمال عقلائی در بازی مخصوص باشد که آن عمل منجر به هلاکت نفس یا فلج عضو مهمی از اعضاء بشود جایز نیست والا جایز است.

س ۴۲۶: ورزش هایی در حال حاضر وجود دارد که ضرب و شتم در آنها در حد بسیار زیادی است بطوری که در موارد بسیاری باعث جراحت، سرخ شدن، کبودی و غیره می شود،

بفرمایید این ورزش ها چه حکمی دارند؟

ج : هو العالم؛ ورزش های مشتمل بر سب و شتم و ایراد جرح بر طرف، همه اینها حرام است، و جراحات وارده نیز دیه دارد به نحوی که در کتب فقهاء مقادیر آنها ذکر شده است.

س ۴۲۷: ورزش یا بازی با حیوانات که در بسیاری از موارد در حد فجیع باعث کشته شدن حیوانات می شود، مثلا ورزش بُزکشی، ورزشی است که در آن سوارکارانی با اسب به دنبال حیوان زنده (مثل بز) می روند وآن را گرفته در صدد انداختن در یک نقطه خاص هستند و این عمل به صورتی است که در بسیاری از موارد حیوان جان می سپارد، بفرمایید این بازی ها چه حکمی دارند؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما این نوع ورزش ها که موجب ایذاء حیوانات می شود، جایز نیست.

«بازی های قماری»

س ۴۲۸: بفرمایید آیا بازی بیلیارد حرام است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه با برد و باخت باشد، بلی! حرام است.

س ۴۲۹: آیا به نظر حضرتعالی شطرنج از آلت قمار خارج شده است؟

ج : هو العالم؛ خیر، بازی با شطرنج ولو بدون برد و باخت از محرمات اکیده استولوازآلت قمارهم خارج شود،که نشده است.

س ۴۳۰: آیا بازی های کاغذی مانند اسم فامیل، منچ، شطرنج، دوز و غیره حرام است یا نه؟

ج : هو العالم؛ با برد و باخت حرام است، و بدون برد و باخت بازی با بعضی از آنچه ذکر شده است مانند شطرنج حرام است و در موارد دیگر جایز است.

س ۴۳۱: این که در رساله های عملیه چنین نوشته شده است:

«در صورتی که بازی یا ورزشی از

آلات قمار بودن خارج شده باشد اشکال ندارد» سؤال اینجانب این است که: ملاک خروج از آلات قمار بودن چیست؟

۱ آیا ملاک همه مردم دنیا هستند یا اکثریت آنها؟

۲ آیا ملاک همه مردم مسلمان هستند یا اکثریت آنها؟

و نیز سؤال این است که: آیا نباید احدی در این دنیا با این آلات، قمار کند؟

ج : هو العالم؛ قمار محرم عبارت است از لعب به هر چیزی که معد برای برد وباخت است، و یا برای این کار معد نیست، لکن با برد و باخت بازی شود. و اما اگر بدون برد و باخت بازی کنند که از آن در اصطلاح به مغالبه بغیر عوض و مسابقه بغیر رهان تعبیر می شود. این مغالبه چند مورد دارد:

۱ مغالبه به آلات غیر معد بر قمار؛ این عمل در بعضی موارد مستحب است همانند موارد سبق و رمایه و در بقیه موارد فی حد نفسه جایز است، اگر عنوان اضرار به نفس یا غیر بر آن صادق نباشد. اگر عنوان اضرار بر آن منطبق شود حکم آن بدین گونه مترتب می شود، که به نظر ما اگر اضرار به نفس به نحو هلاکت و یا فلج شدن عضوی باشد، حرام است و الا حرام نیست. و اما اضرار به غیر اگر ابتدایی باشد حرام است، و اگر در مقابل اضرار شخص به حد مماثل آن به او باشد اشکال ندارد، مثل کسی به شما سیلی بزند شما حق دارید به همان گونه که او سیلی زده است، سیلی بزنید.

۲ مغالبه با آلت معد بر قمار باشد بعضی از موارد آن مانند شطرنج و همچنین نرد به مقتضای

روایات کثیره حرام است.

و در بقیه موارد جماعتی از فقهاء به حرمت فتوی داده انـد مادامی که صدق آلت قمار بکند. اما به نظر ما اگر عنوان محرمی بر آن لعب و بازی صدق نکند، حرام نیست.

س ۴۳۲: آیا برد وباختی که موجب حرمت انواع بازی ها می شود تنها به گرفتن و دادن مبلغی پول و...محقق می شود؟

و آیا بازی هایی که هیچ فایده ای بر آنها نیست و ثمره ای جز تضییع اوقات و اتلاف نیروها ندارند و بعضاً باعث ایجاد بغض و عداوت که مقصود اصـلی شـیطان است می شود و صـرفاً جهت برد وباخت انجام می شود ولو پولی مبادله نشود آیا محکوم به حلیت اند؟ و آنگاه مفهوم مسأله ای که مرحوم شیخ در مکاسب می فرماید: «اگر بازی های بیهوده و بی فایده موجب شادی و غفلت مفرطی شود که انسان را از خدا بی خبر و لا ابالی سازد حکم قمار را دارد»، چیست؟

ج : هو العـالم; بـازی هـای بـدون برد وبـاخت بـا آلات، حرام نیست و جواب فرمایشات شـیخ اعظم را در کتاب فقه الصادق و منهاج الفقاهه نوشته ام، بلی در خصوص بازی با شطرنج بدون برد و باخت هم حرام است.

«احکام زمین ها»

س ۴۳۳: زمین های ایران جزو مفتوحه عنوه است یا انفال؟ و آیا دارای احکام شرعی خاصی می باشد؟

ج : هو العالم; مفتوحه عنوه بودن معلوم نیست، به هر حال حکم آنرا ندارد. و انفال هم اولا مختص به اراضی موات است وثانیا به شیعه در تملك به احیاء بلا عوض اجازه داده شده، بنابراین حکم خاصی ندارد.

س ۴۳۴: آیا زکاه

همان خراج و مقاسمه ای است که به امام (ع) باید بابت زمین های مفتوحه عنوه داده شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، زکات غیر خراج و مقاسمه است.

س ۴۳۵: چراگاهی (قطعه زمینی) بین دو قریه از قدیم الایام مشترک بوده و هست و نیز در کاغذهای دولتی هم بنام هر دو قریه می باشد.وچراندن گوسفندان، آوردن چوب سوختنی و بردن گاوها در تابستان به آنجا به صورت مشترک صورت می گرفته است. اکنون با توجه به موارد ذکر شده فوق لطفاً بفرمایید:

آیا اهالی یک قریه می توانند دیگری را از آوردن چوب و چرانیدن گاوها و گوسفندان منع کنند؟

ج : هو العالم؛ خیر نمی توانند.

س ۴۳۶: در فرض نزاع آیا بعضی از افراد اهل قریه می توانند بدون اجازه همه اهل قریه از حقشان دست بردارند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۴۳۷: اگر طرفین در حین نزاع به عالم آن منطقه رجوع کنند. آیا آن عالم حق دارد یکی را مجبور به دست برداشتن از حقشان کند؟ یا خیر؟

ج : هو العالم؛ می تواند تقاضاکند،ولی مجبورنمی تواندبنماید.

س ۴۳۸: اگر عالمی بدون ثابت شدن حق یکی، علی الاعلان طرف مقابل را حمایت کند. دراین صورت آیا عدالتش باقی می ماند یا نه؟ نماز خواندن پشت سر آنها جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه احتمال بدهید که بر آن عالم ثابت شده است، این عمل موجب سلب عدالت نمی شود.

س ۴۳۹: اگر حیوانی را بکشند، قیمت آن را ضامن می شوند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی ضامن می شوند.

س ۴۴۰: به علت نزدیک بودن چراگاه ها، اگر حیوانات در چراگاه

های یکدیگر بروند در این فرض کشتن و اذیت کردن حیوانات جایز است یاخیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۴۱: آیا اهل قریه یا چراگاه یا مالک راه را می توانند از آمدن حیوانات به ملکشان ببندند و یا دیوار بزنند؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۴۲: چراگاهی در دفاتر دولت بنام یک قریه مخصوص می باشد و در تصرف آن قریه است. قریه دیگری در مقابل آن چراگاه و آن طرف رودخانه است. فقط در زمستان که رودخانه کم آب می شود برای عبور پل چوبی به رودخانه می زنند حالا ـ گروهی از آن قریه دعوی می کنند که، ما قبلا چون وقت خریف گوسفندان می چرانیدیم پس چراگاه مال ماست. آیا اهالی آن قریه چنین حقی را دارند یا خیر؟

ج : هو العالم؛ خیر ندارند.

س ۴۴۳: پل زدن در زمستان برای عبور مردم، حق کلی را ثابت می کند یا خیر؟

ج:هوالعالم؛پل زدن فی نفسه اشکال ندارد.ولی حقی ایجادنمی کند.

س ۴۴۴: با وجود عدم رضایت مالکین چراگاه، پل زدن روی رودخانه جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از سابق چنین بوده، جایز است.

س ۴۴۵: بر فرض گفته آنان، چرانیدن و چوب بردن در غیر وقت مخصوص جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۴۴۶: تقسیم بندی دولت و در دفتر آنان به نام یک قریه بودن اثری در حکم شرعی دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی دارد.

«احکام وقف»

س ۴۴۷: شخصی یک میلیون تومان را وقف می کند که درآمد آن از راه مضاربه به مصرف مسجد برسد:

۱ آیا این وقف صحیح است؟ اگر وقف نباشد

انصراف به چه معامله ای دارد؟

۲ آیا وصیت حساب می شود؟

۳ برفرض صحت، اگر پول مزبور درآمد نداشت تکلیف چیست؟

ج : هو العالم؛ در وقف شرط است که مال موقوفه تبدیل نشود، پس وقف پول به عنوان ذکر شده، باطل است. و وصیت هم حساب نمی شود و اگر هم وصیت باشد چون کار شرعی مورد وصیت نیست، در صورت نداشتن درآمد قهراً باطل است و بنابراین مال ورثه است.

س ۴۴۸: زمینی است که برای امور خیریه وقف شده. و حال به خاطر خشکسالی و کم آبی و بعضی مسائل دیگر، هیچ کس حاضر نیست این زمین وقفی را احیاء نماید، در نتیجه بعد از چند سال این زمین از بین می رود. آیا مجاز هستیم این زمین را بفروشیم و وجه آن را صرف امور خیریه بنماییم؟

ج : هو العالم؛ جایز است به فروش برسانید. چون موقوفه از حیز انتفاع افتاده است.

س ۴۴۹: ظروفی هستند که وقف عمومی محل شده، حال تبدیل به احسن کردن این ظروف و ظروف کهنه شده دیگر چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۵۰: به عرض حضرتعالی می رساند شخصی در یک روستا باغ مشجری را وقف کرده که عاید آن را هر سال در مسجد محل خرج نمایند و آن باغ وصل به همان مسجد است. و از طرفی، آن روستا غسالخانه ندارد آیا می شود در زمین آن باغ غسالخانه ساخت یا نه؟

ج : هو العالم؛ چنانچه غسالخانه مضر به عایدی آن باغ باشد، ساختن آن جایز نیست، ولی اگر مضر نباشد ولو به اینکه مبلغی را از اولیاء اموات برای مصرف در

مسجد بگیرند، در این صورت اشکال ندارد مگر آن که در آن وقف نامه تصریح شده باشد که باید درخت کاشته و از عایدی خصوص درخت کاری صرف مسجد شود که در این صورت مطلقاً جایز نیست.

س ۴۵۱: قطعه زمینی موقوفه به حدود هزار متر است، که به بهای بسیار ناچیز اجاره داده شده است. و وجه الاجاره آن توسط متولی، صرف روضه خوانی حضرت خامس آل عبا (ع) می شود. وضعیت موقوفات در بعضی از شهرها این گونه است که ثلث قیمت رقبه آن را اداره اوقاف از مشتری می گیرد و مابقی آن را به خود مشتری اجاره می دهد. اما موقوفه مشارالیها چنین موقعیتی ندارد.

از طرفی، اداره برق در نظر دارد در آن زمین دکل تقویت و توزیع برق نصب نماید، با توجه به مطالب فوق، فروختن مقداری لازم از این موقوفه و صرف وجه آن در روضه خوانی یا احداث بناء در باقیمانده زمین، به صورتی که این عمل موجب افزایش اجاره بها هم خواهد شد، چگونه است؟ لطفاً به طور مشروح نظر مبارک را بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه ممکن است اجاره طویل المدت به اداره برق بدهید و پول تمام مدت را جلو بگیرید، و اگر ممکن نیست اجازه می دهم بفروشید و پول آن را به همان مصرفی که معین شده است برسانید و اگر معلوم نیست به چه مصرف باید برسد در مطلق وجوه بِرّ صرف شود و بهتر این است که به همان روضه و احداث بناء در باقی مانده زمین اختصاص یابد.

س ۴۵۲: آیا شخصی که ملکی را وقف می کند باید وقف نامه

جداگانه داشته باشدکه در آن نوشته باشد که در حال حیات عمل به وقف نموده است یا عمل به وقف در حال حیات شرط نیست همین که در وصیت نامه نوشته است که وقف بر امام حسین (ع) کردم کافی است؟

ج : هو العالم؛ همان که در حال حیات وقف کند ولو چیزی ننویسد وقف صحیح است و عمل به آن هم شرط نیست.

س ۴۵۳: شخصی از دنیا رفته است که اولادی ندارد و ورثه او عیال ومادرش می باشند. متوفی در زمان حیات یک باب خانه برای عیالش خریده وسند آن را به نام او زده است و یک خانه دیگر نیز داشته که در آن زندگی می کردند. شخص متوفی وصیت نامه ای با خط و امضای خودش دارد که دو نفر را وصی خود قرار داده و دو نفر را هم ناظر تعیین نموده و در آن وصیت نامه نوشته است که این خانه مسکونی خود را وقف بر امام حسین (ع) قرار دادم که بعد از فوتم وصی های من آن را بفروشند و پولش را در هر سال در عزاداری ابا عبدالله الحسین و سایر ائمه اطهار (ع) خرج بنمایند، اینک در این موضوع چند سؤال داریم، از جنابعالی تقاضا می شود جواب آن را مرقوم بفرمایید.

آیا این وقف صحیح است یا نه؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در زمان حیات وقف نموده و شرط نموده که وصی بعد از موت او بفروشد و صرف نماید هم وقف صحیح است و هم شرط.

س ۴۵۴: آیا وصیت به مازاد بر ثلث نافذ است یا نه؟

ج : هو العالم؛ وصیت زاید بر ثلث نافذ نیست، ولی آن

نحو که در سؤال نوشته شده وصیت به وقف نیست. بلکه در حال حیاه خودش وقف نموده و وصیت کرده است آن را بعد از مردن خودش بفروشند، بنابراین هیچ مانعی از عمل به وصیت نیست. بعد بفروشند و صرف در عزاداری کنند.

س ۴۵۵: بر فرض صحیح بودن وقف منزل آیا باید همان را باقی گذاشت و در آمد اجاره آن را صرف در عزاداری نمود یا به همان نحو که در وصیت نامه است، وصی ها موظفند بفروشند و پولش را در عزاداری خرج نمایند؟

ج : هو العالم؛ با فرض آن که در وقف شرط کرده وصی بفروشد، باقی گذاشتن ملك وجهی ندارد. باید بفروشند و صرف عزاداری بنمایند.

س ۴۵۶: اگر فروش خانه درست باشد آیا تمام پول خانه را صرف در عزاداری بنمایند یا ثلث پول آن را؟

ج : هو العالم؛ باید تمام پول خانه را صرف در عزاداری بنمایند بلی اگر در حال حیات وقف نکرده است و وصیت نموده، که باید ثلث قیمت را صرف در عزاداری بنمایند و بقیه را به ورثه بدهند ولی این خلاف فرض سؤال است.

س ۴۵۷: شخص مسلمانی انبار بزرگی را به مؤسسه ای به نام مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)» در شهر تورنتو کانادا واگذار می نماید به این منظور که جهت امور عبادی و اجتماعی جامعه ایرانیان مسلمان ساخته و مورد بهره برداری قرار گیرد.

در حین انجام صیغه وقف دائم، مسؤول مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)»، آقای....، مادام العمر به عنوان متولی از سوی واقف تعیین می شود. ایرانیان هم از روی اعتمادی که به مسؤول مرکز مذکور داشته و

دارند کمک های خود را در اختیار مؤسسه ایشان قرار داده وایشان شخصاً اقدام به ساختن بنایی شامل مسجد، کتابخانه، سالن اجتماعات، سالن غذاخوری، آشپزخانه، بخش آموزشی، سالن ورزشی و همچنین غسالخانه می نماید.

اینک حدود دو سال است که مورد بهره برداری قرار گرفته و مورد استقبال ایرانیان مسلمان می باشد و تاکنون افراد کثیری از ادیان و یا مرتدین را به اسلام آشنا نموده ومسلمان کرده است. با توجه به مقدمه فوق خواهشمند است نظر خود را راجع به سؤالات ذیل اعلان فرمایید: آیا نماز خواندن و عبادت در مسجد ساختمان مزبور منوط به رضایت واقف زمین می باشد و یا آنکه پس از خروج از ملکیت به دلیل وقف، تابع رضایت او نمی باشد؟

ج:هوالعالم؛نمازخواندنوعبادت منوط به رضایتواقف نیست.

س ۴۵۸: آیا جایز است ساختمان مزبور که با صرف حدود یک میلیون دلار توسط مرکز مذکور بنا شده است توسط واقف زمین (مالک پیشین) باز پس گرفته شود و یا از تصرف مرکز «ایرانی اسلامی امام علی (ع)» و مسؤولش خارج شده، و بدون رضایت مسؤول مرکز در اختیار گروه دیگر قرار گیرد؟

ج : هو العالم؛ واقف چنین اختیاری ندارد.

س ۴۵۹: آیا دخالت واقف زمین (مالک پیشین) یا نمایندگان او در ساختمان مزبور شرعاً جایز می باشد؟

ج : هو العالم؛جایز نیست، مگر آنکه آن مؤسسه در اول أمر در ضمن عقد چنین اختیاری به او داده باشند که ظاهر سؤال این است که نداده اند، پس جایز نیست.

س ۴۶۰: آیا تصرف گروه های دیگر اعم از ایرانی و غیر ایرانی در ساختمان مزبور که توسط مرکز مذکور بنا شده است، بدون اجازه مسؤول مرکز

جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; جایز نیست.

س ۴۶۱: با توجه به اهمیت و خدمات چشمگیر مرکز که یکی از موفقترین مراکز دینی در امریکا و کانادا محسوب می شود و محل وحدت مسلمانان در جهت احیای اهداف دینی و عبادی بوده است، آیا ایجاد شکاف و تفرقه بین مسلمانان از گناهان صغیره یا کبیره می باشد؟

ج : هو العالم; ایجاد شکاف و تفرقه بین مسلمانان با اعمال خلاف وظیفه شرعیه، مسلماً جایز نیست و گناه کبیره است.

س ۴۶۲: شخص نیکوکاری قصد دارد منزلش را حسینیه کند، لکن طبقه فوقانی آن را برای خود و فرزندانش نگهدارد، نحوه وقف او باید به چه نحوی باشد؟

ج : هو العالم; وقف را به همانگونه که قصد دارد اظهار می کند و طبقه فوقانی وقف نمی شود .

س ۴۶۳: در خرمشهر رسم است یک اتاق منزل را به عنوان حسینیه در نظر می گیرند آیا با اقامه عزای حسینی در آن، وقف خواهد شد و از ملکیت آنها بیرون خواهد رفت یا مثل نمازخانه در منزل خواهد بود؟

ج : هو العالم; به مجرد این جهت، وقف محقق نمی شود مگر این که قصد وقفیت بنماید ولو به عمل اظهار هم بنماید.

س ۴۶۴: زمینی موقوفه (امام حسین (ع)) است که فرزندان مرحوم واقف قصد اجاره دادن به شهرداری، فروختن آن زمین و در عوض آن، خرید زمینی که از موقعیت بهتری در شهر برخوردار است، جهت ساخت و ساز دارند که منافع در هر دو صورت جهت مصارف حسینیه و عزاداری امام حسین (ع) صرف خواهد شد. خواهشمندیم در صورت شرعیت این اعمال تصریح بر

مطلب بفرمایید و ضمناً در صورت عدم جواز شرعیت این اعمال، شهرداری اقدام به مصادره آن خواهد نمود که در این صورت جزء اموال عمومی خواهد شد که بر خلاف نظر مرحوم واقف بوده است؟

ج : هو العالم; با اطمینان به اینکه موقوفه در معرض مصادره است فروختن آن و خرید محلی دیگر برای صرف در عزاداری امام حسین (ع) و در بنای حسینیه جایز است.

«احکام مسجد و حسینیه»

س ۴۶۵: استعمال سیگار در مکانهای مقدس همانند مسجد، حسینیه، حرم ائمه اطهار (ع) و حرم امام زادگان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در صورتی که اهانت باشد جایز نیست و الا حرمت ندارد، ولی خلاف احترام است که قطعاً ترکش بهتر است.

س ۴۶۶: آیا وقایع معصومین (ع) یا وقایع کربلا و مسلم بن عقیل را می توان در مسجد نمایش داد؟

ج : هو العالم; مانعی ندارد.

س ۴۶۷: پولی از مردم مثلا جهت خرید بلند گوی مسجد جمع آوری می شود و چون همان ایام شخصی بلند گویی به مسجد هدیه می کند، نیاز به خرید آن برطرف می شود. آیا با آن پول می توان وسیله دیگری مثل فرش برای مسجد خرید؟ با توجه به اینکه به بسیاری از کسانی که اعانات از آنان جمع آوری شده دسترسی نیست تا استرضاء شود، وظیفه چیست؟

ج : هو العالم; می توان وسیله دیگری برای مسجد خرید، نهایتاً در صورت امکان احتیاطاً از پول دهنده ها اجازه گرفته شود، البته لازم نیست.

س ۴۶۸: از حضرتعالی استدعا می شود جواب شرعی سؤالات زیر را مرقوم فرمایید: آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان یک مسجد، می توان مسجد را در محل

دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ساختن مسجد در محل دیگری مانعی ندارد، ولی آن مسجد کوچک را نمی توان به آنجا منتقل نمود.

س ۴۶۹: در صورت مجاز بودن آیا تخریب مسجد جایز است یا خیر؟ در صورت بدون استفاده ماندن مسجد قبلی به علت عدم تکافوی جمعیت، چه حکمی خواهد داشت؟

ج : هو العالم؛ اگر ممکن است همان مسجد را توسعه دهند بهرحال مسجد با موقوفه های دیگر فرق دارد و قابل خروج از مسجدیت نیست ولی استفاده های دیگر می توان از آن نمود.

س ۴۷۰: در صورت تخریب مسجد به هر علتی، آیا زمین همان مسجد حکم مسجد را دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی حکم مسجد دارد ولی معلوم نیست ازاله نجاست واجب باشد و نمی شود فروخت، ولی استفاده دیگر ولو به اجاره دادن مانعی ندارد.

س ۴۷۱: آیاهیأت امناءمسجداجازه فروش زمین به منظوردفن افرادرادارندیاخیر؟

ج : هو العالم؛ نخیر ندارند.

س ۴۷۲: اگر زمین مذکور توسط فرد خیری به منظور ایجاد قبرستان وقف برای صرف در مصالح مسجد شده باشد، در این صورت فروش زمین قبرستان چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ باید به نحوی که وقف شده است عمل شود و اگر نمی شود استفاده از آن زمین نمود، می توانند با اجازه حاکم شرع بفروشند و خرج مسجد نمایند.

س ۴۷۳: به محضر مبارک می رسانیم که ما یک مسجد قدیمی به نام انصار المهدی داریم اما چندین سال است که شهرداری از نوسازی و تعمیر این مسجد جلوگیری کرده است. به همین جهت بعضی جوان ها می گویند که نماز

خواندن در این مسجد جایز نیست، شهرداری می خواهد مسجد را خراب کند و خیابان درست کند بفرمایید که فعلا وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم; نماز خواندن در آن مسجد صحیح است و تخریب بر شهرداری تا مجوزی از یک مجتهد نداشته باشد حرام است.

س ۴۷۴: از قدیم الایام در روستایی مسجدی بوده که چند سال پیش بر اثر زلزله دیوارهای آن ترک خورده بود و اخیراً بر اثر بارندگی خراب گردیده است، از طرف وزارت راه و جهاد و بخشداری زمین آن حریم جاده تعیین شده است که به متراژ هفت متر و نیم در محدوده جاده قرار می گیرد با این حال اهالی روستا برای نوساز نمودن آن پول جمع آوری نمودند و خودشان به متراژ پانزده متر و نیم برای جاده از زمین مسجد بیرون انداخته و در تهیه آن ستون ها را گذاشته اند و دیوارها را بالا آورده اند، لکن از طرف وزارت راه مانع احداث آن شده اند و می گویند باید خراب شود.

حضرتعالی بفرمایید آیا اجازه دارند این مقدار بنای مسجد که با پول مردم با زحمت ساخته شده است را خراب کنند، آیا تخریب مسجد جایز است؟

ج : هو العالم; در فرض سؤال حق ندارند مسجد را خراب کنند، و اگر هم این خلاف را مرتکب شوند، ضامن هستند و باید مصارفی که مردم کرده اند برگردانند.

س ۴۷۵: عده ای از مؤمین محل جمع شدند زمینی را به عنوان حسینیه خریده اند و برای احداث آن در اولین جلسه عده ای پول نقد دادند و عده ای هم نسیه اسم نویسی کردند اما پس از پی

ریزی کردن عده ای از همان مؤمنین گفته اند اینجا را مسجد کنیم، پس اکثر اهل محل به مسجد شدن رأی دادند و ساختمان آن به اسم مسجد علی اکبر با کمک های مردمی به اتمام رسیده و اکنون پنج سال است بنای آن به اسم مسجد دایر و مورد استفاده می باشد، حال چند نفر می گویند ما به اسم حسینیه پول دادیم تا این بناء حسینیه باشد لطفا نظرتان را مرقوم فرمایید؟

ج : هو العالم؛ مسجد بودن با حسینه که مراد عزاداری امام (ع) درآنجا باشد منافات ندارد، بنابراین مسجد است ولی باید مانع از عزاداری هم در آنجا نشوند.

س ۴۷۶: به یکی از مساجد بازار تبریز گازرسانی شده و چندین مغازه هم که متصل به همان مسجد هستند و از نظر ملک هم مال همان مسجد هستند، می خواهند از مسجد انشعاب گاز بگیرند. حال بفرمایید: آیا صاحبان مغازه ها که سرقفلی مغازه ها برای خودشان است، شرعاً می توانند از شبکه گاز مسجد، برای مغازه ها انشعاب ببرند و استفاده کنند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه فوائد آن مغازه ها درمسجدصرف می شود و به واسطه انشعاب دادن گاز، نفعی ولو به زیاد کردن اجاره عائد مسجد می شود، انشعاب مانعی ندارد، والا جایز نیست.

«احکام نذر»

س ۴۷۷: اگر شخصی از طرف دیگری بدون آن که آن شخص دیگر خبر داشته باشد نذر کند سپس قبل یا بعد از قبولی نذ...به آن شخص اطلاع دهد، آیا عمل به نذر بر آن شخص واجب است؟

ج : هو العالم؛ بلی، در صورت قبولی عمل به نذر لازم است. و اگر قبول نکرده واجب نیست.

س

۴۷۸: اگر کسی نذر کند که چند روز اول ماه محرم را روزه بگیرد و درماه محرم یادش برود و بعد یادش بیاید لکن از روی ندانستن مسئله روزه را نگیرد به امید اینکه سال آینده آن را می گیرد. اما حالا که روزها طولانی شده نمی تواند روزه بگیرد با اینکه شخص می توانسته مسئله را بپرسد تکلیف او چه می باشد؟

ج : هو العالم؛ شخص مذکور چنانچه یادش برود خلاف شرع نکرده والا خلاف شرع است. به هر حال باید قضاء نماید و در فرض دوم کفاره هم لازم است. یعنی اگر یادش نرفته و از روی جهل روزه نگرفته کفاره هم لازم است چون به آن نحو که سؤال شده جاهل مقصراست.

(ت) س ۴۷۹: اگر کسی به جای نامعلومی برود که خانواده اش نگران شوند و یکی بگوید: اگر پیدا شد به زیارت مشهد مقدس برود، آیا برای شخص مذکور که برایش نذر شده است عمل به نذر واجب است یا نه؟

ج : هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۴۸۰: اگر کسی برای امام یا امام زاده یا زوار آنها چیزی مانند گوسفند، شیرینی و غیره، نذر نمود به چه وجهی باید مصرف شود؟

ج : هو العالم؛ خرج هر کار خیری می شود نمود که ثوابش عاید همان کسی باشد که نذر شده است.

(جواب گنگ) س ۴۸۱: لطفاً بفرمایید باقیمانده نذورات یا هدایای مجلس امام حسین (ع) را چه باید کرد؟

ج : هو العالم؛ باید صرف در مطلق وجوه بریه نمود.

(گنگ) س ۴۸۲: کسی که نذر کرده روز پنج شنبه روزه بگیرد اگر روز جمعه یادش بیاید و شک کند آیا پنج شنبه

را روزه گرفته است یا نه؟ در این فرض از شک آیا قاعده اشتغال ذمه جاری است یا به دلیل اینکه «الوقت حائل» قاعده حیلوله؟

ج : هو العالم؛ قاعده فراغ جاری است و به مقتضای قاعده بنا می گذارد که گرفته است جای قاعده اشتغال و قاعده حیلوله نیست.

س ۴۸۳: شخصی گوسفند معینی را نذر کرده که در فرض برآورده شدن حاجت قربانی کند، اما مدت طولانی است که حاجتش روا نگردیده و از طرفی این گوسفند مشکل آفرین شده و تولید دردسر می کند. آیا می تواند آن را بفروشد و در فرض قضای حاجت، مشابه آن را بخرد و ادای نذر نماید؟

ج : هو العالم؛ خیر، مگر آنکه نگه داشتن آن موجب ضرر و حرج گردد، در این صورت می تواند بفروشد و به معادل قیمت آن در فرض قضاء حاجت گوسفندی را خریده ذبح نماید.

«احکام قسم»

س ۴۸۴: اگر شخصی شخص دیگری را وادار کند که این داروها را به مریض بدهد و قسم هم بدهد که حتما به مریض داده شود، ولی شخص دیگر می داند که داروها مضر به حال مریض می باشد، آیا می تواند تخلف کند و به مریض ندهد؟

ج : هو العالم؛ نباید بدهد و اگر بدهد خلاف کرده است.

(جواب گنگ) س ۴۸۵: در موقع صلح دادن میان مترافعین و متنازعین، آیا گرفتن بیان از طرفین ودر صورت نیاز قسم دادن آنها برای صلح دهنده جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ قسم دادن اشکال ندارد، ولی گرفتن بیان را نفهمیدم یعنی چه.

«احکام اموال»

«اموال پیدا شده»

س ۴۸۶: لطفاً بفرمایید مالی که پیدا شده درباره آن مال چگونه عمل کنیم؟

ج : هو العالم؛ چنانچه مانند اسکناس بی علامت است پیدا کننده تملک نماید یعنی بقصد اینکه ملک خودش شود بردارد. و اگر نشانه دار است و قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار کمتر است چنانچه صاحبش معلوم نیست می تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد، و در صورت باقی بودن مال اگر صاحب آن پیدا شد به او برگرداند، و اگر باقی نیست لازم نیست عوض آن را بدهد. و اگر قیمتش از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار بیشتر است باید تا یک سال اعلام کند و مقتضای احتیاط این است که از روزی که پیدا کرده است تا یک هفته روزی چند مرتبه و بعد تا یکماه، هفته یک مرتبه و بعد تا یک سال ماهی یک مرتبه در محل اجتماع مردم خودش یا کسی که به او اعتماد دارد اعلان کند چنانچه

صاحبش پیدا شد به او دهد، اگر پیدا نشد سه نحو می تواند عمل کند: ۱ مال را برای خودش بردارد بقصد آنکه وقتی که صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد ۲ برای او نگهداری کند هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد ۳ از طرف صاحبش صدقه بدهد.

س ۴۸۷: اگر برای مدیون صاحب دین مجهول شد آیا می تواند از طرف او صدقه بدهد یا به حاکم شرعی بدهد؟

ج : هو العالم; با اجازه حاکم شرع صدقه بدهد، مشروط به اینکه اگر صاحبش پیدا شد به او بدهد.

«اموال نامشروع»

س ۴۸۸: زنی که در دوران جهل و بی بندوباری از راه نامشروع پول هایی به دست آورده والان توبه کرده و ازدواج نموده و آن پولها را به دست انسان خیری سپرده، گرچه سپردن این مبلغ داعی برای کمک نمودن او شده، لکن شخص خیر اظهار داشته که این مبلغ را که به تو می دهم برای این است که دیگر خلاف ننمایی یعنی فی الواقع به عنوان سود پول ها نیست، حال بفرمایید:

آیا گرفتن این مبلغ برای او جایز است؟

ج : هو العالم; پولی که به این عنوان گرفته حلال است.

س ۴۸۹: با اصل پول با توجه به اینکه بعضی ها را فریفته و به عنوان مهرمتعه دریافت نموده چه کند؟ با آنکه فی الواقع بغیه بوده ولو احتمالا متدینین فریب خورده راضی باشند که به هر حال مبلغ برای خودش باشد لکن بعضی هم که اهل خلاف بوده اند: اولا پیدا کردن آنها مشکل است؟

ج : هو العالم; چنانچه متدینین فریب خورده راضی باشند که مال

او باشـد حلال است و آن دیگران چنانچه نتوانند آنها را پیدا کنند باید به عنوان مجهول المالك به دست مجتهد یا وکیل او به مصرف برسانند.

س ۴۹۰: بر فرض یافتن، ایشان با توجه به آن سوابق از او تقاضای خلاف می کننـد و برای او دردسـر درست می کنند، در این صورت چه وظیفه دارد؟

ج : هو العالم؛ آن پول ها را چنانچه نمی تواند رضایت مالکین را جلب کند به هر وسـیله ممکن به آنها برگرداند. و یا رضایت آنها را ولو در همان وقت عمل احراز کند که در این صورت اشکال ندارد.

«اموال غصبی»

س ۴۹۱: شخصـی از پشت بام همسایه اش چنـد عدد موزاییک ساختمانی بدون اجازه برداشـته است که البته این مقدار مصالح برای همسایه مازاد و بلا اسـتفاده بوده، بعد از آن این شخص منزل همسایه را خریداری می کند که فروشنده آن مقدار مصالح ذکر شـده را بـا خود می برد آیـا در حـال حاضـر این شـخص (خریـدار فعلی منزل) قبلاـ فعـل حرام انجام داده و بایـد رضایت صاحب قبلی منزل را جلب کند با وجود این که الان خودش مالك می باشد؟

ج : هو العالم؛ چنانچه در آن وقتی که مصالح را برداشته، علم به اعراض مالك یا به رضایت او داشته و او هم تملك نموده، و یا فعلا علم به رضایت دارد لازم نیست جلب رضایت او، والا لازم است.

س ۴۹۲: در صورت غصب مال غیر آیا غاصب علاوه بر خود مال ضامن منافع آن نیز می باشد؟

ج : هو العالم؛ هم ضامن منافع مستوفی است وهم ضامن منافع غیر مستوفاه. یعنی هم

ضـامن منـافعی است که اسـتفاده کرده است و هم منـافعی که هـدر رفته مثلاـ در خـانه زنـدگی نموده یـا درب خانه را بسـته و استفاده نکرده است.

س ۴۹۳: آیا می توان در خانه های نیمه مخروبه که شـهرداری برای احداث خیابان، خراب کرده است واز مالک خریده اسـت موقتاً تصرف و سکونت کرد؟

ج : هو العالم; چنانچه خریده است، لابد مالک می شود، پس بدون اجازه اونمی شودسکونت نمودمگردرصورت علم به رضا.

«احکام وصیت»

س ۴۹۴: میتی وصـیت کرده است که من یک قرآن قیمتی دارم با خودم دفن کنیـد لکن وارث ها در این امرنزاع دارند بعضـی آن را قبول ندارند، وصیت میت به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر همان یک قرآن را دارد آن حبوه و مال پسر بزرگتر است و چنانچه او قبول ندارد وصیت باطل است.

س ۴۹۵: میت وصـیت کرده که تا فرزنـد عقب افتاده او زنـده است خانه اش را که تنها ماترک اوست نفروشـند و این فرزند از سکنا یا کرایه او اسـتفاده کند لکن ورثه راضـی نیسـتند و می گویند خانه فروخته شود و سـهم الارث هر وارثی داده شود لطفا حکم شرعی مسئله را بیان کنید؟

ج : هو العالم; چنانچه وصـیت را قبول نموده اند باید به آن عمل کنند و اگر از اول قبول نکرده اند چون وصـیت در یک سوم مـال صـحیح است این فرزنـد نسـبت به یـک سـوم به اضـافه آن حصه که خودش به ارث می برد حق دارد و در مـازاد آن حق ندارد. به هر حال ورثه حق فروش همه خانه را ندارند.

س ۴۹۶: آیا نذورات میت

را از اصل مال او می دهند یا از ثلث مال؟

ج : هو العالم؛ از اصل مال.

«احکام ارث»

س ۴۹۷: آیا زوجه از زمین مسکونی و غیر مسکونی ارث می برد، آیا بین ذات ولد و غیر آن در این مورد تفاوتی هست؟ در صورت ارث نبردن از عین و عرصه آیا می تواند از قیمت آن برخوردار شود؟

ج : هو العالم؛ زن از زمین و نیز از قیمت آن مطلقا ارث نمی برد.

س ۴۹۸: اگر وارث منحصر به زوجه بود علاوه بر فرض ارث می توان در عصر غیبت مابقی ما ترک را به او رد نمود؟

ج : هو العالم؛ در زمان غیبت هم مانند زمان حضور در صورت انحصار وارث به زوجه مابقی ماترک مازاد بر حصه زوجه مال امام (ع) است و به زوجه رد نمی شود و از جمله انفال است و مختار در انفال آن است که در خصوص اراضی به مقتضای روایات بر شیعه اباحه شده است ولی در غیر اراضی حکم سهم امام (ع) را دارد که باید با نظر مجتهد به مصرف برسد.

س ۴۹۹: لطفاً حکم این مسأله را بیان فرمایید: که پسری در جنگ تحمیلی مفقود شد. پدر و همسر و فرزندانش به امید حیات او سالها اقدام به تقسیم اموالش ننمودند تا اینکه پدر هم فوت کرد و از اموال پدر هم سهم پسر مفقود کنار گذاشته شده، حال پس از گذشته چند ماه از نابودی رژیم بعثی عراق و ناامیدی از وجود اسرای ایرانی در عراق، تکلیف ارث پدر از پسر یا پسر از پدر چیست؟ در حالی که پدر وصیت به ثلث اموال

خود نموده، و علم وظن وصی پدر وبازماندگان هم بیش از علم وظن نوعی دیگران نیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه از قرائن اطمینان پیدا کنند که پسر قبل از پدر شهید شده است او از پدرارث نمی برد، بلکه پدر از او ارث می برد، و اگر اطمینان پیدا نکنند، چنانچه از موقع مفقود شدن پسر که قهراً راهی برای کشف فوت او نداشته اند، تا وقتی که پدر درگذشته است، چهار سال تمام گذشته باشد، از ارث پدر به او نمی رسد، بلکه پدر ارث می برد، واگر کمتر از چهار سال باشد او از پدر ارث می برد و پدر از پسر ارث نمی برد.

س ۵۰۰: چنانچه فرزند و پدر هر دو در یک زمان رحلت کنند ارث پدر به اولاد و فرزند مرحوم به چه صورت می باشد نظر مبارک را بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه معلوم نباشد که کدام یک قبل از دیگری فوت شده است، هر کدام از دیگری ارث می برد یعنی فرض می شود بعد از او فوت شده است. و اگر می داند که در یک زمان و یک آن فوت شده اند هیچ کدام از دیگری ارث نمی برد.

س ۵۰۱: اگر زوجه دائمی تنها وارث مرد باشد و مرد همه مایملك خود را برای همان زوجه اش وصیت کند این وصیت تا چه میزان نافذ است؟

ج : هو العالم؛ در فرض سؤال ربع مال میت از باب ارث به زوجه می رسد و وصیت نیز تا ثلث مال نافذ است و در مازاد باید وارث تنفیذ کند. و در مورد سؤال وارث امام (ع) است بنابراین

مازاد بر ثلث به امام (ع) می رسد، که در حال غیبت باید به مجتهد پرداخت شود، یا او وصیت را تنفیذ نماید.

س ۵۰۲: اگر وصیت کننده وارث نداشته باشد و همه مایملک را به نفع غیر وصیت کند این وصیت تا چه میزان نافذ است؟

ج : هو العالم؛ در فرض سؤال دو ثلث مال به امام (ع) می رسد و یک ثلث به همان کسی که وصیت شده داده می شود و در دو ثلثِ امام (ع) به مجتهد رجوع شود.

س ۵۰۳: شخصی فوت کرده و وارثش در طبقه سوم به این قرار است:

۱ سه نفر خال «دایی» پدری.

۲ دو پسر عمه پدر و مادری.

۳ یک پسر عموی پدر و مادری.

حال کدام گروه مقدم است بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ این مسأله معرکه آراء و اقوال مختلفه است، به نظر اینجانب با وجود خال، پسرهای عمه و پسر عمو ارث نمی برند. تمام ما ترک مال خال «دایی» است.

۲ «ارث غرقی و مهدوم علیهم»

س ۵۰۴: در ارث غرقی و مهدوم علیهم که با شرائطی بین آنها توارث است لکن مشهور توارث را فقط از اصل ترکه می دانند نه از آنچه به ارث از طرف آخر به آنها منتقل شده ولی شیخ مفید و سلار توارث را هم از اصل ترکه و هم از ارثیه احد هما من الاخر می دانند که یکی از ادله آنها تقدیم اضعف و اقل نصیباً بر اقوی و اکثر ارثاً هست که فرموده اند: فائده اش تنها در این صورت ظاهر می شود که از ما ورث احد همامن الاخر نیز توارث باشد. حال سؤال این

است که:

درتفسیر تقدیم اضعف می فرماید مثلا اگر زوج و زوجه ای یا اب و ابنی با یکی از این دو سبب بمیرند باید موت اکثر نصیباً را مقدم بداریم و حال آنکه وقتی محاسبه می کنیم در این فرض به ضرر اضعف خواهد بود، در صورتی که اگر موت اضعف را مقدم بداریم به نفعش می شود. مثلا: اگر زوجه ۶۰ دینار و زوج ۱۰۰ دینار داشته باشد، اگر زوج را میت اول فرض بگیریم و ربع مال او را به زوجه منتقل کنیم، یعنی ۲۵ دینار، با مال زوجه مجموعا ۸۵ دینار می شود، و بعد که زوجه را میت فرض می کنیم ونصف مال او را به زوج می دهیم نصف ۸۵ دینار می شود ۴۲ دینار و نیم که با ۷۵ دینار که قبلا داشت ۱۱۷ و نیم دینار می شود و کل نصیب زوجه می شود ۴۲ و نیم. ولی اگر به عکس عمل کنیم اول زوجه را میت بدانیم، نصف ۶۰ می شود ۳۰ و با ۱۰۰ دینار زوج می شود ۱۳۰ دینار، و بعد ربع ۱۳۰ را به زوجه می دهیم یعنی ۳۲ و نیم دینار که با ۳۰ دینار خودش ۶۲ و نیم دینار می شود، و حال آنکه سهم زوجه در فرض قبلی می شد ۴۲ و نیم دینار. لطفاً رفع شبه فرمایید که چرا مع الوصف فرموده اند مرگ اکثر نصیباً را اول فرض می گیریم با آنکه با این محاسبه به ضرر اضعف تمام می شود.

ج : هو العالم؛ اولا: ما اصل فرمایش را قبول نداریم و در فقه الصادق جلد ۲۴ مفصلا بحث کرده

ایم. ثانیا: آنهایی که فتوی داده انـد استناد به سه روایت نموده انـد: خبر صـحیح محمدبن مسـلم عن الامام الباقر (ع): عن رجل یسقط علیه و علی أمرئته بیت» فقال علیه السلام: «تورث المرئه من الرجل ثم یورث الرجل من المرئه»

خبر ۲ و ۳ نیز مثل آن است، و ما هم در آن کتاب از این دلیل جواب داده ایم. بنابراین بحث دراین مسئله دراینجامورندارد.

«حبوه»

س ۵۰۵: آیا عینک، موتور و اسلحه که از وسایل اختصاصی پدر است، جزو حبوه محسوب می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، جزء حبوه نیست.

س ۵۰۶: آیـا رحـل قرآن، مفاتیـح الجنـان، سـاعت مچی، دوچرخـه، و ماشـین که از وسایـل اختصاصـی پـدر است جزء حبـوه محسوب می شود؟

ج : هو العالم؛ خیر جزء حبوه محسوب نمی شود.

س ۵۰۷: آیا در زمان ما به جای شمشیر و اسب، می تواند تفنگ و ماشین، حبوه باشد.

ج : هو العالم؛ نخیر نمی تواند باشد.

س ۵۰۸: در توضیح المسائل معظم له در باب ارث قید گردیده که قرآن، انگشتر، شمشـیر و لباسـی که میت پوشیده، متعلق به پسر بزرگتر است. آیا اسلحه شکاری که پدر دارد می تواند به جای همان شمشیر باشد یا بین ورثه تقسیم شود؟

ج : هو العالم؛ خیر، اسلحه شکاری از حبوه نیست حبوه مختص به شمشیر و آن سه مورد دیگر است.

«مسائل متفرقه ارث»

س ۵۰۹: زنی فوت نموده و از او همسر و یک پسر سیزده ساله و پدر و مادر ارث می برند حال تقاضا داریم تکلیف چند امر را بیان فرمایید:

۱ زن متوفی دین شرعی (نماز و روزه) به عهده دارد و از طرفی هم مقداری طلا و جهیزیه از او باقی مانده، آیا از این اموال می شود دین او را داد؟

ج : هو العالم؛ بلی، می شود دین او را پرداخت کرد.

س ۵۱۰: تکلیف مهریه اش چیست آیا جزو ارث او است، اگر مهریه هم از ارث او است آیا با اینکه عقـد در شانزده سال پیش واقع شده است به نرخ روز پرداخت شود؟

ج : هو العالم؛ مهريه جزو

ارث است و به نرخ همان شانزده سال پیش می باشد.

س ۵۱۱: اگر شوهر توان پرداخت مهریه را نداشت، آیا می توان از حق ارث او کسر کرد؟

ج : هو العالم; بلی، می توان کسر نمود و مهریه حکم مابقی اموال او را دارد.

س ۵۱۲: تکلیف ارث او چیست و پس از پرداخت دین او چه مقدار به

وارث می رسد؟

ج : هو العالم; شوهر یک چهارم می برد و بقیه مال شش قسمت می شود پدر و مادر هر کدام یک قسمت از آن و پسر چهار قسمت دیگر را می برد.

س ۵۱۳: آیا نذورات میت را از اصل مال او می دهند یا از ثلث مال؟

ج : هو العالم; از اصل مال باید پرداخت شود.

«احکام حدود»

س ۵۱۴: بفرمایید اگر شخصی که در مظان اتهام قرار گرفته است اتهام مورد انتساب را تکذیب نماید و در جهت توجه اتهام به وی نیز بینه شرعیه اقامه نشده باشد، آیا به استناد قول مدعی و ادعای او مستوجب کیفرومستحق عقوبت خواهد بود؟ در صورت ایقاع سوگند چطور، آیااز اتهام بری واز عقوبت معاف می شود؟

ج : هو العالم; چنانچه مدعی نتواند بر مدعای خود بینه اقامه نماید، حق قسم به منکر داده می شود، چنانچه قسم خورد بری می شود و هیچ گونه استحقاق عقوبت ندارد. و اگر رد قسم نمود مدعی قسم می خورد، اگر او قسم خورد متهم مستحق عقوبت است و اگر او هم رد کرد و قسم نخورد، متهم را نمی شود عقوبت نمود.

س ۵۱۵: کسی که آشکارا و در حضور مردم روزه خواری کند، حدود اسلامی در رابطه با

او چیست؟

ج : هو العالم; چنین شخصی متجاهر به فسق است، غیبت او جایز است و حاکم شرع در صورت ثبوت می تواند او را تعزیر کند، و در خصوص افطار به جماع روایت است که بیست و پنج تازیانه به او بزنند، تعزیر در صورتی که انکار وجوب صوم نکند و افطار را حلال نداند و الا مرتد و واجب القتل است.

«احکام گناهان»

«دروغ»

س ۵۱۶: اگر شخصی به دیگری، مطلب و سخنی را به شوخی بگوید و قرنیه ای بر دروغ بودن آن سخن وجود داشته باشد، آیا حرام است؟

ج : هو العالم; در صورتی که قرینه باشد که در مقام خبر دادن نیست، اشکال ندارد.

«غیبت»

س ۵۱۷: اگر در مورد استادی نظرخواهی شود، مثلاـ درباره کیفیت تدریس ایشان، جوابی که در این مورد داده می شود با فرض منفی بودن جواب آیا غیبت محسوب می شود؟ حکمش چیست؟

ج : هو العالم; غیبت نیست، اشکال ندارد.

س ۵۱۸: غیبت کردن پشت سر افراد نابالغ چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; غیبت فرد نابالغ غیر ممیز جایز است ولی اگر نابالغ ممیز باشد و صدور امری که به واسطه آن غیبت می نماید، از او عیب باشد غیبت او جایز نیست.

س ۵۱۹: آیا در مسائل سیاسی غیبت جایز است؟ ملاک و میزان غیبت چیست؟

ج : هو العالم; حرمت غیبت اختصاص به غیر مسائل سیاسی ندارد.

س ۵۲۰: در نظر مبارک حضرتعالی تعریف غیبت چیست؟ آیا عبارت از بازگویی کردن عیب مستور مؤمن در غیاب اوست؟ یا عبارت است از هر سخنی که در غیاب مؤمن گفته شود که اگر بشنود ناراحت و رنجور می شود ولو اینکه عیب مستور او نباشد.

ج : هو العالم; بازگو کردن عیب مستور است.

س ۵۲۱: در صورتی که غیبت منحصر در بازگویی عیب مستور مؤمن باشد، آیا اگر به قصد انتقاص عیب غیر مستور او در

غیاب او گفته شود، گناه نیست؟

ج : هو العالم؛ خیر گناه نیست، مگر آنکه عنوان اهانت مؤمن بر آن صدق کند که در این صورت گناه است.

«اسراف»

س ۵۲۲: متأسفانه اسراف از اموری است در بعضی از کارهای مردم ودربسیاری از مراسم نادیده گرفته شده است، لطفاً حکم اسراف را با موارد آن بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ اسراف از محرمات مسلمه است و معانی متعدده برای آن ذکر شده است، قدر

متیقن اسراف عبارت از انفاق مال در معصیت است، و به نظر ما تجاوز از حد در صرف مال در غیر وجوه خیر نیز اسراف است، به شرطی که فائده مقصوده عقلائیه مانند تجملات و زینت و لذت جسمانی و عقلائی بر آن مترتب نشود. تفصیل احتیاج به وقت فارغی دارد.

«تهمت»

س ۵۲۳: کسی که به او تهمت زدند آیا می تواند آن تهمت را به گردن دیگران بیندازد، چون می داند خودش بی گناه است؟

ج : هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

س ۵۲۴: آیا ناسزا گفتن و فحش دادن به مرجع تقلید به این دلیل که درباره انقلاب یا اشخاص چیزی گفته است، جایز است؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

«فسق»

س ۵۲۵: آیا اصرار بر گناه صغیره موجب فسق می شود؟

ج : هو العالم؛ ارتکاب گناه صغیره موجب فسق است، چون هر گناهی کبیره است، گناه صغیره نداریم.

«توبه»

س ۵۲۶: من نوجوانی هفده ساله هستم که در آخرین سال دبیرستان معلم دینی پیرامون حق الناس و قیامت بسیار تأکید کرد و ما را بسیار ترساند، اکنون می خواهم از مردم در مورد تمسخر کردن، غیبت، تهمت و غیره حلالیت بطلبم، لکن بعضی ها بسیار سخت گیری می کنند و می گویند تو را حلال نمی کنیم لطفاً بفرمایید به نظر جنابعالی من چه کاری کنم تا در قیامت مورد عذاب قرار نگیرم؟

ج : هو العالم؛ آنچه وظیفه شما است بعد از توبه و قصد و عزم بر این که بعد از این، این اعمال زشت را مرتکب نشوید، طلب حلالیت است که آن را انجام داده اید، و استغفار بر آنها نمایید و از خدا بخواهید آنها را بیامرزد، بیش از این وظیفه ندارید، واگر به این قصد تا آخر باقی باشید، خدای تعالی شما را مسلماً می آمرزد، وفقکم الله تعالی.

س ۵۲۷: در آیه مبارکه «قال اما من ظلم فسوف نعذّبه ثمّ یردّ الی ربّه فیعذّبه عذابا نکراً»( ) بفرمایید کسی بعد از جاری شدن حد یا تعزیر یا قصاص بر او، توبه نماید، آیا طبق آیه روز قیامت عذاب دارد؟

ج : هو العالم؛ بعد از توبه عقاب ندارد.

س ۵۲۸: حدیثی که می فرماید« أبی الله ان یجعل لقاتل المؤمن توبه» آیا مضمون آیه شریفه «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذابا عظیما»

( ) می باشد؟

ج : هو العالم؛ اگر حدیث صحیح باشد، معنایش این است که موفق به توبه نمی شود و مربوط به آیه کریمه نیست.

«احکام دیات»

س ۵۲۹: غده تیرویید از اعضاء داخلی بدن انسان دارای دیه هست یا ارش؟

ج : هو العالم؛ روایات متضمنه دیه در قطع اعضاء که «اگر عضو یکی باشد تمام دیه ثابت است و اگر دو تا باشد در هر کدام نصف دیه ثابت است» به حسب ظاهر عضو داخلی را شامل نیست. بنابراین در قطع غده تیرویید که از اعضاء داخلی است، دیه نیست، قهراً رجوع به حکومت می شود که از آن تعبیر به ارش می شود.

س ۵۳۰: غده تیرویید دارای آثاری است که بر اعضاء و دستگاه های دیگر بدن اثرات مستقیم دارد حال اگر این عضو فلج گردد به نحوی که همه آثار یا بعضی از آثار مترتب نشود چه حکمی دارد؟ دیه یا ارش؟

ج : هو العالم؛ در فلج کردن آن غده نیز به نحوی که آثار ذکر شده مترتب نشود، روایتی به خصوصی نیافتیم. روی این اصل در تمام موارد ارش ثابت است، قهراً تعدد آثار در تعیین ارش مؤثر خواهد بود. و الله العالم.

«احکام قصاص»

س ۵۳۱: اگر شخصی بدون اذن و اطلاع وارد منزل کسی شود و بدون آن که از قبل، مسأله و درگیری باشد در حضور فرزند و همسرش، سیلی به صورت او بزند، آیا می توان از دادگاه تقاضای قصاص کرد؟

ج : هو العالم؛ شما شخصاً می توانید یک سیلی به همان قسم که زده است بزنید، و می توانید به دادگاه شکایت کنید که چنین اهانت بزرگی به شما کرده است، و می توانید تقاضای دیه کنید که مقدارش معین است.

س ۵۳۲: در قصاص زنی که قاتل مرد می باشد آیا صرف

النفس بالنفس کافی است یا باید نصف دیه مرد را هم بپردازد؟

ج : هو العالم; بلی، باید نصف دیه را بپردازد.

«احکام مسائل اجتماعی»

«دین و سیاست»

س ۵۳۳: بفرمایید چه نوع سیاستی با دین مبین اسلام سازگار می باشد؟

ج : هو العالم; چون جمله ای از احکام اسلام احکام سیاسی است و لذا خود پیغمبر اکرم (ص) اول عملی که انجام داد بعد از گرویدن اهل مدینه به اسلام تشکیل حکومت اسلامی بود،پس سیاستی که بر وفق موازین اسلامی باشدسیاستی صحیح است.

«امر به معروف و نهی از منکر»

س ۵۳۴: رفت و آمد به منزل کسانی که نماز نمی خوانند و خمس و زکات نمی پردازند، چه صورت دارد؟

ج : هو العالم; اولین مرتبه نهی از منکر آن است که با آنها رفت و آمد نشود و آنان بفهمند که به واسطه کارهای خلافی است که انجام می دهند البته این در صورتی است که احتمال تأثیر در ترک آن منکرات بعضاً یا کلا بدهید.

س ۵۳۵: شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث دشمنی و خصومت بین اقوام می شود وظیفه چیست؟

ج : هو العالم; نباید شرکت نمود. فرار از مخالفت با شرع در مقابل دشمنی اقوام متعین است.

س ۵۳۶: حضرتعالی حتما با تهاجم فرهنگی آشنایی دارید; متأسفانه بسیار دیده می شود دختران جوان به صورت آرایش کرده، موها را تا فرق سر بیرون انداخته، گردن و قسمتی از سینه را بیرون گذاشته، ناخن دست و پاهای خود را لاک زده و با کفش های کذایی بدون پوشیدن جوراب در خیابان ها دیده می شوند. مطمئنا بسیاری از این دختران بر اثر بی اطلاعی و جهالت نمی دانند چه می کنند و توان رهایی از این منجلاب را ندارند لطفاً آنها را نصیحت و راهنمایی کنید وبفرمایید چه کنند که

رهایی یابند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه مسلمانند باید به آنها تذکر داده شود که حکم الله را که از حضرات معصومین (ع) رسیده است رعایت کنند ولو آنها اعتنا نکنند، به هر حال هر کسی وظیفه دارد، در صورت احتمال تأثیر نهی از منکر بنماید.

س ۵۳۷: وظیفه ما در قبال این گونه افراد چیست؟

ج : هو العالم؛ نهی از منکر است

س ۵۳۸: نظر حضرتعالی در مورد برخورد با مظاهر علنی فساد چیست؟

ج : هو العالم؛ در مورد برخورد با مظاهر فساد، عمل به وظیفه شرعیه ثابته به ادله اربعه داله بر وجوب نهی از منکر است.

«نشر کتب ضلال»

س ۵۳۹: نشر و اشاعه کتب ضلال مانند کتاب های اهل یهود و نصاری و اهل سنت، و خرید و فروش آنها چگونه است؟

ج : هو العالم؛ در صورت احتمال عقلائی ترتب ضلال برآن نشر آن کتب حرام است.

س ۵۴۰: نشر و پخش اقتباسات کتب ضلال بدون نقد و بررسی آنها، بین مردم بالاخص در میان جوانان، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ با احتمال ترتب مفسده بر آن جایز نیست.

س ۵۴۱: اگر کسی اقتباسات از کتب ضلال را نوشت و مردم بالاخص جوانان از این نوشته مشوش و متزلزل شدند و خود نویسنده از نوشته خود پشیمان نیست، حکمش چیست؟ و آیا ضامن هست یا خیر؟

ج : هو العالم؛ ضامن مالی نیست، ولی واجب است رفع شبه بنماید.

«مسایل متفرقه اجتماعی»

مسایل متفرقه اجتماعی»

س ۵۴۲: معلمی که شاگردان شیعه دارد، آیا جایز است به آنها نمره های اضافی بدهد تا قبول شوند و یک سال دیگر دوره کلاس را تکرار نکنند؟

ج : هو العالم؛ چنانچه عنوان کذب یا غش و امثال آنها صدق کند، جایز نیست.

س ۵۴۳: عبور و مرور از زمین مردم در صورتی که نمی دانیم رضایت دارند یا نه چه صورت دارد؟ آیا جایز است یاخیر؟ با اینکه مردم از آنجا عبور می کنند؟

ج : هو العالم؛ رضایت آنها در صورتی که مکان مختص به آنها نباشد در جواز عبور لازم نیست. و اگر زمین مختص به آنها باشد در صورتی که دولت گرفته و دیگر به آنها بر نمی گردد، مانند زمین ها و خانه هایی که دولت آنها را خیابان کرده، باز رضایت آنان شرط جواز عبور نیست و اگر زمین مختص به آنها

باشد و دولت هم ضبط نکرده است، چنانچه از عبور مردم کشف رضایت بکنید و یا آنکه ملك آنها به این نحوباشد که عبور مردم جایز باشد، باز رضایت معتبر نیست، در غیر این صور باید رضایت احراز شود.

س ۵۴۴: یکی از دوستان در یکی از دانشگاه های غرب، کلاس درس اسلامی دائر نموده است و نمی داند آیا لازم است حضور بانوان مسلمان را با رعایت حجاب شرط کند یا اینکه حضور آنها بدون حجاب نیز جایز است؟ شایان ذکر است که بسیاری از بانوان مسلمان ساکن در غرب، در جلساتی که پوشیدن حجاب قید شده باشد حاضر نمی شوند و از طرفی هم امر به معروف و نهی از منکر در آنها اثر نمی کند. اما استاد چون از رجال دین است، حضورش در جلسات در حالی که زنانی بی حجاب حاضر هستند، ممکن است به وجهه روحانیت لطمه بزند، پاسخ این سؤال را از محضر مبارکتان جویا شدیم؟

ج : هو العالم; در صورتی که می توانید شرط کنید، بلی!این شرط از باب امر به معروف متعین است و حضور بانوان در دروس اسلامی خصوصیتی ندارد که جایز باشد بدون حجاب حاضر شوند، البته مراد از حجاب مستور بودن خانم است و لباس مخصوص شرط نیست.

«تلقیح»

س ۵۴۵: آیا جایز است نطفه زن و شوهری را بگیرند و در رحم زنی که بچه دار نمی شود بکارند؟ در صورت بچه دار شدن پدر و مادرش چه کسی هستند؟

ج : هو العالم; بچه به صاحب نطفه و زنی که در رحم او پرورش یافته ملحق می شود.

س ۵۴۶: شخصی بعد از ازدواجش

تـا مـدتی صـاحب اولاد نشـد و فوت کرد ولی قبل از مردن، خودش ماده منویه خود را محفوظ گردانـد، سـپس بعـد از فوتش زوجه اش با همان ماده با تلقیـح مصـنوعی یک بچه به دنیا آورد، آیا این فعل جایز است؟ و آیا بچه به پـدر ملحق می شود؟ و آیا حق وراثت دارد؟

ج : هو العالم؛ بچه به صاحب منی ملحق است و آثار شـرعیه از قبیل محرمات نکاح و غیرها بر آن مترتب است، ولی ارث نمی برد، چون ارث متعلق است به اولاد متکون در حال موت به شرط سقوطه حیاً و شامل مورد سؤال نمی شود.

«احکام مسائل جدید (مستحدثه)»

«عقیم کردن»

س ۵۴۷: حکم عمل شخصی (زن یا مرد) که طی عملیاتی پزشکی دستگاه تولید تخمک یا اسپرم خود را بدون آسیب رسی به غریزه جنسـی و ازدست دادن هیجـان آن، از کار انـدازد چیست؟ با توجه به این که عمل وی اخصا(اخته کردن) و از بین رفتن میل جنسی نباشد. تقاضا دارم پاسخ تحلیلی و مشروح جهت بهره دانشجویان و اساتید رشته حقوق عنایت فرمایید.

ج : هو العالم؛ به نظر من این عمل به عنوان اولی، مادامی که عنوان ثانوی حفظ نظام بر آن منطبق نشود، جایز است.

اما جمعی از فقهاء به عدم جواز فتوی داده اند و وجوهی بر اسـتدلال ذکر کرده اند، من در رساله ای که در این باب نوشته ام، مفصـلا آن وجوه را نوشـته و جواب داده ام. و کتاب مذکور عربی و نایاب است اما به نظر خود رساله جامع و مفیدی است که در صورت لزوم مراجعه کنید.

«مسایل جنین»

س ۵۴۸: در کدام یک از ادوار جنین، انسان بودن بر او صدق می کند؟ نطفه، علقه، مضـغه، استخوان و یا پوشیده از گوشت و خون؟

ج : هو العالم؛ بعد از دمیدن روح.

س ۵۴۹: آیـا می توان از آیه شـرفه «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجـدین» چنین اسـتنباط کرد که ارزش والای انسانی پس از دمیدن روح است و قبل از آن به عنوان انسانی ارزشی ندارد؟

ج : هو العالم؛ ارزش والای انسانی قطعاً بعـد از دمیدن روح است، ولی معنای آن این نیست که قبل از آن هیچ ارزشـی ندارد، در حالی که همین جنین بدون روح در مراحل سیر به کمال است

و مقدمات رسیدن به مقام والای انسانی است.

«سقط جنین»

س ۵۵۰: بفرمایید اصولا آیا عمل سقط جنین :

الف) پیش از ولوج روح

ب) بعد از ولوج روح

گناه و حرام است؟ و در صورت حرام بودن این عمل آیا فی نفسه حرمت دارد، یا از جنبه تجاوز و اعتدا به حق شخصی، و یا قتل نفس و آدم کشی؟

ج : هو العالم؛ اسقاط جنین قبل از ولوج روح حرام است و دیه هم دارد. و مقدار آن هم مختلف است نطفه باشد، یا علقه، یا مضغه، یا استخوان بندی شده باشد، و یا گوشت هم روییده باشد، در رساله ای جداگانه این نوع مباحث (عقیم کردن، جنین، سقط جنین) را مفصلا نوشته ام، مراجعه گردد.

س ۵۵۱: در صورت تفکیک به قبل و بعد از دمیده شدن روح، اصلا اطلاق انسان ونفس محترمه محقون الدم بر آن صحیح است؟

ج : هو العالم؛ چنانچه اسقاط حرام باشد، قهرا محقون الدم می باشد. صدق انسان به دمیدن روح است و دیه او زیادتر است، تفصیل مطلب در آن رساله ذکر شده است.

س ۵۵۲: آیا در صورت تشخیص مولکولی بیماری های ژنتیکی لاعلاج در جنین، مانند تالاسمی می توان برای جلوگیری از ولادت نوزاد بیمار اقدام به سقط جنین کرد؟

ج : هو العالم؛ در صورت دمیدن روح در آن جایز نیست. اگر روح دمیده نشده است، آن عمل فی نفسه جایز نیست. ولی در صورت ابتلاء به بیماری لاعلاج که هم خود نوزاد و هم کسان او در عذاب هستند، دلیلی بر حرمت آن نمی دانم چون آیات و روایات داله بر وجوب حفظ نفس محترمه و حرمت القاء

در هلاکت، همه در بعد از دمیدن روح در آن است.

«مسائل ژنتیکی»

س ۵۵۳: آیا اصولاـ دست ورزی ژنتیکی و تغییر ساختار مولکولی موجودات زنده، اعم از جانوران و گیاهان، با توجه به مخاطرات احتمالی آن برای طبیعت و محیط زیست، جایز است؟

ج : هو العالم؛ در شرع مقدس اسلام اهمیت زیادی به کارهای اجتماعی داده شده و هر موردی که تزاحم بین دو حکم، یکی فردی و دیگری اجتماعی باشد شارع مقدس دستور سقوط حکم فردی را داده است، که در اصطلاح از وجه سقوط آن حکم به این تعبیر می شود که مخل به نظام است. بنابراین اگر مخاطرات قطعی باشد، تغییر ساختار جائز نیست و اگر احتمالی باشد، چنانچه مخاطرات با اهمیت باشد جائز نیست، چون مورد قاعده اصاله البرائه نیست، و الا جایز است.

س ۵۵۴: آیا استفاده از میوه ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی

جایز است؟

ج : هو العالم؛ در صورتی که خطر جانی نداشته باشد و احتمال عقلائی هم به توجه خطر نباشد، جایز است.

س ۵۵۵: در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد، چون ژن حیوان حرام گوشت با انتقال به گیاه مستحیل می شود و حرمت آن از بین می رود.

س ۵۵۶: آیا اساسا انسان مجاز است برای مقاصد پژوهشی خود از حیوانات به گونه ای استفاده کند که برای سلامتی آنان زیان بار باشد؟

ج : هو العالم؛ ایذاء حیوانات فی نفسه جایز نیست، ولی چنانچه مصلحت اجتماعی مهمی بر آن مترتب بشود که اهم از مفسده ایذاء باشد، جایز

می شود.

س ۵۵۷: آیـا تغییر ژنتیکی در حیوانـات و اسـتفاده از آنها به عنوان مـدل آزمایشـگاهی جهت مطالعه و بررسـی مراحل بیماری هـای انسـانی و نحوه اثر گـذاری داروهـا بر آنهـا، جـایز است؟ به عنوان مثـال برخی از مراکز تحقیقاتی در کشورهای غربی، با تغییر ساختار ژنتیکی موش این حیوان را نسبت به ابتلا به بیماری سـرطان حساس کرده و از آن به عنوان مـدلی جهت بررسـی این بیمـاری در انسـان اسـتفاده می کننـد، آیـا این کار با توجه به آسـیب و زیان وارده به حیوان و مخاطرات احتمالی آن برای محیط زیست جایز است؟

ج : هو العـالم; لا ـ اشـکال در این که این عمـل نسـبت به حیوان فی نفسه حرام است. ولی چنـانچه این عمـل مقـدمه برای تعلم درمان نسـبت به انسان و مقـدمه حفظ حیات مسـلمین و نجات دادن آنها از امراض باشد که مصـلحت آن اقوی از مفسده ایذاء حیوان است، به عنوان ثانوی جایز است.

س ۵۵۸: آیا اسـتفاده از سـلول های بنیادین اسـتخراج شده از جنین انسان قبل از لانه گزینی در رحم برای مقاصد درمانی جایز است؟ لازم به ذکر است که مراکز تحقیقاتی معمولا نمونه های خود را از جنین های دور ریخته شـده در مؤسـسه های باروری (IVF) به دست می آورند.

ج : هو العالم; بلی، جایز است و وجهی بر حرمت آن نمی دانم.

س ۵۵۹: آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به منظور اصـلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه درآنماننـد انتخاب رنگ پوست،افزایش ضریب هوشیوغیره جایزاست؟

ج:هوالعالم;ازجواب مسائل قبل،جوازاین عمل هم ظاهرمی شود.

س ۵۶۰: آیا می توان از نمونه های بیولوژیکی افراد مانند نمونه خون، سلول و

بافت که معمولا جهت آزمایش گرفته می شود، بدون کسب رضایت آنها برای مقاصد علمی یا درمانی بهره برداری کرد؟

ج : هو العالم; در صورت امکان کسب رضایت آنها، باید کسب رضایت نمود و در صورت عدم امکان چنانچه مصلحت اقوائی از قبیل یاد گرفتن درمان مبتلایان، متوقف بر آن باشد تکلیفاً جایز است .

«بافت و پیوند اندام»

س ۵۶۱: آیا تولید و پیوند اندام و بافت حیوانی به انسان جایز است؟

ج : هو العالم; بلی، جایز است چون همان گونه که در مسایل قبل اشاره شد شارع مقدس در مواردی که حیات انسان یا بعضی از اعضاء متوقف بر ارتکاب محرمی از محرمات شرعیه باشد، اجازه به ارتکاب آن محرم داده است.

ولی یک سوالی بعد از پیوند پیش می آید و آن این که نماز با آن عضو از حیوان میت، خصوصاً اگر غیر ماکول اللحم باشد جایز نیست چون اولا نجس است و ثانیاً غیر مأکول اللحم؟

جواب آن را هم در کتاب مسائل مستحدثه مفصلا نوشته ام. خلاصه اش اینکه: بعد از پیوند و دمیدن روح در آن، از اجزاء انسان می شود و دیگر باقی در آن دو عنوان مانع نماز نیست..

«شبیه سازی»

س ۵۶۲: آیا کلونینگ (شبیه سازی) حیوانات جایز است؟

ج : هو العالم;مانعی ندارد.

س ۵۶۳: آیا کلونینگ (شبیه سازی) انسان با توجه به پیامدهایی از قبیل احتمال ابتلاء به بیماری های پیش بینی نشده و بروز آثار سوء روانی عاطفی بر انسان های کلون شده و به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف شدن نقش پدر و جایگاه نامشخص نوزاد کلون شده در خانواده، و به هم خوردن اصل واحد بودن هر انسان و از دست رفتن حق آزادی انتخاب (اتفاقی) و کاهش تنوع ژنتیکی انسانها در دراز مدت و تردید در روح داشتن انسان کلون شده، جایز است؟

ج : هو العالم; موانعی که اشاره نمودید بعضی از آنها موجب حرمت نمی شود و بعضی اگر تمام باشد، مانع تکوینی است نه تشریعی، به هر تقدیر

دلیلی بر حرمت آنها نیست.

«احکام دخانیات»

س ۵۶۴: کشیدن سیگار و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۵۶۵: استعمال سیگار در مکان های مقدس، مانند مسجد، حسینیه، حرم ائمه اطهار علیهم السلام و حرم امام زادگان، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ بسته به نظر عرف است، اگر صدق اهانت و هتک بکند جایز نیست و الا اشکال ندارد، ولی به واسطه احترام به مکان مقدس بهتراست نکشند.

س ۵۶۶: مصرف تریاک با تجویز پزشک چه صورت دارد؟

ج : هو العالم؛ با تجویز پزشک اشکال ندارد.

«احکام مسائل اخلاقی»

«صله رحم»

س ۵۶۷: ما با فامیل های خود اختلاف عقیدتی داریم، در صورتی که به منزلشان برویم شاید مراعات ما را کنند و موسیقی و غیره نگذارند و زن و مرد جدا بنشینند، ولی در صورتی که به منزلشان نرویم سنگین تر و آزادتر هستیم از طرفی هم اهمیت صله رحم در حدیث «صلوا ارحامکم ولو بالسلام» ما را به دغدغه می اندازد، همیشه هم نمی توانیم با تلفن زدن، احوال پرسی کنیم یا به سلام اکتفاء نماییم. حال بفرمایید وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم؛ اگر نرفتن موجب شود که آنها ترک معصیت بکنند نروید و الا در صورتی که سبب ترک گناه بشوید بروید.

س ۵۶۸: اسلام به صله رحم تأکید دارد، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

ج : هو العالم؛ من هم تابع شرع هستم و آن را واجب می دانم در حالی که عدم صله رحم موجب صدق عنوان قطع رحم شود.

«عطسه کردن»

س ۵۶۹: هنگامی که انسان دنبال کاری می رود عطسه کند آیا نشانه صبر کردن است یا عجله؟ در صورتی که چند بار عطسه کند چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; در یک روایت دارد که اگر برای کاری مهیای رفتن شدید و یک عطسه کردید، عجله کنید، البته از این گونه روایات نمی شود استفاده وجوب و یا استحباب نمود بلکه این گونه روایات ارشادی است.

«بوسیدن دست»

س ۵۷۰: آیا بوسیدن دست غیر معصوم به عنوان تبرک جایز است؟

ج : هو العالم; بوسیدن دست غیر معصوم (ع) به خصوص پدر و مادر و علمای عاملین جایز و کاری حسن است.

«سلام کردن»

س ۵۷۱: اگر افراد زیادی پی در پی سلام کنند آیا کفایت می کند همه آنها را یک جواب بگوید و تک تک آنها را جواب ندهد؟

ج : هو العالم; بلی، کفایت می کند.

س ۵۷۲: کسی که در حال ذکر گفتن است اگر به او سلام کنند آیا می تواند جواب سلام را بدهد؟ با اینکه بعضی ها می گویند چون ذکر قطع می شود نمی تواند جواب بگوید؟

ج : هو العالم;کسی که ذکرمی گوید،جواب سلام براوواجب است.

«قهر کردن»

س ۵۷۳: بعضی افراد با یکدیگر قهر می کنند که در نتیجه منجر به کینه و دشمنی می شود بفرمایید این کار چگونه است؟

ج : هو العالم; در بعضی روایات از ادامه قهر بعد از سه روز نهی شده است .

«انجمن هایی به نام مذهب»

س ۵۷۴: انجمن و تنظیماتی که به نام مذهب و دین و به نام خدمت به جامعه و امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می شود، لیکن در پس آن، خودافراد آن انجمن از انجام دادن هر گونه کار زشتی ابایی ندارند مانند رشوه گرفتن و ضایع کردن حق کسانی را که مستضعف هستند. آیا تشکیل چنین انجمن هایی جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; تشکیل انجمن در صورتی که مجبور به کار خلافی نباشید، جایز است.

س ۵۷۵: آیا عضویت در آن جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم; در فرض جواز تشکیل، عضویت در آن با اطمینان به اینکه مجبور نخواهید شد کار خلافی انجام دهید، جایز

است.

س ۵۷۶: اگر خلاف کاریی های آن محرز شده باشد امر به معروف کردن به آنها لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ بلی! در صورت احتمال تأثیر لازم است.

«احکام سادات»

س ۵۷۷: در کتاب اعتقادات صدوق صلوات بر محمد (ص) و آل محمد علیهم السلام را ذکر کرده است آیا این صلوات شامل همه ذراری پیامبر حتی کسانی که فاسق هستند می شود، یا تنها شامل مؤمنین و پیروان ائمه از آنها می شود؟

ج : هو العالم؛ به نظر ما مختص به حضرات معصومین(ع)است.

س ۵۷۸: در منطقه کشمیر آزاد تعداد سادات حفظهم الله صدها هزار می رسد که اکثریت آنها اهل سنت می باشند، ولی به فرزندانشان اسامی دوازده امام را یاد می دهند و مولای متقیان را از دیگران افضل می دانند و از ولایت اهل بیت (ع) برخوردارند. در سالهای اخیر تعداد زیادی از آنها مستبصر شده اند و این

حرکت رو به تزاید است. الان یک مشکل پیدا شده است و اینکه بعضی ها در آنجا شایع کرده اند که در مکتب تشیع احترام به سادات نیست! و ازدواج شیعه را به غیر هاشمی جایز می دانند! ما هر چه می گوییم، چنین نیست احترام به سادات در مکتب تشیع در حد بالا است و در هر مورد که به واسطه ازدواج به غیر هاشمی، اهانت به سادات شود در آن مورد ازدواج هاشمیه به غیر هاشمی جایز نمی باشد، ترتیب اثر نمی دهند. البته ما از بعضی علماء شنیده ایم که آنها این مسئله را ازحضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم چنین نقل کرده اند: «در هر مورد که عقد سیده به غیر سید سبب هتک و اهانت به سادات محسوب شود از ازدواج سیده با غیر سید خودداری شود، چون کرامت سادات اهمیت بسیار دارد» اکنون به نظر به اینکه علماء اهل سنت اخیراً کتابی چاپ کرده اند که در آن فتاوای دو هزار نفراز مفتیان اهل سنت از گذشته و حال را با ذکر ادله، نقل نموده اند که «ازدواج هاشمیه به غیر هاشمی جایز نمی باشد». لطفا حضرتعالی این مشکل را حل فرمایید تا بتوانیم سادات را مستبصر نماییم؟

ج : هو العالم؛مشهور بین اصحاب جواز تزویج هاشمیه به غیر هاشمی است، لکن بعضی از علماء ما به عدم جواز تزویج قائل شدند، و بعضی روایات هم دال بر آن است مانند خبر صدوق ره قال: «و نظر النبی صلی الله علیه و آله، الی اولاد علی علیه السلام و جعفر، فقال: بناتنا لبنینا»( ) و خبر ابن شهر آشوب.

ولی

به واسطه روایات دیگر این روایات بر کراهت حمل شده است و اما آن خبری که منقول است که حضرت امیر(ع) ام کلثوم را به ازدواج عمر درآورد به نظر ما قطعاً دروغ است، همانگونه که سید مرتضی (ره) و دیگر از قدماء اصحاب قائلند. به هر حال اگر عنوان ثانوی مانند اهانت و هتک سادات بشود مسلما همه علماء به عدم جواز قائلند.

س ۵۷۹: از پیامبر اکرم (ص) احادیثی( ) پیرامون احترام به ذریه آن حضرت رسیده است مثل «من اکرم اولادی فقد اکرمنی و من اهانهم فقد اهاننی» ( ) و مثل «من رأی اولادی و لا یقوم قیاما تاما ابتلاه الله تعالی ببلاء لا دواءله» ( ) آیا این احادیث شامل معصوموغیرمعصوم،مؤمنوکافر،عادلوفاسق ازذریه پیامبرمی شود؟

ج : هو العالم; البته شامل می شود، ولی بر کافر و منافق و فاسق عناوین دیگری منطبق می شود که این حکم از بین می رود.

س ۵۸۰: لطفاً جواب سؤالات زیر را نیز بیان فرمایید:

عنوان سادات به چه کسانی اختصاص دارد؟

ج : هو العالم;به کسانی که از اولاد هاشم می باشند و در این زمان منحصر است به اولاد عبدالمطلب.

س ۵۸۱: آیا احترام به سادات از لحاظ اینکه آنها از سلاله پیغمبر هستند لازم است یا خیر؟

ج : هو العالم; بلی، لازم است.

س ۵۸۲: اهانت کردن به سیدی که غیر صالح است، چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; از معصوم(ع) روایت است که سید بد را به خاطر پیغمبر احترام کنید.

س ۵۸۳: در صورتی که سیدی صالح باشد آیا ثواب اعمال نیک او دو برابر است یا مساوی با دیگران؟ همچنین عقاب

اعمال بد و گناهان او آیا دو برابر دیگران است یا مساوی؟

ج : هو العالم؛ بعضی روایات دال بر این است. لکن معارض هم دارد. اما من این مطلب را قبول ندارم توضیحش به محل دیگر موکول است.

س ۵۸۴: در مناطقی که تزویج سیده به غیر سید اهانت به خانواده سادات محسوب شود، آیا تزویج جایز است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ جایز نیست.

س ۵۸۵: بین سادات این مطلب به قدری اهمیت دارد که اگر مرد سیدی دخترش را به عقد غیر سید درآورد یا دختر خودسرانه با غیر سید ازدواج کند، اطرافیان، آن دختر و پسر را می کشند، با نظر به این تبعات، آیا عقد سیده به غیر سید جایز است؟

ج : هو العالم؛چون تالی فاسد مهمی دارد، جایز نیست.

س ۵۸۶: بعضی از قبایل معروف که اجدادشان توسط سادات مسلمان شده بودند، از اسلاف خود این وصیت کتبی را دارند که از خانواده سادات برای پسرانشان دختر نگیرند، البته اگر از سادات برای پسرانشان خواستگاری کنند به آنها دختران خود را بدهند، آیا عمل نمودن بر این وصیت لازم است یا خیر؟ و اصلا این طور وصیت ها شرعاً چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم؛ این وصیت جایز و نافذ است.

«احکام اعیاد»

«عیدالزهراء»

س ۵۸۷: نظر حضرتعالی در رابطه با مراسم و حدیث فضیلت نهم ربیع چیست؟

ج : هو العالم؛ روزی با فضیلت است به خاطر جهاتی، و روایاتی هم در فضیلت آن روز وارد شده است. اعمالی هم ذکر شده است که به ضمیمه قاعده تسامح در ادله سنن استحباب آنها ثابت می شود.

س ۵۸۸: نهم ربیع الاول عید الزهراء چه

روزی است؟ و آیا کف زدن و شادی کردن در این روز وارد شده است؟

ج : هو العالم; روز نهم ربیع الاول است، در کتاب «زوائد الفوائد» تألیف سید ابن طاوس مفصلا در این باره نوشته و روایاتی هم نقل می کند، مراجعه کنید.

س ۵۸۹: اگر در مجلس عیدالزهراء و میلاد ائمه علیهم السلام، تنها نشسته باشیم ولی خودمان دست نزنیم چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر مجلس محرم نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۰: دف زدن و رقصیدن در مجلس عیدالزهراء و میلاد اهل بیت (ع) چه حکمی دارد؟ آیا حرام است؟

ج : هو العالم; دف زدن جایز نیست، رقصیدن مرد برای زن نامحرم و زن برای مرد نامحرم جایز نیست.

س ۵۹۱: دست زدن در مجلس عید الزهراء و میلاد ائمه علیهم السلام چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر توأم با کارهای خلاف دیگر نباشد اشکال ندارد.

«عید نوروز»

س ۵۹۲: آیا عید نوروز از نظر شرع مقدس اسلام اصالت و اعتبار دارد یا خیر؟

ج : هو العالم; بلی، روایاتی هست.

س ۵۹۳: آیا آنچه راجع به عید نوروز و فضیلت و اعمال آن وارد شده صحیح است؟ آیا انجام اعمال آن (اعم از نماز و دعا و غیره) به قصد ورود جایز است؟

ج : هو العالم; در مستحبات کافی است یک روایت ضعیفه باشد. بنابراین به قصد ورود جایز است.

س ۵۹۴: اگر عید نوروز عید جمشیدی سلطانی است که مسلمان هم نبوده است ، پس چگونه غسل مستحب است؟

ج : هو العالم; چون در آن روز که به حسب خلقت دارای خصوصیاتی بوده است، اسلام اعمالی را مستحب دانسته، این اعمال مربوط به عید

گرفتن کفار نمی باشد.

«احکام مجلس عروسی»

س ۵۹۵: لطفاً بفرمایید دست زدن در مجلس عروسی چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; اگر توأم با کارهای خلاف دیگر نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۶: اگر در مجلس عروسی خودمان دست نزنیم و فقط بنشینیم چگونه است؟

ج : هو العالم; اگر مجلس محرم نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۹۷: در صورتی که شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است باعث خصومت و دشمنی بین اقوام شود وظیفه چیست؟

ج : هو العالم; نباید شرکت نمود، محرمات با این حرفها حلال نمی شود.

س ۵۹۸: آیا معظم له پوشش لباس بدن نما و آرایش فراوان عروس در شب اول عروسی را جایز می دانید؟ نسبت به گردش عروس که در آخر شب به همراه تعدادی ماشین صورت می گیرد، چه می فرمایید؟

ج : هو العالم; پوشیدن لباس بدن نما به عروس در حضور نامحرمان جایز نیست و نیز در صورت عورت نما بودن در مقابل زنان نیز جایز نیست، غیر از این دو مورد اشکال ندارد. نسبت به گردش با ماشین در آخر شب با رعایت عدم مزاحمت دیگران و رعایت حجاب اشکال ندارد.

«احکام قرائت قرآن»

س ۵۹۹: در آیه شریفه «لکنا هو الله ربی»( ) کلمه «لکنا» را هنگام وصل با الف بخوانیم یا لکن بدون الف؟

ج : هو العالم; کلمات قراء در اثبات الف در حال وصل مختلف است. و اما در حال وقف ظاهراً در اثبات الف خلافی نیست مگر از قتیبه و به نظر من اثبات الف در هر دو حال بهتر است.

س ۶۰۰: هنگامی که قاری قرآن در مورد قرائت وقف می کند آیا جایز است او را با

گفتن کلمه «الله اکبر» و امثال آن، تشویق کنیم؟ و آیا از سنت است یا نه؟

ج : هو العالم; جایز است ولی دلیلی به خصوص بر سنت بودن آن ندیدم.

«مسائل اعتقادی»

«اسلام»

س ۶۰۱: خداوند در قرآن می فرماید: «یا بنی اسراییل اذکروا نعمتی التی انعمت علکیم و انی فضلتکم علی العالمین»( ) با توجه به اینکه الان هم در دنیا اینگونه است، چگونه می گوییم اسلام دین برتر است و مسلمانان بر تمام اقوام مسلط می شوند؟

ج : هو العالم; ظاهراً مراد این است که خداوند تعالی به واسطه نِعَم، که عبارت است از انزال منّ و سلوی و پیغمبر هایی که برای آنها ارسال شده است و غرق فرعون و... بنی اسراییل را به بقیه امتها تا آن زمان فضیلت داده است، و الا تردیدی نیست که افضل امم امت محمد (ص) می باشند. و افضلیت هم ربطی به تسلط ندارد.

«نبوت و امامت»

س ۶۰۲: آیا نبوت انبیاء و امامت معصومین علیهم السلام اکتسابی است

یا موهبتی یا هر دو؟ به چه دلیل؟

ج : هو العالم; بحثی مفصل است که در اینجا نمی گنجد، اجمالا اینکه موهبتی است.

«مهدویت»

س ۶۰۳: فلسفه وجود امام غائب عجل الله تعالی فرجه چیست؟

ج : هو العالم; فلسفه وجود آن حضرت به طور اختصار همان فلسفه لزوم وجود خورشید است که اگر خورشید روزی خاموش شود، عالم متلاشی می شود. بقاء جمیع عوالم وابسته به وجود آن امام (ع) است، بسط کلام موکول به محل دیگراست .

س ۶۰۴: شخصی ادعا کرده امام زمان (عج) را در بیداری دیده است و دستش را بوسیده است و چیزهای دیگر، آیا می شود به سخن این شخص، با اینکه روحانی می باشد اعتماد کرد؟

ج : هو العالم; ابداً نمی شود اطمینان نمود.

س ۶۰۵: در زمان غیبت مخصوصاً در عصر حاضر وظیفه ما چیست؟

ج : هو العالم; عمل به وظایف شرعیه و انتظار فرج و توسل به آن حضرت. و رفتن به در خانه آن بزرگوار برای امور دنیا و آخرت، چون واسطه فیض الهی آن بزرگوار است.

س ۶۰۶: چه کنیم که مورد توجه امام زمان (عج) قرار بگیریم؟

ج : هو العالم؛ عمل به وظایف شرعیه.

«تولی و تبری»

س ۶۰۷: آیا تولی و تبری بر هر شخص واجب است؟ اگر کسی به جای این که شخصیت امام (ع) را واجب الاطاعه و معصوم از جانب خدا بداند، نعوذ بالله اهانت کند، مثلا بگوید امامان مطیع خلفای ثلاثه بودند، و یا حضرت علی بیعت کرد، آیا دارنده چنین عقیده ای مؤمن هست یا خیر؟

ج : هو العالم؛ تولی و تبری از واجبات است و اگر کسی امام را واجب الاطاعه و معصوم نداند شیعه نیست، همین نحو اگر به امام اهانت کند.

س ۶۰۸: اگر کسی به جای این که از خلفای ثلاثه تبری

بجوید، قائل به احترام آنها باشد و بگوید که خلفاء مثل پیغمبر (ص) بودند، آیا چنین شخصی مؤمن و شیعه است؟

ج : هو العالم؛ خیر، یقیناً شیعه نیست و یا آنکه از اسلام و تشیع و شخصیات شیعه هیچ گونه اطلاعی ندارد.

«مسائل متفرقه اعتقادی»

س ۶۰۹: با اینکه خارج کردن تیر از پای مبارك امیرالمؤمنین (ع) در حال نماز و ملتفت نشـدن آن حضـرت، در عروه الوثقی، در جامع السعادات علامه نراقی ج ۳ ص: ۳۲۸ و کتب دیگر مذکور است یکی از علمای متأخرین نوشته است خبر مذکور را به علت اشتهارش نقل کرده اند و تا به حال کسی سند معتبر ارائه نکرده است! نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ بزرگانی که اسم برده اید اجل از آن هستند که خبر را ندیده، نقل کنند.

س ۶۱۰: حکم منکر شق القمر و آمدن ستاره به خانه اهل بیت (ع) چیست؟

ج : هو العالم؛ چنانچه به حسب ادله ثبوت آنها را بداند و منکر شود کافر است مانند انکار ضروری دین در غیر این مورد.

س ۶۱۱: کتاب «جامع الاخبار» که مؤلفش دقیقاً معلوم نیست، چگونه معتبر می باشد؟ و چطور فقهاء در بعضـی احکام مستحبه به روایت آن کتاب استدلال می نمایند؟

ج : هو العالم؛ در مستحبات اکتفاء به روایات آن کتاب می شود چون خبر ضعیف به مقتضای قاعده تسامح در ادله سنن اثبات استحباب می نماید، ولی در احکام لزومیه خبر ضعیف کافی نیست.

س ۶۱۲: در روایتی است که برای انسان معصوم (ع) پنج روح است از جمله روح المدرج، بفرمایید مراد از آن چیست؟

ج : هو العالم؛ در اصول کافی( )،

طی خبر صحیحی تمام ارواح خمسه را توضیح داده می فرماید: «روح المدرج الذی به یذهب الناس و یجیئون» و به عبارت اخری، عالم المدرج عالم الملک. به هر حال رجوع کنید به آن محل، مفصلا بیان شده است.

س ۶۱۳: روایتی از امام کاظم (ع) که می فرماید: «من اخذ دینه من افواه الرجال ردّته الرجال» ( ) مدرکش چیست؟

ج : هو العالم؛ روایت کرده از امام صادق (ع) حرعاملی در کتاب «الفصول المهمه فی اصول الائمه» ج ۱ص۱۲۵،همچنین شیخ صدوق این روایت را از امام علی (ع) نقل کرده است.

س ۶۱۴: در کتاب معانی الاخبار و وسایل الشیعه حدیثی از ابن عباس است «قال ابن عباس عن معنی قول النبی (ص) حین رأی من یحتجم فی شهر رمضان، «افطر الحاجم و المحجوم»( ) مراد از عبارت «افطر الحاجم و المحجوم» آیا این که هر دو نفر حجامت کننده و حجامت شده بر پیامبر (ص) دروغ بستند به واسطه حجامت خود یا این که هر دو نفر داخل در سنت و فطرت شدند چون حجامت از سنت های پیامبر اکرم (ص) است؟ بفرمایید مراد کدام معنی است؟

ج : هو العالم؛ مراد همان معنای اخیر در جامع الاخبار قال «ای دخلا بذلک فی فطرتی و سنتی لان الحجامه مما أمر علیه السلام به فاستعمله» اقرب است. و در ذیل خبر از ابن عباس نقل شده است که قال «انما افطرا لانهما تسابا و کذبا فی سبّهما علی نبی الله صلی الله علیه و آله لا للحجامه» و لا بأس به.

«مسائل تاریخی»

«تاریخ حضرت زهرا (س)»

س ۶۱۵: روایت «قالت فاطمه الزهراء علیها السلام، انّی احب الثلاث، قرائه کتاب الله و

الا نفاق فی سبیل الله و زیاره رسول الله صلی الله علیه و آله» آیا سند معتبر دارد؟ بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ در مستحبات اعتبار سند لازم نیست، روایت ضعیفه هم باشد استحباب ثابت می شود.

س ۶۱۶: در روایتی آمده است که: حضرت زهراء (س) درایام مریضی به اصرار امیر المؤمنین (ع) تقاضای انار کرد، و حضرت امیر (ع) بعد از تهیه آن از شمعون یهودی، آن انار را در بین راه به فقیری بخشید، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم؛ مضمون آن یقیناً صحیح نیست.

س ۶۱۷: روایتی که می گوید امیر المؤمنین (ع) هنگام غسل دادن بدن حضرت زهراء سلام الله علیها گریست، پس علت گریه را از حضرت پرسیدند فرمود اثر تازیانه که هنوز در بدن باقی است مرا به گریه آورد، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم؛ روایت را قبلاً دیده ام وبه نظرم آن زمان معتبربود.

س ۶۱۸: حضرت زهراء سلام الله علیها در چه سنی به شهادت رسیدند؟

ج : هو العالم؛ مرحوم کلینی و ابن شهر آشوب نوشته اند که آن حضرت علیها السلام پنج سال بعد از مبعث متولد شده است و همین امر بین اصحاب ما مشهور است، و از امام باقر علیه السلام روایت شده است. اما مشهور بین اهل سنت این است که آن حضرت (س) پنج سال قبل از مبعث متولد شده است، و ظاهراً این کلام اهل سنت از روی اشتباهی است در روایت آنها بین کلمه «قبل» و «بعد».

بنابراین سن مبارک ایشان حین شهادت همانگونه که معروف بین شیعه است هجده سال بوده است.

«تاریخ امام حسین (ع)»

س ۶۱۹: اینکه گفته می شود:

ملائکه امام حسین (ع) را بعد از ولادت به آسمان بردند، آیا صحیح است؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً تمام ائمه (ع) چنین بوده اند به نحوی که در روایت است.

س ۶۲۰: مراد از خوردن گل قبر سید الشهداء امام حسین (ع) برای شفا همان از خود قبر و اطراف آن یا تا چهار فرسخ و بیشتر جایز است.

ج : هو العالم؛ متیقن خود قبر و اطراف آن است و محتمل است تا هفتاد ذراع فاصله با قبر کافی باشد، ضابط صدق عرفی قبر امام است، و روایات متعددی در بیشتر از این مقدار هست ولی ضعیف است و اما من روایتی ندیدم که دلالت بر چهار فرسخ کند.

س ۶۲۱: آیا امام توانست به اهداف خود جامعه عمل بپوشاند؟!

ج : هو العالم؛چنانچه یکی از نویسندگان اشاره دارد، بذر افشانی یک نهضت و فراهم سازی زمینه های تحول اجتماعی می تواند در کوتاه مدت و بلند مدت مطرح باشد. طبیعی است که یک انقلاب در طولانی مدت آثار و ثمرات خود را پس می دهد و افراد جامعه و یک ملت را بیدار می کند. این حقیقت در نهضت امام (ع) نیز صادق است.

بعد از شهادت امام حسین (ع) نخستین آثار نهضت حسینی آشکار شد. و توابین در سال ۶۴ هجری بر ضد سلطنت اموی قیام کردند و بنیان نظام فرزندان ابوسفیان را به لرزه درآوردند. در حقیقت خون سید الشهداء (ع) خون بهایی برای هر نهضت آزادی خواهانه بود. در سال ۱۲۱ زید شهید قیام کرد و در سال ۱۲۵ یحیی فرزند او بر علیه بنی امیه شورش نمود. در نهضت زید، علویان، ایرانیان و عراقیان

شرکت داشتند و مبارزه با ستم و برافراشتن پرچم عدل را خواستار بودند، این نهضت ها زمینه را برای قیام کلی ایرانیان و ابومسلم خراسانی فراهم ساخت که سرانجام دولت اموی ساقط گردید.

برای توضیح بیشتر به کتاب «شیعه علوی در دو قرن دوم و سوم» نوشته فضلیه الشامی ترجمه چاپ دانشگاه شیراز، مراجعه شود.

س ۶۲۲: بهترین اهداف قیام امام حسین (ع) چه بود بیان فرمایید؟

ج : هو العالم؛ نویسندگان اسلامی، عمده ترین اهداف قیام امام حسین (ع) را در چند هدف مشخص تصویر کرده و بیان داشته اند که اینک به اختصار به هر یک از آنها اشاره می شود:

۱ نهضت امام حسین(ع) در راستای ایفای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده و اصلاح امت اسلامی از بزرگترین اهداف آن حضرت بوده است.

یکی از نویسندگان این نظریه را اظهار کرده است. او می نویسد:

«یک آدم «مهاجم» نمی خواهد فقط خودش را حفظ کند، می خواهد طرف مقابل را از بین ببرد ولو به قیمت شهادتش باشد. منطق امر به معروف و نهی از منکر، منطق حسین (ع) را منطق شهید کرد. منطق شهید، منطق کسی است که برای جامعه خود، پیام دارد و این پیام را جز با خون با چیز دیگری نمی خواهد بنویسد».

۲ عده ای آن را حرکتی ضد استبدادی علیه رژیم یزیدی برای استقرار حکومت اسلامی، دانسته اند. آیت الله میرزای نائینی در رساله «تنبیه الامه و تنزیه المله» چنین نظریه ای را ارائه می دهد. او می گوید:

«خضوع نفس قدسیه حضرتش (امام حسین (ع)) از آن (استبداد) اباء فرموده از برای حفظ حریت خود و توحید پروردگارش

و تمـام هستی و دارائی را فـدا و این سـنت کریمـانه (آزادی) را برای احرار امت اسـتوار و از شوائب عصبیت مـذمومه تنزیهش فرمود».( )

۳ بعضـی هم هـدف عمـده نهضت امـام حسـین (ع) را «عـدالت خواهی» دانسـته انـد، چنـانچه دربـاره نهضت عاشورا چنین می نویسد:

«نه فقـط علی، شـهید راه عـدالت و فریادرسـای دادگری است. بلکه حسـین (ع) نیز شـهید راه عـدالت است. به گفته خود امـام حسـین (ع) «نمی بینیـد که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آیـد.» در چینن شـرایطی مؤمن باید مشـتاق لقای پروردگار باشد.»

مجموع این اهـداف و انگیزه ها می توانـد نهضت عظیم امام حسـین (ع) را توجیه کنـد و برای هدایت امت، چراغ راه و الگوی زندگی گردد.

س ۶۲۳: چرا امام حسین (ع) همانند برادرش با یزید از در آشتی برنیامد؟

ج : هو العالم؛ رابطه این دو امام با دودمان بنی امیه رابطه خصـمانه بود و چنانچه امام حسن(ع) در مـدائن با معاویه پیکار کرد. اما بعد از امضای قرارداد آتش بس و صـلح نامه، به جهت رعایت عقد صـلح نامه ایشان بامعاویه از در پیکار برنیامدند، پس از آن که امـام حسن (ع) از دنیـا رفت، امـام حسـین (ع) به جهت رعـایت احترام امـام حسن(ع) و امضـای صـلح، هرگز به معاویه تعرضـی نـداشت. تنها در چنـد مورد ماننـد قتل حجر بن عدی و یارانش نامه تند و اعتراض آمیزی به او نوشت. ولی بعد از آن که معاویه پسـرش یزیـد را به عنوان ولایت عهـدی بر مسـلمین تحمیل کرد، امام حسـین(ع) نیز همانند بعضـی دیگر زیر بار آن نرفت تا آن که معاویه از

دنیا رفت. یزید خام و ناپخته از سر بی شعوری با نامه ای تهدیدآمیز به حاکم مدینه (مروان) امام حسین(ع) را به اخذ بیعت و دستگیری دستور داد، امام حسین (ع) از بیعت امتناع کرده و از مدینه خارج شد. در این هنگام نامه های کوفیان فراسوی او روانه گردید که از او برای تشکیل حکومت اسلامی،دعوت کرده بودند. امام (ع)، پسر عموی خود مسلم بن عقیل را، برای بررسی اوضاع کوفه به سوی آن شهر گسیل داشت. مسلم ضن تأیید دعوت کوفیان، تأکید کرد که حضرتش به عراق بیاید و در کوفه حکومت تشکیل دهد و از این جهت امام (ع) در نهم ذی الحجه سال ۶۰ از مکه خارج شد و رهسپار عراق گردید. ولی متأسفانه اوضاع کوفه به جهت فرماندار جدید زیاد بن امیه و اعزام نیرو، تغییر یافت. حضرت مسلم به شهادت رسید. امام حسین (ع) پس از اطلاع از شهادت مسلم، همانند قبل از آن مصمم بود که به راه خود ادامه دهد و وظیفه امر به معروف و مبارزه با خاندان غاصب استبدادی را ادامه دهد. برخورد با نیروهای حرّ بن یزید ریاحی، تلاشی تازه بود و امام می خواست با هماهنگی او، وارد کوفه شود و کار را یکسره نماید. او دعوت خود را علنی ساخته بود و فضایح بنی امیه را افشا می کرد و در ضمن اصحاب خود را برای برخورد با نیروی بنی امیه آماده می ساخت. وقتی که حر از طرف ابن زیاد برای نزول به کوفه و تسلیم به حاکم آن، او را فراخواند، امام حسین (ع) از موضع شجاعت و کرامت خاندان

هاشـمی، سخت از این دعوت امتناع کرد. راه شهادت را که در جنگ های اسلامی یکی از دو پیروزی حساب می شد (احدی الحسینین) انتخاب فرمود و به شهادت رسید.

می توان گفت ابن زیاد و دارو دسته بنی امیه مهم ترین عامل در موضوع قضـیه «طف» و داستان کربلا بودند و امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رساندند.( )

س ۶۲۴: چرا مسلمانان نتوانسته اند با عبرت گرفتن از قیام امام حسین (ع) وضعیت نابهنجار خود را سامان بخشند؟!

ج : هو العالم; جهان اسـلام به دو بخش جغرافیایی عقیدتی تقسـیم می شود. اکثریت اهل سـنت در بیشتر کشورهای اسلامی و اقلیت تشیع در ایران و عراق و برخی کشورهای دیگر.

اکثریت اهل سـنت از یک طرف به جهت برخوردار نبودن از اعتقاد به امامت اهل بیت(ع) و نبود سنت عاشورایی در میان آنها و از طرف دیگر اعتماد به حاکمان و توجیه سیاسـی کار ایشان را که اگر حاکم اسـلامی عادل شد باید شکر گذار و اگر ظالم شـد، باید صبر پیشه کرد و تحمل نمود که یک فلسـفه سیاسـی غلطی است که از دوران قدیم در میان اهل سـنت حاکم بوده و همواره نظم را بر تحقق عـدالت تقـدیم بخشـیده اند، در نهضت های اسـلامِ سـنی مانند اخوان المسـلمین، و جماعت مسـلمین، چندان موفقیتی به دست نیاورده و نهضتشان به شکست انجامیده است.

امـا اهل تشیع در چنـد مورد در کشورهای شـیعه نشـین با الهام گیری از نهضت امام حسـین (ع) توانسـته انـد اسـتقلال طلبی و نهضت اجتماعی بپا دارند و هویت سیاسی خود را اعلام نمایند. نهضت استقلال طلبی مسلمانان عراق به رهبری علمای

شیعه و مراجع تقلید در انقلاب ۱۹۲۰ که به استقلال عراق از استعمار انگلیس انجامید، نمونه ای از این باب است. اما متأسفانه با این که ابتدا شیعیان استقلال عراق را به دست آوردند، ولی بعداً عقب نشینی کرده و موضوع حکومت به دست اقلیت اهل سنت در عراق افتاد که در مدت زیادی حاکمان بعثی ناسیونالیست بااستبداد کامل آن را اداره کردند.

اما ایرانیان مسلمان در نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی، با الهام گیری از نهضت حسینی با این که توانسته اند حکومت تشکیل دهند، ولی متأسفانه انحراف نهضت مشروطیت از اهداف اسلامی خود به وسیله لائیک ها و روشنفکران وابسته، مسلمانان به ویژه عالمان دینی را منفعل ساخته و سرانجام به انزوا کشاند. چنانچه آیت الله نائینی تئوریسین جناح اسلامی نهضت مشروطه کتاب خود (تنبیه الامه و تنزیه المله) را جمع کرده و از نهضت دور نشسته است.

س ۶۲۵: چگونه می توان از عاشورا در راستای توحید امت اسلامی و اقامه حکومتی به دور از خشونت و همراه با عفو و گذشت استفاده کرد؟

ج : هو العالم؛ تحولات اجتماعی به دو گونه و صورت تحقق می یابد: ۱ رفرم و اصلاح، ۲ انقلاب و جهش.

در تحول اصلاحی، جامعه آرام آرام به اهداف اصلاحی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... خود دست می یابد و هرگز دست به خونریزی نمی زند. چنانچه این تحول در آغاز نهضت اسلامی پیامبر اکرم (ص) در مکه و هجرت او به مدینه رخ داده است و پیامبر عرصه های فرهنگی و سیاسی را بدون خونریزی فتح کرده است. که مسیح نیز همین طور است . اما انقلاب اجتماعی، همواره همراه با

خشونت و خونریزی صورت می گیرد. زیرا تضاد میان نیروهای ارتجاعی و نیروهای اصلاح گر و انقلابی شدید می باشد و در نتیجه به خونریزی و مقـاومت منتهی می شود. امثـال آن در انقلاب بـاز گشت به اهـداف اسـلامی دوره عثمـان انقلاب فرانسـه ،الجزایر در دنیا مشاهده می شود. به نظر من این موضوع بستگی به شرایط جامعه مسلمین دارد که در چه مرحله ای از تمدن و شرایط اجتماعی بسر می برند، اگر آگاهانه باشد، قطعاً خون بر شمشیر پیروز است، چنانچه در ایران اتفاق افتاد و یا، برخورد و خشونت ظهور می یابد، چنانچه در مورد انقلاب فرانسه (۱۷ اکتبر) الجزایر دیده می شود.

س ۶۲۶: مفهوم جمله «ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیا کم» (اگر دین ندارید و از معاد نمی هراسید در دنیا آزاده باشید) چیست و مفهوم این کلام را چگونه تعبیر می کنید؟!

ج : هو العالم؛ به نظر ما این جمله بسیار گویا است و آن رعایت اصول آزادی خواهی و کرامت انسانی است. زیرا اصل آزادی خواهی، یکی از اصول انسانی و حقوق طبیعی انسان است و چنـدان ارتباطی باعقیـده و مـذهب نـدارد اگر چه اسـلام به عنوان یک عقیـده آن را تأیید کرده وبرای عمل به آن تأکید می کند ولی اصل آزادی خواهی چنانچه در اعلامیه جهانی حقوق بشـر و انقلاب فرانسه نیز آمده است اصلی انسانی و مربوط به کرامت او است.

امام حسـین (ع) می گوید اگر عراقیان معتقد به اسلام و معاد نباشند، لااقل اصل انسانیت خود را حفظ نمایند و در جنگ تن به تن با

آن که می جنگد مقابله نمایند و به کودکان و زنان که در حال جنگ نیستند تعرض نکنند.

س ۶۲۷: چگـونه می توان از «امر به معروف و نهی از منکر» که خود از مکـانیزم هـای بازدارنـده ایجـاد قـدرت مطلقه است به عنوان ابزاری در قبال حاکمیت های مطلق استفاده کرد؟

ج : هو العالم؛ به نظر من کتاب «افضل الجهاد» پاسخ این سؤال را به حد کافی ارائه می دهد. زیرا وقتی قدرت مطلقه حاکمیت و سـلطه پیـدا کرد، قطعاً ابزار امر به معروف و نهی از منکر، کارائی خود را پیـدا می کند، این که در کلام پیامبر «افضل الجهاد کلمه حق عند سلطان جائر» (بهترین جهاد، گفتن سخن حق در نزد پادشاه ستمگر است) بهترین وسیله برای مبارزه با ظلم اعلام شده است، خود شاهد گویایی است بر مسأله یاد شده. به جهت این که هرگز انسان سـتمگر خود را در محدوده خود قانع نمی بیند و به دنبال سـلطه بیشتر و اسـتثمار است در نتیجه سلاح امر به معروف، افضل الجهادی است که می توان جلوی سلطه گری او را گرفت و او را به قانونمندی و اطاعت از قانون واداشت و یا ساقط کرد.

س ۶۲۸: عده ای بر این عقیده اند که اگر امام حسـین (ع) می دانست که در کربلا به شهادت می رسد اقدام به سفر نمی کرد، زیرا قتل نفس است و آن را حرام می دانند. در قبال این طرز تفکر چه می توان گفت؟!

ج : هو العالم؛ آگاهی امام از سرنوشت خود، واقعیتی است که پیشاپیش از طرف پیامبر (ص) و پدرش امام علی (ع) به او

رسـیده بود. ولی علم به سـرنوشت و آینده، هرگز او را وادار نمی کند که مسیر طبیعی خود را طی نکند. او در مکه اعلام کرد راهی که او در پیش دارد راه پر مخاطره است و فداکاری و از خود گذشتگی لازم دارد. طبیعی است که کسی که با حکومتی مبارزه می کنـد و ادعای اسـتقلال طلبی دارد، و قیام می کنـد حتی در عصـر حاضـر آماده شـهادت است و می داند که ممکن است در این راه به شـهادت برسـد، چنـانچه این مسأله نه در مورد امـام، بلکه در حق بسـیاری از مبارزان و انقلابیون نیز صادق است و نسـبت به امام حسـین (ع) قضـیه بالاتر از این حرفها است، امام حسـین(ع) می دانست که کشـته شدنش سـبب بقاء دین است، چون فساد مخالفین را ظاهر می نمود پس باید راه خود را ادامه دهد و سرانجام به پیروزی نائل شود.

س ۶۲۹: عده ای این گونه می اندیشـند که حادثه کربلا در مقطعی از زمان اتفاق افتاده و امروزه چه نیازی به احیای آن است. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟!

ج : هو العـالم؛ این که در روایـات ائمه اهـل بیت آمـده که «شـیعیان مـا عمل ما را احیاء می کننـد، رحم الله من احیا امرنا» تنها مربوط به آموزش های اهل بیت نیست بلکه سیره امامان در زندگی، برای مسلمانان و جامعه همه انسانها اسوه و الگو می باشد.

قطعاً امـام حسـین (ع) یکی از رادمردان و آزادی خواهان دنیا است. مهاتماگانـدی در نهضت اسـتقلال طلبی خود در هنـد، از نهضت کربلای حسین (ع) الهام گرفته است، چنانچه مارتین لوتر کینگ رهبر سیاه پوستان

آمریکا از نهضت گاندی الهام گرفته است. اخذ و اقتباس از روشها، سیره ها، الگوها، ویژه جامعه و اشخاص معین نیست و تنها اختصاص به جهان اسلام ندارد. شواهد تاریخی این مسأله را ثابت می کند. چه این مبارزه و نهضت، مبارزه منفی باشد یا مثبت، سیاسی باشد یا اقتصادی، پس نهضت و قیام امام حسین (ع) به عنوان مرد آزادی خواه، نه تنها در گذشته بلکه در هر عصر و زمان زنده بوده و برای آزادی خواهان پیام دارد. به قول آن نویسنده، قیام مسیح پیام ندارد اما نهضت و قیام حسین(ع) دارای پیام است. قطعاً این پیام نه در انحصار یک قوم و نه مخصوص یک زمان معین است، بلکه حتماً این پیام فرازمانی و فرامکانی می باشد.

س ۶۳۰: گفته می شود که برای احیای اندیشه سید الشهداء و در نتیجه اجرای احکام الهی احتیاجی به اقامه شعائر حسینی (از قبیل سینه زنی، زنجیر زنی، قمه زنی) نیست که امروزه به گونه ای گسترده در میان شیعه و همچنین سایر فرق مذهبی دیگر از قبیل هندوها مطرح است این مسأله، امری مطابق با قوانین شرعی و عرفی نبوده، بلکه وسیله ای برای تمسخر دیگران است و لذا ازتوانایی های خود جهت جلوگیری از اقامه آن، بیشترین استفاده را می کنند، این سیاست استعماری را چگونه تفسیر می کنید؟!

ج : هو العالم؛ ابلاغ پیام یک نهضت و انتقال آن به نسل ها و ملت ها، قطعاً باید با نوعی تجمع، شعار و ابراز احساسات خاص همراه باشد، چنانچه این مراسم در ابلاغ پیام مسیح از سوی کاتولیک ها و احیای آیینهای خاص در روز

جهانی کار، پیام آزادی ابراهام لینکن (فروزاندن مشعل آزادی) با تجمع در زیر مجسمه آزادی، در همه ملت ها با آداب و رسوم مختلف دیده می شود. طبیعی است که ابلاغ پیام عاشورا به ملت های مسلمان و آزادیخواه، لازم است از طریق یادآوری شعارها، کلمات، و خطبه های شهدای عاشورا باشد و این به جز از طریق اقامه مراسم عزاداری و یاد یادآوران، راه دیگری ندارد. اگر امروزه وسایل ارتباط جمعی گسترده شده است، بهتر است از آنها نیز استفاده شود.

اما این که عده ای این مراسم را به نحو خاص اقامه می کنند، چنانچه در سؤال یادآوری شده است، طبعاً آنها نوعی آداب و رسوم محلی، قومی می باشد.

ولی در عین حال، حتی در آن نوع مراسمی که ضرر جانی مهلک برای انسان نداشته باشد، بی اشکال است، بلکه ابراز آن همان گونه که جمعی از علمای بزرگ شیعه همه آنها را از شعائر مذهبی می دانند بدون شک بسیار مؤثر می باشد... و از کارهای بسیار خوب است، بلکه بعضی از بزرگان دین آنها را در بعضی موارد واجب دانسته اند.

س ۶۳۱: نقش امام حسین (ع) در جنبش های آزادی بخش و اصلاح طلب را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج : هو العالم؛ چنانچه قبلا اشاره شد، نهضت امام حسین (ع) نقش اول را در نهضت های آزادی بخش و عدالت خواهانه قرن های اول و دوم هجری ایفاء کرده و در عصر ما نقش اول را در نهضت آزادی هندوستان و الهام گیری مهاتماگاندی و نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران به روشنی می بینم و شواهد تاریخی نیز بر این مطلب

دلالت دارند.

س ۶۳۲: امام حسین (ع) که می دانست به شهادت می رسد، به چه دلیل خاندان خویش را به همراهی خود به رزمگاه برد؟!

ج : هو العالم؛ قیام امام حسین (ع) و مبارزه جویی او با حکومت بنی امیه اگر توأم با اسارت خاندان نبوت نبود، به نتیجه مطلوب نمی رسید و اگر اسارت خاندان امام حسین (ع) نبود قطعاً آن نهضت به نتایج مطلوبه تمام نتایجی که به آنها اشارت رفت نمی رسید.

س ۶۳۳: نقش حضرت زینب (س) در واقعه عاشورا چه بود؟

ج : هو العالم؛ قطعاً فداکاری و شهادت طلبی امام حسین (ع) و یارانش، در یک شرایط بسیار سخت صحرای کربلا، با وضع فجیعی به پایان رسید و امام حسین(ع) شهید شد. ولی تکمیل رسالت او و ابلاغ پیام شهدا، اگر چه به طور ظاهری به وسیله وقایع به مانند «حمید بن مسلم» صورت گرفته اما ایصال اصل پیام و ابلاغ آن به قوم خواب رفته کوفه و شام و در طول تاریخ به نسل های مسلمان، به وسیله حضرت زینب (س) بوده است.

حضرت زینب (س) قافله سالار خیل اسیران است. شیر زنی است سخنور و شجاع که در مراحل حساس اسارت در کوفه و شام سخنرانی های آتشین در دفاع از نهضت حسینی ایراد کرده است. بهتر است که سخنرانی او و خواهرش ام کلثوم را در کوفه در کتاب های تاریخی ملاحظه شود تا حقیقت نقش حضرت زینب (س) در تکمیل رسالت حسینی روشن گردد.

س ۶۳۴: چگونه می توان الگویی از شخصیت حضرت زینب کبری (س) برای بانوان این عصر ترسیم کرد؟!

ج : هو العالم؛ بنا به یک

اصل روانشناختی، الگو پـذیری، یکی از انگیزه ها و عوامل رفتار انسانی است. نقش قهرمانان تاریخ و شخصیت های برجسته در عرصه علم و هنر و اجتماع، در تربیت انسان، واضح تر از آن است که توضیحی داده شود.

امروزه در جهان اسلام سخن از الگوی زن مسلمان است که چه نمونه و شخصیتی می تواند روش های زندگی و روش های حیات اجتماعی، فرهنگی را به زن مسلمان نشان دهد. و از نظر تفکر و شخصیت او را بسازد و تربیت نماید. قطعاً حضرت زینب(س) نمونه والای این قلمرو است که با الهام گیری از شخصیت او، زنان عصر ما می توانند او را پیشوای آزاده و حفظ کرامت انسانی، بدانند و از او تبعیت کنند و اندیشه اجتماعی، فکری خود را از اندیشه اسلامی که زینب (س) نیز از ثمرات ان است، الهام بگیرند.

س ۶۳۵: گاندی رهبر آزادی خواه هند می گوید: «از حسین بن علی (ع) آموختم چگونه مظلوم باشم تا پیروز گردم». این کلام نغز را چگونه تحلیل می کنید و چرا مسلمانان، چنین پیامی را دریافت نکرده و نتوانسته اند خود را از چنگال حکومت های استبدادی و دارای حاکمیت فردی و مطلقه نجات دهند؟

ج : هو العالم؛ به نظر اینجانب مفهوم جمله گاندی تنها در بعد مقاومت در برابر ستمگر خلاصه شده است. اما روش مقاومت را خود گاندی ابداع کرده است. و در نتیجه کشور هند به استقلال رسیده و یکی از نمونه های کشورهای دموکراتیک در جهان امروز است.

اگر مسلمانان نتوانسته اند از پیام آزادی خواهی امام حسین (ع) عبرت بگیرند به نظر می رسد که هنوز ریشه

هـای اسـتبداد در فرهنـگ و ذهنیت مسـلمانان خشـک نشـده اسـتوهنوزکه هنوز است روابـط اجتماعی بر مبنای تحمیل و تقلب مبتنی می باشد.

مسأله اصـلی جوامع مسلمان استبداد است که در قرن های اخیر از سوی اصلاحگران مسلمان، در مصر، ایران و هند، دنبال شده است. مـادامی که این ریشه شـجره خـبیثه (به تعبیر آیت الله نـائینی) خشـك نشـده است. مسـلمانان هرگز چهره یـک حکومت مطلوب را مشاهده نخواهند کرد. ولی این هرگز به آن معنا نیست که ملتهای ما رشد نداشـته و نمی توانند آزادی و دموکراسی را تمرین نماینـد. اگر ملت هایی در حیات اجتماعی خود به مرحله ای از دموکراسـی رسـیده انـد، قطعاً آنها، این آزمایش های اجتماعی را، جلوتر از مسـلمانان آغاز کرده اند و به آن مرحله از رشد اجتماعی نائل شده اند. پیمودن این راه برای ما مسلمانان نیز میسر است.

س ۶۳۶: چگونه می توان از فلسفه قیام امام حسین (ع) در جهت احیای تعالیم اسلامی در غرب بهره جست؟

ج : هو العـالم; فضـای فرهنگی مغرب زمین بـا کشورهـای اسـلامی متفـاوت است، امروزه کشورهای غربی از آزادی سیاسـی، فرهنگی نسبتاً مطلوبی برخوردارند و از دانشـگاه های علمی وسیع بهره مند می باشـند. آنچه به نظر می رسد اینکه از چند راه می توان این مهم را انجام داد.

۱ همچنـان که دانشـمندان، و مستشـرقان بـا اقـامه سـمینارها و کنفرانس هـا در دانشـگاه هـا به ارائه نظریـات خود می پردازنـد. دانشمندان مسلمانومسلمانان اندیشمندمی توانندازاین ابزارها در ارائه علمی فلسفه قیام امام حسین (ع) استفاده نمایند.

۲ از طریق ترجمه آثار نویسندگان مسلمان در این زمینه، چنانچه حامد الگار نویسنده مسلمان که اخیراً نیز به

کرامت تشیع نائل شده است، همین کار را انجام می دهد.

۳ ایجاد رادیو و تلویزیون که از آن طریق می توان پیام اسلام و نهضت امام حسین (ع) را به نسل های بعدی ابلاغ کرد.

۴ راه اندازی نشریات و مجلات تبلیغی، چنانچه مسیحیان و دیگر گروه ها استفاده می کنند. مانند plan truth

۵ تهیه فیلم و نمایشنامه از نهضت کربلا و تبلیغ پیام شهدا از این طریق.

س ۶۳۷: متضمن چند سؤال است راجع به شهادت حضرت سید الشهدا (ع): آیا روز عاشورا (جمعه) سال ۶۱ بود؟

ج : هو العالم؛ اتفاق مؤرخین و محدثین بر این است که روز عاشورا روز جمعه بود است و بیشتر مورخین سال شهادت را(۶۱) دانسته اند، همانگونه که ابوالفرج و الحافظ عبدالعزیز و الطبری و الجزمه و المفید و الاربلی فی کشف الغمه و القمقام و غیر اینها از عامه و خاصه به آن تصریح کرده اند .

س ۶۳۸: آیا امام حسین (ع) در روز عاشورا نماز ظهر و عصر را جمعاً و بطور خوف نخواند؟

ج : هو العالم؛ چون مستفاد از روایتی که مفید نقل فرموده و روایات دیگر این است که شهادت امام در آخر روز عاشورا بوده و به حساب اهل فن تقریبا یک ساعت قبل از غروب شمس بوده، بنابراین امام نماز ظهر و عصر را جمعاً خوانده و صلاه خوف بوده است کما اینکه در روایات تصریح شده است .

س ۶۳۹: آیا روز عاشورا بعضی شهداء کربلاء نماز عصر قضاء کرد؟

ج : هو العالم؛ آن را نمی دانم.

س ۶۴۰: آیا امام در نماز عصر شهید شده یا در سجده شکر؟

ج : هو العالم؛امام درسجده شکرشهیدشدنه

درحال نمازعصر.

س ۶۴۱: آیا مغلوب بودن امام یعنی شهادت غیر حال نماز ممکن بود روز عاشورا و غیر آن؟

ج : هو العالم؛ امام مغلوب نشد بلکه غالب شد چون با شهادت دین را زنده کرد، لذا اسلام را حسینی البقاء می دانند، و خود شهادت بزرگترین عبادت بوده است و امام روحش متصل به مبدأ اعلی شده بود من و امثال من ممکن نیست بتوانیم بفهمیم که امام حسین (ع) در آن حالت چه مقامی داشته و هر چه بگوییم کم گفته ایم.

س ۶۴۲: روایتی بیان می کنند که امام حسین (ع) هنگام راز و نیاز به درگاه خدا فرمود «صبراً علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین»چگونه است؟

ج : هو العالم؛ درست است.

س ۶۴۳: این که مشهور است شریح قاضی فتوی به قتل امام حسین (ع) داده، آیا سند معتبر دارد؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً چنین نیست و لذا مختار هم به او تعرض شدید نکرد.

س ۶۴۴: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) بر سرنعش برادرش امام حسین (ع) رسید و عرض کرد «آیا تو برادر منی، آیا تو فرزند مادر منی؟» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ ظاهراً همین طور است و منبری ها که نسبت می دهند به حضرت زینب (س)، اشکال ندارد.

س ۶۴۵: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) در قتلگاه این جمله را به خدا عرض کرد: «الهی تقبل منا هذا القربان» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ از جواب مسأله قبل، جواب این مسأله و سه مسأله بعد معلوم می شود.

س ۶۴۶: روایتی که می گویدوقتی حضرت زینب(س)برسرنعش مطهرامام حسین (ع) رسید

و عرض کرد «السلام علیک یا ذبیحاً من القفا، اختک لک الفداء، یا بن محمد المصطفی (ص) و یا قره عین فاطمه الزهراء (ع)» آیا اعتبار دارد؟

ج : هو العالم؛ بلی اعتبار دارد و برای سند آن مراجعه شود به:

۱ اللهوف علی قتلی الطفوف ص ۱۳۰

۲ المناقب ج ۴ ص ۱۱۳

۳ بحار الانوار ج ۴۵ ص ۵۹

س ۶۴۷: روایتی که می گوید حضرت زینب (س) در قتلگاه خطاب به بدن امام حسین (ع) عرض کرد «اگر تمام مصیبت های تو را فراموش کنم این مصیبت تو را از یاد نبرم که تو را میان دو نهر آب با لب تشنه شهید کردند و هر چه آب خواستی ندادند» چگونه است؟

ج : هو العالم؛ از جواب سؤالات قبل، جواب این سؤال هم معلوم می شود.

س ۶۴۸: روایتی نقل می کند امام زمان ارواحنا فداه موقع ظهور چنین مصیبت می خواند «الا یا اهل العالم ان جدّی الحسین علیه السلام قتلوه عطشانا و...» این روایت چگونه است؟

ج : هو العالم؛ مراجعه شود به شجره طوبی ج ۲ ص ۳۹۷

س ۶۴۹: با اینکه محدث نوری (ره) در کتاب لؤلؤ و مرجان از شیخ مفید و شیخ کفعمی و شیخ طوسی و علامه حلی رضوان الله علیهم اجمعین نقل نموده که اهل بیت پیامبر (ص) روز اربعین از شام به طرف مدینه حرکت کردند. ولی عده ای از علما چون علامه مجلسی (ره) در زاد المعاد، فاضل بیرجندی (ره) در «وقایع الشهور»، محدث قمی (ره) در «منتهی الامال»، دکتر آیتی (ره) در «بررسی تاریخ عاشورا» ورود اهل بیت در روز اربعین به کربلا را فرموده اند، نظر حضرتعالی چیست؟

ج : هو العالم؛ این امر مورد اختلاف است ولی به نظر من ورود اهل بیت به کربلا در همان اربعین اول بوده است.

«عزاداری»

س ۶۵۰: در مواردی که احیای دین و احیای نام و یاد معصومین (ع) متوقف بر روضه خوانی و مثل آن باشد آیا روضه خوانی و مثل آن واجب می شود؟ و آیا در این جهت فرقی بین ایام شهادت آنها و دیگر ایام وجود دارد یا خیر؟

ج : هو العالم؛ در استحباب آن تردیدی نیست، و در بعضی موارد هم به وجوب کفائی واجب می شود.

س ۶۵۱: آیا سینه زدن در مراسم عزاداری ائمه اطهار (ع) در شرع مقدس توصیه شده است؟ و آن را به عنوان یک امر مستحبی می شناسد؟

ج : هو العالم؛ به عنوان عزاداری بسیار توصیه شده است و آن از افضل مقربات است.

س ۶۵۲: اینجانب مداح اهل بیت علیهم السلام می باشم، اگر برای مداحی، احادیثی در فضائل اهل بیت و مظلومیت آنها بگویم و از کتاب هایی چون منتهی الامال، نفس المهموم، بکاء الحسین، ریاحین الشریعه و... استفاده کنم آیا اشکال دارد یا خیر؟ در صورت عدم اشکال آیا بنده اجازه دارم یا خیر؟

ج : هو العالم؛ چنانچه غلو نباشد مطالبی که در کتب مقاتل نوشته شده است اشکال ندارد، چون شنیده ام این ایام مطالب غلو آمیز خیلی رائج شده است و شما هم تذکر بدهید که در فلان کتاب، این مطالب هست، و مجاز هستید بخوانید. شما منصب بزرگ و بسیار بافضیلتی را متصدی هستید، با شعار غیر مشروع این مقام را نابود نکنید.

س ۶۵۳: امروزه مشاهده می شود

که در مجالس سینه زنی، بعضی از مردم لباس های خویش را بیرون آورده و به صورت لخت سینه می زنند، آیا چنین عملی منافی شأن ائمه (ع) نمی باشد؟ و آیا اصلا چنین عملی جایز است؟

ج : هو العالم؛ بلی جایز است، نه تنها منافی شأن ائمه (ع) نیست بلکه موافق با مقام عالی آن بزرگواران می باشد.

س ۶۵۴: آیا حضور در چنین مجالسی توصیه می گردد؟

ج : هو العالم؛ بلی، بالاتر از توصیه.

س ۶۵۵: حکم قمه زنی در روز عاشورا و در ایام وفات ائمه (ع) چیست؟

ج : هو العالم؛ عمل مستحسنی است و از شعائر است.

س ۶۵۶: احترام به شعائر حسینی چه حکمی دارد آیا لازم است؟

ج : هو العالم؛چون مهمترین چیزی که موجب بقاء دین است شعائر حسینی است، بنابراین بر هر فرد شیعی است که آنها را احترام نماید.

س ۶۵۷: با توجه به شبهه هایی که در سال های اخیر در مورد حلال و حرام بودن قمه زنی به وجود آمده است، خواهشمندم در ضمن بیان استدلال خود مبنی بر حلال بودن این کار، فلسفه این کار را نیز بیان نمایید.

ج : هو العالم؛ قمه زدن از شعائر مذهبی است و عزاداری بر سید الشهداء (ع) است.

آیه کریمه( ) «و من یعظم شعائر الله...» و ادله مطلوبیت عزاداری آن حضرت دلالت بر حلال بودن و از اعمال حسنه بودن آن می نماید.

س ۶۵۸: چیزهایی که در ترویج عزاداری سید الشهداء (ع) به کار برده می شوند از ماتم، نوحه، علم، ضریح، تعزیه و لباس سیاه و دیگر منسوبات حسینیه، آیا احترام آنها مشروع هست یا خیر؟

ج :

هو العالم; همه آنها شرعاً خوب و حسن است مگر چیزهایی که حرمت شرعی دارد مانند غناء.

س ۶۵۹: حکم شخصی که شعائر حسینی و گفتن یا علی، و یا حسین را بدعت و غیر جایز می داند چیست؟

ج : هو العالم; چنین شخصی منحرف است و باید تعلم نموده و خود را موافق با مستحبات و واجبات کفائیه قرار دهد.

«جشن میلاد ائمه (ع)»

س ۶۶۰: به نظر حضرتعالی در میلاد ائمه اطهار (ع) مراسم جشن و سرور باید چگونه باشد تا هم حق آن بزرگواران اداء شود و هم بی احترامی به آنها نشود؟

ج : هو العالم; در مراسم جشن مواظبت شود که آلات لهو و لعب نواخته نشود، غنا هم نخوانند، بقیه مراسم جایز است.

س ۶۶۱: با توجه به اینکه مرسوم است در سالروز ولادت ائمه اطهار (ع) مجلس جشن و شادی برگزار می شود، سؤال این که آیا خود ائمه اطهار (ع) برای پدران و اجداد طاهرینشان (ع) اینگونه مجالس را بر پا می کردند؟ و اگر بر پا می کردند کیفیت مجالس آنها چگونه بوده است؟

ج : هو العالم; در این امور باید رعایت عرف هر زمان بشود.

س ۶۶۲: اگر مداح اهل بیت (ع) در شعر خود بگوید: «صل علی محمد امام باقر (ع) آمد»، آیا این صلوات ابتر است با توجه به اینکه مداح معتقد به آل پیامبر(ص) می باشد؟

ج : هو العالم; جایز است، اشکال ندارد.

س ۶۶۳: بفرمایید دست زدن در مجلس میلاد اهل بیت (ع) چگونه است؟

ج : هو العالم; اگرتوأم باکارهای خلاف دیگرنباشداشکال ندارد.

س ۶۶۴: ما محبین به حضرت رسول (ص) و ائمه طاهرین (ع) در میلاد آنها، جشن های

مذهبی در مسجد برگزار می کنیم و مداحان و شاعران اهل بیت، سرودی در وصف آن بزرگواران می خوانند و مردم هم برای تنوع مجلس کف می زنند، بفرمایید این کف زدن، آن هم در مسجد چه صورتی دارد؟

ج : هو العالم; کف زدن تنها چنانچه توأم با حرکات سبک که منافی با احترام به آن بزرگواران است نباشد، اشکال ندارد.

س ۶۶۵: آیا کف زدن در میلاد ائمه اطهار (ع) همانند سینه زدن در شهادت آن بزرگواران، ثواب دارد؟

ج : هو العالم; بلی، چنانچه توأم با حرکات و اعمالی که مناسب مقام شامخ آنان نیست نباشد، چون از امام معصوم (ع) روایت شده است: «شیعتنا خلقوا من فاضل طینتا یفرحون لفرحنا و...»

س ۶۶۶: مولودی خوانی همراه با کف زدن که نوعی آهنگ ایجاد می کند و انسان را به وجد می آورد چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; وجد غیر از خفت است که از استعمال آلات لهو و غنا حاصل می شود. کف زدن به شرطی که عنوان محرم دیگری بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

س ۶۶۷: دف زدن در مجلس میلاد اهل بیت (ع) چه حکمی دارد؟

ج : هو العالم; دف زدن جایز نیست.

«دفاع از عتبات عالیات»

س ۶۶۸: غرض از استفتاء آن است که در شرایط کنونی که هم حرم حضرت مولی الموحدین علی بن ابیطالب (ع) و حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و ملت مسلمان و بی دفاع عراق مورد ظلم و ستم و هتک حرمت و حمله ددمنشانه نظامیان آمریکا و انگلیس قرار گرفته و لحظه به لحظه، بی رحمانه جمعی از مسلمانان به خاک و خون کشیده می شوند، آیا خروج از

مرز به طور غیر مجاز جهت پاسداری از حرمین شریفین و دفاع از ملت عراق، شرعا جهاد فی سبیل الله محسوب است یا خیر؟

ج : هو العالم؛ مسلماً خروج به این قصد یعنی پاسداری از حرمهای چهارگانه اهل البیت (ع) و دفاع از مسلمانان بی دفاع، مصداق بارز دفاع فی سبیل الله است. و کسی که در آن راه کشته شود ولو اینکه نتواند کاری انجام دهد شهید است.

«تاریخ مسجد کوفه»

س ۶۶۹: در روایتی هست که در مسجد کوفه هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر نماز خوانده اند و در روایت دیگر است که کوفه را عمر بن خطاب بنا کرده است، لطفا اجمالا توضیحی بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ مسجد کوفه از اوائل خلقت بشر بوده، جای قبول توبه آدم و استقرار کشتی نوح در آنجا است، بعضی از حضرات ائمه معصومین (ع) از مدینه مسافرت نموده در آنجا نماز خوانده اند. بنابراین هیچ مانعی از صحت روایت ذکر شده متصور نیست. و اما روایت این که عمر بن خطاب بنا کرده است یعنی اساس بنا از او است مسلماً دروغ است.

«تاریخ سال قمری»

س ۶۷۰: با اینکه هجرت پیامبر اکرم (ص)، در اول ماه ربیع الاول اتفاق افتاده، چرا اول سال قمری، اول ماه محرم است؟

ج : هو العالم؛ چون اول سال در نزد عامه مردم، اول محرم بوده است نخواستند این عادت را به هم بزنند. ولی چون مبدأ تاریخ مختلف فیه بوده، هجرت پیغمبر (ص) گرفته اند که عموم مسلمین هم با این امر موافق می باشند.

«شیخ صدوق»

س ۶۷۱: با اینکه علامه حلی (ره) و شهید ثالث (ره) به فقیه بودن شیخ صدوق (ره) تصریح کرده اند چرا بعضی ها می گویند پدرش (ره) فقیه بوده و خودش محدث بوده؟

ج : هو العالم؛ صدوقان به خصوص پسر از مفاخر علماء اسلام و از فقهاء بزرگ هستند و محدث بودن منافی فقیه بودن نیست. هم محدث هستند و هم فقیه.

«تاریخ عمامه»

س ۶۷۲: علت اینکه عمامه آقایان سادات مشکی و آقایان شیوخ سفید می باشد چیست؟

ج : هو العالم؛ پوشیدن عمامه در نماز بلکه مطلقاً، مستحب است و اما پوشیدن عمامه سیاه و سفید یک امر عرفی برای تمییز سادات از غیر سادات است.

«مسائل متفرقه دعاها»

س ۶۷۳: آیا زیارت عاشورا حدیث قدسی است یا نه؟

ج : هو العالم؛ روایات متعددی در فضیلت و کیفیت آن از امامین صادقین (ع) رسیده است، ولی همانگونه که حاجی نوری (ره) می فرماید این زیارت از احادیث قدسیه و از منشئات حضرت حق تعالی است.

س ۶۷۴: خواهشمند است نظر مبارک را در مورد صحت و سقم زیارت ناحیه مقدسه امام زمان (عج) بفرمایید؟

ج : هو العالم؛زیارت ناحیه مقدسه را جمعی از انشائات سید مرتضی (ره) گفته اند. ولی صاحب مزار کبیر محمد بن المشهدی می گوید کما فی البحار ج ۹۸، ص ۳۲۳ : «زیاره اخری فی یوم عاشوراء مما خرج من الناحیه المقدسه الی احد الابواب... الی ان یقول، فظهر ان هذه الزیاره منقوله مرویه و یحتمل ان لا تکون مختصه بیوم عاشوراء کما فعله السید المرتضی». ولی ظاهر آنچه در مزار کبیر ص ۱۶۵ ۱۷۱ نقل کرده با آنچه که منصوب به سید مرتضی (ره) است مختصر اختلافی دارد. مجلسی ره می فرماید: «و الا ظهر ان السید اخذ هذه الزیاره و اضاف الیها من قبل نفسه ما اضاف». شیخ مفید (ره) نیز در کتاب مزار زیارت را به روایت نسبت می دهد.

س ۶۷۵: آیا مأخذ معتبری برای حدیث قدسی معروف «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی» می دانید؟

ج : هو العالم؛ مأخذ آن ۱الجواهرالسنیه شیخ

حرعاملیص ۳۶۰

۲ شجره طوبی ج ۱ ص ۳۳.

س ۶۷۶: نظرتان راجع به دعای «نادعلی» چیست؟ آیا معتبر است یا خیر؟

ج : هوالعالم؛ روایت دارد در مستحبات اعتبار روایت لازم نیست.

س ۶۷۷: آیا می توان با زیارت جامعه، نبی مکرم (ص) را زیارت نمود؟

ج : هو العالم؛ زیارت جامعه به حسب الروایات مختص به ائمه معصومین (ع) است و مؤید آن هم جمله «و الی جدّکم بعث الروح الامین» می باشد که در ذیل آن نوشته شده است که اگر حضرت امیر (ع) زیارت شود به جای «و الی جدکم»، «و الی اخیک» خوانده شود.

س ۶۷۸: در ادعیه ماه رجب هنگام قرائت این فراز «حرم شیبتی علی النار» برای زن هاکه محاسن ندارند وظیفه چیست و به جای آن چه بگویند؟

ج : هو العالم؛ باب استعاره در کلمات عرب واسع است و این هم یکی از آن موارد است و مراد تحریم شخص است و الامردها هم درخواست حرمت خصوص شیبه را نمی کنند و در آن معنی فرقی بین زن و مرد نیست. و به عبارت دیگر این جملات از قبیل استعاره است مانند «زید کثیر الرماد» که مراد جواد بودن اواست در حالی که اصلا خاکستر ندارد و عبارت صحیح است .

بنابراین مراداز این جملات این است که آتش نزدیک من نیاید. و الله العالم.

س ۶۷۹: حرکت دادن انگشت سبابه دست راست هنگام خواندن این فراز «یا ذا الجلال و الاکرام، یا ذا النعماء و الجود...» از دعای ماه رجب به چه منظور و حکمت است؟

ج : هو العالم؛ حکمت احکام را نمی دانم.

س ۶۸۰: آیا می شود زیارت امین الله را برای غیر

امیرالمؤمنین (ع) از معصومین (ع) دیگر به قصد ورود خواند به دلیل «السلام علیکم یا امناء الله علی وحیه» که در زیارت جامعه کبیره آمده است.

ج : هو العالم؛ می شود به قصد ورود خواند نه به واسطه آنچه اشاره شده است بلکه بواسطه تصریح به آن در روایت.

«سفارش برنامه معنوی»

س ۶۸۱: برای طهارت روح و قلب و آمادگی برای نماز با خشوع قلبی چه باید کرد، لطفاً توصیه بفرمایید؟

ج : هو العالم؛ ۱ نماز شب خواندن

۲ روزی اقلا پنجاه آیه قرآن خواندن،

۳ تکرار ذکر یونسیه( ) در سجده طولانی.

س ۶۸۲: من از کودکی با نام شما و کتاب بی نیاز از لقب شما یعنی «فقه الصادق» آشنا بوده ام و زندگی شما را از طریق پایگاهتان در اینترنت مطالعه کرده ام و چند سال قبل توفیق زیارت شما هم نصیب من شد. حال با آنکه می دانم که مشغله حضرتعالی زیاد است لطفی در حق اینجانب بنمایید و برای یک طلبه رسایل خوان برنامه بریزید ساعات کلاس اینجانب صبح از ساعت ۸ تا ۱۲ شامل یک ساعت تدریس سیوطی و یکساعت کلیات رجال آقای سبحانی و دو ساعت رسائل بحث شک و مکاسب قسمت بیع، و شب بعد از نماز مغرب و عشاء رسائل بحث استصحاب می باشد حال بنده خواستار دعای حضرتعالی نیز می باشم و عاجزانه می خواهم شخصاً برایم برنامه بنویسید؟

ج : هو العالم؛ برنامه فعلیتان چنانچه مراتب قبل از قبیل ادبیات و غیره را خوانده باشید خوب است. و آنچه مهم است نیت خالص و دوری از مقاصد دنیوی و عمل به واجبات و احتراز از محرمات است که

اگر چنین باشد مشمول آن روایتی می شوید که می فرماید طالب علم که به طرف تعلم می رود ملائکه پرهایشان را زیر پای او پهن می کنند، کنایه از اینکه ملائکه که اشرف مخلوقات از غیر از انبیاء و اولیاء می باشند در حال عروج طالب علم این ملائکه در مرتبه نازله از مقام او می باشند. و چنانچه برنامه تان را طوری ترتیب دهید که نماز شب هم بخوانید نور علی نور می شود، موفق باشید.

س ۶۸۳: خطاب به جوانان چه نصیحتی دارید؟

ج : هو العالم; مراعات وظایف شرعیه و بیکار نبودن.

«رساله ای استدلالی در بیان حکم

بیدار نمودن شخص نائم برای نماز»

س ۶۸۴: آیا بیدار کردن کسی برای نماز جایز است یا نه؟

ج : هو العالم; عده ای از بزرگان معاصر، به عدم جواز آن فتوا داده اند و گروهی از فقهاء از آنان تبعیت نموده و فتوا داده اند که بلند کردن صدای اذان برای بیدار نمودن نائمین جایز نمی باشد و در صدا و سیما آن را پخش کرده اند و چنین عمل مورد علاقمندی هر کسی می باشد مخصوصا برای جوانان و مخصوصا در موقع تابستان که بیدار شدن برای نماز صبح یک مسئله سخت و دشوار می باشد و اکثر مردم آن را پذیرفته اند.

کسی که وظیفه اش پاسداری از دین است اگر در مورد این وظیفه بسیار مهم سکوت کند، قطعا موجب ترک این عمل عظیم خواهد شد. پس در این حال بر خود لازم دیدم که مسأله را به خوبی روشن کنم زیرا کتمان علم و سکوت را گناه بزرگ می دانم و لذا از طریق کتاب و سنت، عقیده

خود را، در ارتباط با مسأله اظهار می نمایم. در کلمات فقهاء به جواز و رجحان آن و بلکه به وجوبش تصریح شده است.

۱ مفیـد (ره) در مسأله جواز اذان قبل از دخول فجر، می گوید: قبل از دخول وقت گفتن اذان برای بیدار کردن نائم و واداشـتن به نماز، مانعی ندارد.

۲ علامه در این مسأله بعد از اختیار جواز می گوید: به عقیده ما در گفتن اذان فائده هست،که نائم بیدارشودواقامه نمازنماید.

۳ محقق اردبیلی می فرماید: در احادیث وارد شده که تکرار فصول اذان برای انجام جماعت و اخبار ناسـی و نائم، جایز است و این بر جواز ایقاظ نائم برای اقامه نماز، دلالت می کند.

تعداد دیگری از فقهاء هم در کلماتشان همین را قبول کرده اند.

و در کتب حـدیث دو باب آورده شـده و در آنها احادیث زیادی است که به مطلوبیت ایقاظ نائم دلالت می کند: ۱ باب حکم ایقاظ نائم برای نماز، (در ابواب مواقیت صلوه آمده).

۲ (بابی است در مورد کسی که نماز شب می خواند لازم است خانواده اش را متوجه کند و آنها را برای نماز بیدار نماید.)

به هر حـال برای رجحـان بیـدار کردن و بلکه بر وجوبش چنـد وجه و دلیل وجود دارد: دلیل اول: ادله امر به معروف و نهی از منکر است. دلالت ادله امر به معروف و نهی از منکر بعد از بیان دو مقدمه آشکار می شود:

مقدمه اول: این از قواعد قطعی است که امتناع اختیاری منافی اختیار نیست و برای این قاعده دو مورد وجود دارد

۱ امتناع فعل اختیاری به خاطر عدم تعلق اراده و اختیار به آن،

با خود اختیار منافاتی ندارد و اشاعره در این خصوص مخالفند و به جبر قائل اند، مدعایشان این است هر فعلی از افعال ممکنات به علتی نیاز دارد و آن یا موجود است و یا معدوم، به حسب اول وجود فعل واجب می شود و نسبت به دومی ممتنع می گردد. پس هیچ اختیاری نخواهد بود که توضیح مطلب و پاسخش در محل مناسبی باید داده شود.

۲ فعل اختیاری با واسطه، امتناعش به خاطر اختیار واسطه، منافی اختیار نیست، مانند این که کسی خودش را از بلندی پرتاب می کند، سقوط قبل از القاء هم یک کار ممکن است به واسطه قدرتی که او نسبت به القاء و عدم آن دارد.

پس امتناع او از اختیار القاء، با اختیار منافاتی ندارد چون همین امتناع خودش به اختیار باز می گردد و این مسأله بیشتر در خصوص عقاب و مجازات مورد توجه است و عقلاء مولا را مذمت نمی کنند، اگر چنین شخصی را مجازات کند چون این کار را درست می دانند و اما در مورد خطاب، امتناع منافی آن است هر چند که با اختیار است و در این مورد ابوهاشم مخالف است زیرا وی معتقد است که امتناع اختیاری، با اختیار در خطاب هم منافاتی دارد و احدی از عقلاء در عدم منافاتش، با اختیار اختلافی ندارد.

مقدمه دوم:

گاهی قدرت اصلا دخالتی در ملاک حکم ندارد بلکه خود فعل به مصلحت توصیف می شود مکلف قادر باشد یا نباشد، و در این مورد، مسئله قدرت، یک شرط عقلی است.

و گاهی قدرت شرط و دخیل در ملاک حکم و هم چنین توصیف فعل را به مصلحت

بودن به خود اختصاص می دهـد، در این مورد قـدرت، شـرط شـرعی می گردد، مانند باب وضوء، که قدرت داشـتن بر وجود آب، شـرط شـرعی است که این از آیه کریمه( ) هم استفاده می شود لیکن به قرینه آنچه در تفصیل موجود، در میان، (وجدان الماء، و عدم وجدان آن) آمده، بر واجب بودن وضوء و غسل در صورت اول، و تیمم در صورت دوم دلالت دارد.

و اما مقام، یعنی وجوب نماز بر نائم، از قبیل اولی است به این معنا که نائم در حال نوم به خاطر قدرت نداشـتن بر نماز، نسـبت به آن مکلف نمی باشـد، ولی قـدرت در وجوب نمـاز شـرعاً هیـچ تـأثیر نـدارد بلکه تقیـد به حکم عقل است چون اطلاق ادله وجوب نماز را شامل می شود، روی همین قاعـده، کسـی که قدرت را مؤثر در حکم نمی داند، نسـبت به حکم و تکلیف برای غیر مقـدور مـانعی نمی بینـد و هنگامی که بر این مطلب ثمره عملی مترتب شود، (که ما هم بعیـد نـدانستیم) شـکی در وجوب صلاـه بر نائم نیست، و این مضافاً بر دلیل وجوب قضاء برنائم، که متوقف بر صـدق فوت است و تفاوت نمی کنـد، فائت، خود واجب باشـد یـا ملاـک ملزم آن. بنابراین تردیـدی نیست که نماز نسـبت به نائم ملاک ملزم دارد ولی عـدم قـدرت او در حال خواب منشأ می گردد برای عدم حکم به وجوب، بعد از آنکه این دو مقدمه ملاحظه گردید.

ظاهر می شود که کسـی که می خوابـد و می داند یا احتمال می دهد که برای نماز صـبح بیدار نمی شود چنانچه بیدار نشود و نماز ترک

شود مستحق عقاب می شود و او از خداوند دور می گردد، پس ادله امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاق یا به فحوی بر وجوب ایقاظ نائم دلالت می کند تا نمازش را اقامه کند و معاقب نشود.

به علاوه عقل هم به حسن امر به معروف و نهی از منکر حکم می کند و همین حکم مستلزم آن است که شرعاً هم به این دو موضوع امر شود. به خاطر ملازمه ای که در میان حکم عقل و حکم شرع وجود دارد، همین عقل مستقلا بر خوبی نجات دادن کسی از عقاب و دوری از پروردگار، حکم می کند.

این را هم می توان وجه دیگری، بر وجوب بیدار کردن نائم، غیر از ادله امر به معروف لفظی قرار داد، چون برای خودش دلیل است.

دلیل سوم: بیدار کردن رجحان دارد، چون بدین وسیله در حق نائم احسان می شود و عذاب از او رفع می گردد و تعاون بر عمل خیر است و غیر از این از عناوینی که در شریعت به مقتضای اطلاق احادیث مطلوبیت دارند. پس تمام آن روایات بر مطلوب بودن بیدار کردن دلالت دارد.

دلیل چهارم: آیه کریمه: (ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون)( ) ظاهر آیه بر وجوب دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر دلالت می کند و در ذیل آن تأکید می کند که رستگاری و سعادت اجتماع و اصلاحشان بر این است که منحرفین از طریق حق بسوی آن، دعوت شوند و کسانی که در پرتگاه سقوط واقع شده اند آنها

را نجات دهند و خلاصه آیه شریفه رستگاری را در دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر محصور کرده است و بدیهی است که نماز برای نائم خیر است و بیدار کردنش دعوت به خیر است پس به دلیل همین حکم در آیه، بیدار کردن واجب می شود.

دلیل پنجم: نصوص زیادی که به این مسئله تصریح دارند.

۱ صحیح معاویه عن الامام الصادق (ع) قال لی، اقرأ فی الوتر فی ثلاثتهن بقل هو الله و سلم فی الرکعتین توقظ الراقد و تأمر بالصلاه( ).

۲ معتبره الاخرعنه (ع) فی التسلیم فی رکعتی الوتر فقال توقظالراقد و تکلم بالحاجه( ).

۳ معتبریعقوب بن سالم بن ابی عبدالله(ع)عن الرجل یقوم من آخر اللیل فیرفع صوته بالقرآن، فقال (ع): ینبغی للرجل اذا صلی فی اللیل ان یسمع اهله لکی یقوم النائم و یتحرک المتحرک( ). (و این حدیث در علل و نظیرش در تهذیب آمده است).( )

۴ و خبر الجعفریات باسناده عن جعفر بن محمد عن ابیه علیهما السلام قال ان علیا (ع) کان یخرج الی صلاه الصبح و فی یده دره فیوقظ الناس بها فضربه ابن ملجم لعنه الله الخبر ( )

۵ و نحوه خبر قرب الاسناد عن السندی بن محمد البزاز عن ابی البختری عن جعفر بن محمد عن ابیه (ع).

۶ خبر لوط بن یحیی عن اشیاخه و اسلافه فی خبر طویل فی کیفیه شهاده امیرالمومنین علی (ع) الی ان قال و کان صلوات الله علیه اذا اذن لم یبق فی بلده الکوفه بیت الا اخترقه صوته الخبر( ).

۷ خبر ابی سعید الخدری عن النبی (ص): اذا ایقظ الرجل اهله

من اللیل فتوضئا وصلیا، کتبا من الذاکرین الله و الذاکرات( ).

۸ خبر البکری در بیان شهادت امیرالمؤمنین (ع) که راوی گوید: و کان من کرم اخلاقه(ع)انه یتفقد النائمین فی المسجد و یقول للنائم الصلاه یرحکم الله، الصلاه مکتوبه علیک الخ ( )

۹ خبر عبدالرحمن الوارد فی الدعاء و السواک عند القیام باللیل و کان ابوعبدالله (ع) اذا قام آخر للیل یرفع صوته حتی یسمع اهل الدار ( ).

۱۰ و خبر القطب الراوندی فی لب اللباب عن النبی (ص)، رحم الله عبداًقام من اللیل فصلی و ایقظ اهله فصلوا( ).

۱۱ خبر محمد بن یحیی الصولی قال حدثنی امی و اسمها عذر قال اشتریت مع عده جوار من الکوفه و کنت من مولداتها قالت فحملنا الی المأمون و کنا فی داره فی جنه من الأکل والشرب و الطیب و کثره الدنانیر فوهبنی المأمون للرضا (ع) فلما صرت فی داره فقدت جمیع ما کنت فیه من النعیم و کانت علینا قیمه، ۱ تنبهنا باللیل ۲ و تأخذ نا بالصلاه و کان ذلک من اشد شیء علینا( ).

دلیل ششم: ممکن است بر موضوع مذکور استشهاد شود به نصوصی که در اذان وارد شده.

۱ احادیثی که دلالت می کند بر جواز اذان قبل از دخول وقت در هنگام صبح مانند معتبر ابن سنان در مورد صدا زدن قبل از طلوع فجر ملاحظه شود. حضرت در این رابطه فرمود: عیب ندارد ولی سنت این است که به موقع فجر این کار انجام داده شود و همین عمل (یعنی اذان قبل از فجر) به نفع همسایگان می انجامد( ).

۲ معتبره دیگر از امام صادق (ع) قال قلت له، ان

لنامؤذنا یؤذن باللیل فقال (ع) اما ان ذلک ینفع الجیران لقیا مهم الی الصلاه، و اما السنه فانه یتادی مع طلوع الفجر (الخبر) به حضرت عرض کردند ما مؤذنی داریم که در شب (قبل از طلوع فجر) اذان می گوید فرمود: این کار به سود همسایه ها تمام می شود چون به نماز برمی خیزند، و اما سنت این است که اذان با طلوع فجر همزمان باشد ( ).

و به این حدیث عده ای از فقهاء مانند، مفید و علامه ،در جواز ایقاظ نائم و مطلوبیت آن استناد نموده اند.

۳ آنچه بر تکرار فصول دلالت می کند، مقصود اینکه همه(حی علی الفلاح) را، به جای (الصلاه خیر من النوم) در اذان صبح بگویند و محقق اردبیلی به آن در جوز ایقاظ استدال نموده.

۴ حدیثی که دلالت دارد بر استحباب قیام مؤذن در مکان مرتفع، و این که وی باید صدای مناسب اذان را داشته و با صدای بلند گوید ( ).

۵ از میان نصوصات، آن حدیثی که در مورد حضرت امیر المؤمنین علی (ع) وارد شده که حضرت هر وقت اذان می گفت در شهر کوفه منزلی پیدا نمی شد که صدای ایشان را نشنود( ).

۶ احادیثی که متضمن این معناست که در اذان صبح جایز است این جمله را گفتن (الصلاه خیر من النوم) یا بعد از (حی علی الصلاه) و یا بعد از اتمام اذان، نه به نسبت این که آن از وظایف و شئونات نماز است، بلکه بخاطر ایقاظ نائم است که در معنای این جمله آمده است( ).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹